

هفته

۷۹

سال دوم - شماره ۷۹ - جمعه ۲۵ دی ۱۳۸۸ - ۱۵ ژانویه ۲۰۱۰



بنی صدر: جنگ سپاه با ملت ایران است

اولین رئیس‌جمهور اسلامی درباره سپاه پاسداران و جنبش مردم ایران

◀ موسیقی
سیمرغ در سینا
پاشا جوادی

◀ ادبیات
غلامحسین ساعدی، یک نفر
برای تمام ایران
به بهانه سالروز تولد یک
اندیشمند روشنگر
دکتر ماریا صبای مقدم

◀ سیاست
دکتر یونس پارسا بناب در
مونترال و تورنتو:
جنبش مردم ایران و وظائف ما
فرح طاهری

آدیو ویدئو کبک

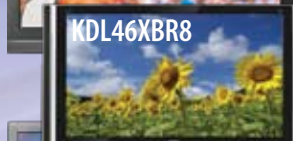
با امکانات نصب و راه اندازی در محل زندگی یا کار شما



TCP50X1
Panasonic TCP50X1 50" High Definition ▶
720p Plasma HDTV
Anti-Glare Game Mode
1,099.99\$



تلویزیون های
سونی حراج شد:
۱۰٪ تخفیف برای
بهترین های سونی



TCP42X1
Panasonic VIERA 42" X1 Series Plasma ▶
Black Flat Panel HDTV – TC-P42X1
Anti-Glare Game Mode
799.99\$



Tel: (450) 691-8801

Fax: (450) 691-4086

46, boul. St-Jean-Baptiste, Châteauguay, QC J6K 3A4

هفته از آن همه ماست.

در کنارش باشیم و به بهبود آن یاری برسانیم

با هم هفته‌های بهتری بسازیم

همین امروز هفته را مشترک شویم

۵۱۴-۷۸۷-۸۸۴۸

برای مشترک شدن می توانید به آدرس زیر ای میل بزنید
و آدرس پستی خود را ارسال کنید.

info@hafteh.ca





Financière

Money Wise
Financial

ارسال ارز به ایران و سایر نقاط جهان

514-485-6000

با امکان صدور Money Order امریکایی و کانادایی

6520 St. Jaques

Montreal, QC H4B 1T6

**دکتر شریف نائینی****جراح دندان پزشک****514-731-1443**

DDS دانشگاه تهران ۱۹۷۳

DMD دانشگاه مونترال ۱۹۹۸

5450 Cote des neiges

Suite 308

Metro: CDN

صفحه ۴ سخن هفته: شعری از اسماعیل وفا یغمایی

صفحه ۵ اخبار کبک و کانادا

صفحه ۸ اخبار مونترال ایرانی

صفحه ۱۱ چرا بهایی‌ها - رضا فانی یزدی

صفحه ۱۲ در گفت‌وگو با دکتر کاوه فرخ بخش دوم و پایانی / یوسف امیری

صفحه ۱۳ نگاهی به موضوع مهاجرت در جهان و کانادا — (۱۰) / سام بیات، برگردان فرحناز حیدرپور

صفحه ۱۵ بنی صدر: جنگ سپاه با ملت ایران است. گفت‌وگو / سعید سلطانیپور

صفحه ۱۸ دکتر یونس پارسابناب در مونترال و تورنتو: جنبش مردم ایران و وظائف ما / فرح طاهری

صفحه ۱۹ درباره ی قمرالملوک وزیری/برگرفته از سایت روزنه آن لاین

صفحه ۲۰ غلامحسین ساعدی، یک نفر برای تمام ایران/ دکتر ماریا صبای مقدم

صفحه ۲۲ نگاهی به چشم اندازه‌های آینده ی بیوتکنولوژی/ گردآوری مصطفی مدیرروستا

صفحه ۲۳ سیمرغ در سینا / پاشا جوادی

صفحه ۲۴ ورزش: تیم قطبی به باخت عادت کرده؟ نه! اولی اتفاقی بود بقیه رو هم حساب نکنید/ پیمان سلیمی

صفحه ۲۶ سرگرمی: شعری از نیما دهقانی

**Tel: 514-961-8746**

David Berger

Avocat - Attorney

نماینده سابق مجلس فدرال کانادا و سفیر در چند کشور

■ با سالها تجربه در نظام سیاسی، دیپلماتیک و اداری در سطح ملی و بین المللی ■ وکیل عضو کانون وکلای کبک

ریسک ها و دشواری های مهاجرت را به حداقل برسانید، یک زندگی جدید را در سرزمین نو آغاز کنید
متخصص در فرجام خواهی در پرونده های رد شده مهاجرت، حفظ شهروندی و حفظ اقامت دائم

مهاجرت

از طریق نیروی متخصص - خویشاوندی

سرمایه گذاری (فقط با ۱۲۰ هزار دلار)

1635, ouest rue Sherbrooke Street West
Bureau/ Suite 400 Montreal, Quebec H3H 1E2
Fax: 514-935-2663
Courriel/ E-mail: bergerdav@gmail.com

چکاوک هفته

سال دوم - شماره ۷۹

جمعه ۲۵ دی ۱۳۸۸

۱۵ ژانویه ۲۰۱۰

ناشر: مجله هفته

ویراستار: لیلی خاقانی

سردبیر: خسرو شمیرانی

نحریه اناوا: دکتر ماریا صبا مقدم

مدیر هنری و طراح جلد: به روز زمانی

صفحه‌آرایی: BehGraphics.com

کاریکاتوریست: سیروس یحیی‌آبادی

گروه فنی تارنمای هفته: پیمان سلیمی و

نازنین حضرتی

◀ گروه نویسندگان:

آتوسا اخوان، ن. تهرانی، مسعود باستانی،

مریم تاجیک، محمد جباری حق، پاشا جوادی،

پیمان سلیمی، سلمان شاکری فرد، علی شریفیان،

مصطفی مدیرروستا

◀ با سپاس ویژه از همکاران این شماره:

یوسف امیری، سام بیات، فرحناز حیدرپور

● هفته از همه‌ی علاقه‌مندان دعوت به همکاری می‌کند.

● برداشت مطلب با ذکر ماخذ آزاد است.

● هفته در ویرایش و کوتاه کردن مطالب‌های رسیده آزاد است.

● نوشته‌های فرستاده شده پس فرستاده نمی‌شوند.

● استفاده از طرح‌ها و آگهی‌های هفته نیاز به کسب اجازه دارد.

● درباره‌ی مضمون آگهی‌های منتشر شده هیچ گونه مسئولیتی متوجه هفته نیست.

در صورت تمایل برای حمایت از تلاش‌های ما
کمک‌های مالی خود را به حساب زیر واریز کنید

Chacavac Cultural Centre

TD Canada Trust

Transit #: 0515

Account #: 5209119

6960 Sherbrooke W suite 15

Montreal QC H4B 1R2

(514)787-8848

info@hafteh.ca

editor@hafteh.ca

ad@hafteh.ca

ISSN 1918-4379 Hafteh

ای آزادی...

■ اسماعیل وفا یغمایی

و در بارگاه «اقتدار» و «فریب»
منفجر می‌کنی:
آزادی!

نه سیاه / نه سپید / نه سرخ
و نه زرد.

نه پرچم / نه مرز / و نه مذهب،
در آنسوی خدا و شیطان
فراتر ازهر آئین و آرمان
تو تنها زمین را به رسمیت می‌شناسی
و انسان را بر آن.

فراتر از هر تعریفی
که همه چیز با تو تعریف میشود
و خود هرگز تعریف نمی‌شوی،
تو، / تنها، / هستی،
چرخنده چون توفانی در ذات جهان
و استخوانهای آنکه بر تخت شکنجه
یا در خیابانهای غربت
و شعله‌ها ترا زبانه کشید و فریاد کرد.

کدام شعر و کدام غزل
ای معشوق!
که سرودنی نیستی
تو تنها بودنی هستی
که تمامی بودنی
باید در هوای تو احاطه و عریان شد
و بی هراس و جسور ترا در آغوش کشید،
تا یگانگی تن و جان و جهان

و تا وصل تو عطش تمنائی دیگر در کام ریزد.

از دور دست زمان
کاهنان آدمیان را به سجده‌ی خدایان ندا دادند،
بشنویدم!
اینک منم آن منادی
که تمامی خدایان و رسولان را به سجود تو می
خوانم
تا نقاب «تزویر»

از چهره‌ی «ابلیس» / فرو افتد
و سیمای خدای راستین
نه در «طور» / و نه در «معراج»
بل در تجلی تو / به تماشای جهان
نهاده شود.

رکوع مرا / هیچ آسمانی،
و سجود مرا / هیچ زمینی
نظاره نخواهد کرد
خدائی را به نیایش اگر باید ایستاد
تنها تویی / تنها تو، ای آزادی!

تو
که تنها تو / آدمی را آفریدی
و در آفرینشی بی پایان
دمادم، او را می‌آفرینی.
نوری تو / هوا / و / آب
و
شعله‌ی ای
آنچه که آدمی را زنده می‌دارد
و آنچه که به مرگ معنا می‌بخشد.

زیبائی تو!
زیبائی ای آزادی
حتی زیباتر از معشوق من
— آفرینه‌ای که در روشنای پوست تن‌اش محو شوم
تا تاریکی و تنهایی خود را وانهم
و ترانه‌ای روشن جستجو کنم —
و مستی آورتر از آن شراب عتیق کهن ملعون
مقدس
که شاعران از خمخانه‌ی شیطان‌ش ربوده‌اند
تا آتش آن را در شعرهای شبانه بر افروزند
و به آتش‌اندانها و قلبهای مردمانش هدیه دهند .

زیبائی تو!
و آن محبوب بی پایان مشترک
که به تفرقه پایان میدهد
و سرودها و دستها را یگانه میکند.
چنان معصوم و کوچکی توای زیبا!
که گیسوان رها شده در باد زنی عابر
و کفر کافران و پیمانهای رندان رابه دفاع می‌ایستی
و چنان عظیمی تو
که تمامت خشم ملتی را
تنها در یک واژه می‌نشانی



اخبار کانادا و کبک

■ خبرهای این شماره از نارنمای ایرانیو گرفته شده است

مهاجران جدید کانادا به کدام شهرها می‌روند؟



در حالی که همگان بر این باورند که سه شهر اصلی کانادا یعنی تورنتو، مونترال و ونکوور همچنان در صدر محبوبیت برای مهاجران قرار دارند اما گزارش مؤسسه Conference Board of Canada که امسال برای دومین بار منتشر شده، چنین نظریه ای را رد می‌کند.

این مؤسسه با در نظر گرفتن ۴۱ فاکتور مختلف از جمله بهداشت، اقتصاد، محیط زیست، وضعیت اجتماعی، امکانات آموزشی، ابتکارات محلی همچنین مسکن، ۵۰ شهر اصلی کانادا را مورد ارزیابی قرار داده و شش شهر

کلگری (آلبرتا)، واترلو (انتاریو)، اتاوا (انتاریو)، ونکوور (بریتیش کلمبیا)، سنت جونز (نیوفاندلند) و

ریچموند هیل (انتاریو)

را به عنوان مقصد اولیه مهاجران و تازه واردین همچنین بین کانادایی‌های ساکن معرفی کرده است.

«ماریو لفی ور»، مدیر مرکز مطالعات شهری با اشاره به این که شهرهای دیگر که در این تحقیق حد نصاب لازم برای دریافت درجه A را کسب نکرده اند، هنوز در حال تلاش و جنب و جوش هستند، افزود: نمی توان گفت شهرهای با رتبه بالا حتما دارای نکات مشترک هستند بلکه شاید هریک از آنها از دیدگاه خاصی برای مهاجران مورد توجه بوده‌اند.

در گزارش مذکور ۱۴ شهر رتبه B را کسب کردند که ادمونتون (آلبرتا)، ویکتوریا (بریتیش کلمبیا)، مارکهام، وان، کینگستون، اوکویل و گوئلف (همگی از انتاریو) در صدر این گروه قرار دارند.

تورنتو؛ بزرگترین شهر کانادا هم در همین گروه قرار گرفته که دلیل کاهش محبوبیت این شهر وضعیت نامناسب بهداشت و درمان و محیط زیست آن عنوان شده است. کمبود شدید پزشک به نسبت جمعیت و تعداد زیاد روزهای توأم با آلودگی هوا.

این درحالیست که، تورنتو و اطراف آن، بین سال های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۶، توانسته بودند، ۳۵ درصد جمعیت مهاجران را به خود جذب کنند. اما دست کم ۲۵،۰۰۰ مهاجر در سال، ترجیح می دهند تورنتو را به مقاصد شهرهای دیگر ترک کنند.

شهرهای هلیفاکس (نوا اسکوشیا)، لویز (کبک)، ریچاینا (ساسکچوان)، کبک سیتی (کبک) و بورلینگتون (انتاریو) دیگر شهرهای گروه B هستند.

اما ۲۱ شهر در گروه C قرار گرفته اند که شامل وینیپگ (ساسکچوان)، مونترال (کبک)، همیلتون و میسی ساگا (انتاریو) و چهار شهر اطراف ونکوور (ریچموند، بورنابی، کوکیت لام، سوری) در ابتدای آن قرار گرفته و به دنبال آن ابوتس فورد (بریتیش کلمبیا)، گاتینو (کبک)، شربروک (کبک)، کیچینر (انتاریو)، بری (انتاریو)، اسکاتون (ساسکچوان)، مانکتون (نیوبرانزویک)، برامپتون (انتاریو)، کلونا (بریتیش کلمبیا)، تاندری (انتاریو)، پتربورگ (انتاریو)، سنت کاترین (انتاریو) و سادبری (انتاریو) دیده می‌شوند.

گروه D بیشتر شامل شهرهای کوچک یا متوسط به قرار زیر است:
انتاریو: اشاوا، برنتفورد، ویندزور و کمبریج
کبک: لانگوئیل، سنگونای، توریز-ریوریز و لاوال
نیوبرانزویک: سنت جونز

به دلیل مشکلات اقتصادی، ۷ شهر از ۹ شهر گروه D از رشد ناچیز جمعیتی برخوردار بوده و دو شهر دیگر نیز حتی رشد منفی داشته‌اند. این شهرها همچنین در انتهای جدول امکانات آموزشی و توسعه قرار دارند.

با وجود رشد بادکنکی بازار مسکن، نرخ بهره ثابت می‌ماند

در پی رشد بادکنکی بازار مسکن که در ماه های اخیر و پس از گذار از دوران بحران اقتصادی روی داده، کارشناسان پیش بینی کردند، بانک مرکزی با دخالت در این موضوع و افزودن نرخ بهره، اندکی از داغی آن بکاهد.

اما این هفته، مسئولان اقتصادی کشور، حاضر نشدند،

بنیاد سهروردی برگزار می‌کند:

معرفی "اسواران ساسانی" نوشته‌ی دکتر کاوه فرخ، ترجمه‌ی یوسف امیری

موضوع کتاب: سواره‌نظام حرفه‌ای ساسانیان (سازمان‌ها، سلاح‌ها، تکامل، تاکتیک‌های جنگی و تحلیل چند نمونه از جنگ‌های آنان با رومیان)

زمان: روز شنبه ۱۶ ژانویه ۲۰۱۰، ساعت ۴ تا ۶

مکان: اتاق ۲۶۰ طبقه ی ۶ ساختمان جان مولسون (ام.بی) دانشگاه کنکوردیا
۱۴۸۰ خیابان گی، نبش خیابان مزونوو (روبروی ایستگاه متروی گی-کنکوردیا)

در این زمینه اقدامی کنند.

دیوید وولف، مشاور رییس بانک مرکزی در ادمونتون با اشاره به درخواست های انجام شده گفت: «رشد بهای مسکن با توجه به تقاضای موجود در بازار، چندان غیرعادی نیست.»



آمارها نشان می دهد ، متوسط نرخ فعلی مسکن در کانادا، ۲۱ درصد نسبت به سال قبل افزایش یافته و میزان خرید و فروش نیز ۴۱ درصد بیشتر شده است.

دلیل اصلی رونق بازار مسکن، پایین بودن نرخ بهره وام های اعطایی است. در گزارشی که روز دوشنبه منتشر شد، بهای واحد مسکن در ماه دسامبر، ۱۷۴،۵۰۰ عنوان شده ، درحالیکه کارشناسان، ۱۶۰،۰۰۰ پیش بینی کرده بودند.

آقای وولف افزود، رشد بادکنکی بازار مسکن ، نظیر آنچه که طی دهه گذشته در ایالات متحده ، روی داد، معمولا بدنبال افزایش نقدینگی در دست مردم و همچنین ابراز آمادگی وام دهندگان صورت می گیرد و همین امر موجب ارائه تصویر نادرست از بهای رشد یافته مسکن می گردد. بنابراین فاکتورهایی نظیر نرخ کم بهره و حجم بالای تقاضا، نمی تواند، برای همیشه نرخ خانه و میزان خرید و فروش را به حالت فعلی نگهدارد.

اما مردم معتقدند، شاید این تنها فرصتی باشد که آنان بتوانند از تسهیلات موجود برای سرمایه گذاری در بخش مسکن استفاده کنند.

بانک مرکزی کانادا پیشتر متعهد شده بود که با حفظ شاخص نرخ بهره در ۰/۲۵ درصد، تا ماه جولای آینده، ضمن مراقبت از روند بازسازی اقتصادی، نرخ تورم را نیز به میزان مورد نظر خود، یعنی ۲ درصد برساند.

پخش کلیپ های اعتراض آمیز، تنها سلاح لیبرال ها در مقابل تعطیلی پارلمان !

حزب لیبرال کانادا و بزرگترین گروه مخالف دولت با تولید و پخش کلیپ های اعتراض آمیز در اینترنت، اقدام دولت محافظه کار در تعطیلی دوماهه ی پارلمان را محکوم کرد.

در این کلیپ ها که به زبان های انگلیسی و فرانسه منتشر شده، از مردم سوال شد که به نظر آنها هارپر قصد دارد چه چیزهایی را از آنان مخفی کند که حاضر شده به خاطر آن، پارلمان کشور را به تعطیلی بکشاند؟

گوینده سپس در کلیپ ها پاسخ سوال را مطرح کرده و می گوید آشکار نشدن نقش دولت کانادا در شکنجه ی صدها زندانی بی گناه افغانی، لایحه ی آب و هوایی و بیکاری در کشور از جمله دلایل آن است.

در یکی از کلیپ ها گفته می شود هارپر در آستانه ی سال نو با حمایت خانم «میکائیل ژان» فرماندارکل کانادا، اقدام به تعطیلی پارلمان کرده و در واقع این اقدام را به عنوان یک عیدی به خودش هدیه کرد!



اعتراض احزاب مخالف نسبت به تعطیلی، سمبل حضور مردم در نظام حکومتی کانادا، صرفا در حد چنین اقدام هایی خلاصه می شود و قانون اجازه ی هیچ گونه عکس العمل غیرمتعارفی را به سیاستمداران و مردم این کشور نمی دهد.

اضافه می شود تعطیلی پارلمان یک کشور برای دومین بار در دو سال گذشته توسط نخست وزیر، حتی در کشورهای جهان سوم که معمولا کشورهای غربی آنان را به غیردمکرات بودن متهم می کنند، سابقه ندارد.

اما اختیارات گسترده ی فرماندارکل به عنوان عالی ترین

مقام سیاسی - نظامی کانادا که توسط ملکه انگلیس منصوب شده است، ادعای مضحک دمکراتیک بودن نظام مشروطه سلطنتی کانادا را زیر سوال می برد.

صدور فتوا علیه تروریسم و افراط گرای توسط ۲۰ امام جمعه کانادا



بیست امام جمعه ی شهرهای مختلف آمریکای شمالی فتوایی علیه هرگونه عملیات تروریستی توسط مسلمانان در کانادا و آمریکا صادر کردند.

سید سهروردی امام مسجد المدینه کلگری روز جمعه گفت: هرگونه حمله توسط افراد خارجی نیز می بایست به عنوان یک اهانت نسبت به ۱۰ میلیون مسلمانی تلقی شود که کانادا و آمریکا را وطن خود می دانند.

وی افزود: «ما از مسلمانان می خواهیم نه تنها تروریسم را محکوم کنند بلکه این گونه حرکات را حمله به خودشان بدانند.»

اقدام رهبران اسلامی کانادا پس از آن انجام شد که یک شهروند نیجریایی تلاش کرد هواپیمای مسافربری آمریکایی را در شب کریسمس منفجر کند.

گفتنی است ۱۹ امام جماعت از کانادا و یک امام از آمریکا فتوای مذکور را امضا کرده اند.

سید سهروردی همچنین اضافه کرد: «قرآن به ما آموخته است که وظیفه داریم در برابر هرگونه خشونت بایستیم.

ما در یک کشور غیر اسلامی و در کنار سایر انسان هایی زندگی می کنیم که دارای اعتقادات مختلف هستند اما اینجا را وطن خود می دانیم. بچه های ما اینجا متولد شده و بزرگ می شوند و برای همین ما باید به خاطر آیندگان در مقابل خشونت ها بایستیم.»

او با اشاره به تأثیر اقدامات تروریستی بر جامعه مسلمانان گفت: «بسیاری از امامان و رهبران اسلامی، از واکنش های اجتماعی نسبت به افراد مسلمان به دلیل تدریجی ها و اعمال ناشایست دیگران، ناخرسند هستند اما پس از اجرای ۱۱ سپتامبر همه ی مسلمانان باید در مقابل حرکت های خشونت آمیز حساسیت به خرج دهند.»

Compuxellence

سرویس اینترنت

- پر سرعت، تا ۵ مگا بیت در ثانیه
- دانلود نامحدود
- مودم رایگان
- بدون نیاز به خط تلفن
- Dial-Up

سرویس تلفن خانگی

- محلی، آمریکای شمالی، بین المللی
- VOIP
- بدون قرارداد، هزینه ثابت ماهانه

www.compuxellence.com 514-849-5231
2155 Rue Mackay Montreal Qc H3G 2J2 - جنب دانشگاه کنکوردیا

سالن آرایش و زیبایی زهره

متخصص آرایش عروس

514-481-6765

با مدیریت زهره

5393 Cote-St-Luc - Villa-Maria

رنگ کاری پيانو و مبلمان چوبی

با رنگ کاری حرفه‌ای و درجه یک، به مبلمان چوبی و قدیمی خود زندگی دوباره بدهید.

ماندانا روشن (438) 887-6264

رستوران شیپراز

برای کیتینگ جشنها و مراسم
گوناگون در خدمت شما
با مدیریت خدیجه سیاح

5625 Sherbrooke W
(514) 485-2929

مهدی رحیمی

مشاور خرید و فروش املاک مسکونی و تجاری
آگاه به امور بانکی
از آغاز تا پایان به همراه شما

MEHDI RAHIMI
Agent Immobilier affilié (514) 531-3631

مینا صالحی

مشاور املاک در مونتreal
مسکونی و تجاری

Mina Salehi
Agent Immobilier
Affilié (514) 792-4577

خانه زیبایی فریده

- متخصص لیزر و الکترولیز برای از بین بردن موهای زائد
- مشاوره رایگان • لیزر پای کامل 229 دلار
- facial رایگان با خرید 75 دلار از کرمهای درمانی

Tel: (514) 892-2030 - (514) 626-8666

افزودن تعداد آنها نسبت به پناهندگان، مهاجران فامیلی و سایر بخشها باشد.

همچنین سهمیه‌ی مهاجران استانی نیز نسبت به قبل افزایش چشمگیری خواهد یافت تا استانها به طور مستقیم در روند بازسازی اقتصادی کشور و رفع نیازهای منطقه‌ای سهم بگیرند.

وزیر مهاجرت قول داده است که تا پایان سال جاری رقم مهاجران در لیست انتظار را از ۶۳۰،۰۰۰ به ۴۲۰،۰۰۰ نفر برساند که کاهشی ۳۰ درصدی را شامل می‌شود.

کاهش مذکور شامل کسانی است که قبل از ۲۷ فوریه ۲۰۰۸ اقدام به تشکیل پرونده کرده‌اند. درحالی‌که از آن تاریخ تاکنون و با توجه به قانون جدید مهاجرت که ۳۸ رشته و تخصص مشخص را در بر

میزان پذیرش مهاجر در سال ۲۰۱۰ کاهش نمی‌یابد

به‌رغم ادامه بحران اقتصادی در سطح جهان که منجر به کاهش پذیرش مهاجر در تمامی کشورهای غربی از جمله انگلیس، استرالیا، نیوزیلند و ایرلند گشته، دولت کانادا همچنان برنامه قبلی خود مبنی بر حفظ رقم ۲۵۰،۰۰۰ نفر تازه وارد در سال را ادامه می‌دهد. سخنگوی وزارت مهاجرت و شهروندی با اعلام این مطلب افزود: « آنچه ما انجام می‌دهیم، در راستای بازسازی اقتصادی کشور پس از بحران اخیر است و کانادا به همین منظور به نیروهای متخصص و سرمایه‌گذار همچنان نیازمند است.»

در جریان دوره‌ی بحران اقتصادی جهان، اقتصاد کانادا توانست به لطف



سیستم متعادل بانکی خود به بهترین نحوی نسبت به سایر کشورها از آسیب‌های مربوطه مصون مانده و به وضعیت قبل از بحران نزدیک شود.

وزیر مهاجرت در عین حال تأکید کرد حتی با در نظر گرفتن تعداد کل منتظران مرحله اول و دوم باز هم جمع نهایی، ۱۲ درصد کمتر از زمان شروع اجرای طرح جدید مهاجرت است.

افزافه می‌شود اداری آمار کانادا این هفته اعلام کرد در ماه دسامبر گذشته نرخ بیکاری در کشور برابر با ماه نوامبر بوده و تغییری نکرده است.

به همین دلیل گفته می‌شود تنها تغییری که ممکن است در سال جاری نسبت به سالهای گذشته به وجود آید، تکیه کردن به مهاجران بخش اقتصادی و

Five Star I.P.M Inc.

صرافی ۵ ستاره

Foreign Exchange & Transfer

اعتبار ما اعتماد شما است

انعام سریع ارز به ایران و سایر نقاط جهان و بالعکس

موجوهر فرمایان

تبدیل ارزهای رایج بین المللی با بهترین نرخ بدون کار مرز

2178 Ste-Catherine West Tel.: 514 585 2345, 514 846 0221

اخبار مونترال ایرانی

ن. تهرانی

بیانیه انجمن حقوقدانان فارسی زبان کبک در سال جدید

انجمن حقوقدانان فارسی زبان کبک فرا رسیدن سال نو مسیحی را به همه‌ی هموطنان گرامی به‌خصوص همشهریان عیسوی خود تبریک گفته و به این وسیله همکاری و تشریک مساعی همگی را در پیشبرد برنامه‌های خود تقاضا می‌نماید. سالی که گذشت از نظر جامعه‌ی ما به‌خصوص در زمینه‌ی عملکرد مامورین کنسولگری کانادا برای اخذ ویزا مشکلات زیادی دربرداشت که انجمن با تلاش خستگی‌ناپذیر و همکاری موثر جامعه‌ی ایرانیان قدم‌های مثبتی در رفع این موانع برداشته و موفق شد با ارائه‌ی آمارهای موجود در قبول یا رد ویزا و مقایسه‌ی آن با موارد مشابه سایر ملل، اعمال این گونه تبعیض‌ها را ثابت نموده و در نتیجه کنسول کانادا در ایران را با تصمیم وزیر مربوطه تعویض نماید. انجمن برای رسیدن به این اهداف

جلسات زیادی با شخص وزیر و وکلای مجلس برگزار نموده و با درج مطالب در روزنامه‌ها و انجام مصاحبه‌های رادیویی همچنین همکاری موثر جامعه‌ی ایرانی، توانست تسهیلات بیشتری برای دریافت ویزا به وجود آورد. مسئله مهم دیگری که انجمن در حال حاضر در پیش دارد موضوع عدم استخدام متخصصین ایرانی در صنایع هوایی و همچنین صنایع تسلیحاتی است که با مفاد حقوق بشر مغایرت کامل داشته و نوعی تبعیض بارز به شمار می‌آید که البته ناشی از مقررات آمریکایی (مقررات ITAR) بین‌المللی ترافیک اسلحه) است. برای رفع اینگونه بی‌عدالتی‌ها و دسترسی کامل جامعه ایرانی به حقوق حقه خود، انجمن نوپای حقوقدانان فارسی زبان کبک اجازه می‌خواهد تا به حمایت و همکاری ایرانیان مقیم کبک اتکا کرده و از کمک‌های مادی و معنوی آنان بهره‌مند گردد. بدیهی‌ست پیشنهادات و راهنمایی‌های علاقه‌مندان برای نیل به این اهداف می‌تواند مشوق انجمن در پیشبرد برنامه

های خدمت‌گزارانه خود باشد. از طرف هیئت مدیره انجمن حقوقدانان فارسی زبان کبک و نسان والابی

www.aipq.qc.ca

سخنرانی‌ها و میزگردهای دکتر کاظم ودیعی در مونترال

دکتر کاظم ودیعی، نویسنده و پژوهشگر ساکن پاریس، سوم دسامبر ۲۰۰۹ به مونترال آمد. پس از ارائه یک سلسله سخنرانی برای دیدار خانواده به ایالات متحده رفت و در اولین روزهای سال نو به مونترال بازگشت و سه‌شنبه گذشته راهی پاریس شد.

ودیعی که متخصص روستاشناسی و صاحب چندین اثر مرجع در این رابطه است، در سخنرانی‌های خود در مونترال به مسائل گوناگونی پرداخت. اولین سخنرانی وی در خانه فرهنگ صبا برگزار شد. موضوع این سخنرانی رابطه شاعر با محیط جغرافیایی و چگونگی

تاثیر گرفتن او از این محیط بود. این سخنرانی به‌خاطر تسلط ودیعی به جغرافیا و ادبیات ایران به ویژه پربار و موثر بود. توقف بعدی، ۶ دسامبر ۲۰۰۹، انجمن دوستداران فرهنگ و ادب بود. در این ایستگاه ودیعی با عنوان «دوستی در حافظ» بحثی را ارائه کرد که روزها پس از آن شرکت‌کنندگان درباره‌ی صحبت‌های ارائه شده گفت‌وگو می‌کردند. تاثیر سخنان وی در شنوندگان به‌خوبی آشکار بود. یکی از شرکت‌کنندگان در این سخنرانی به مزاح می‌گفت امیدوار است که این تاثیر نه فقط آشکار که ماندگار هم باشد.

یک هفته بعد، روز یکشنبه ۱۳ دسامبر ودیعی بار دیگر میهمان جمع دوستداران فرهنگ و ادب ایران بود. او در این جلسه دو بحث کاملاً متفاوت ارائه داد و به‌طور مشروح به سبک‌های ادبی ایران پرداخت و در پایان به اختصار بحث درباره‌ی «دریای خزر و منافع و مصالح ما» را مطرح کرد. بحث دکتر ودیعی در این رابطه که به پژوهشی گسترده تکیه داشت، بزودی در سلسله مقالاتی در



با توجه به تیرگی رنگ موی خاتم‌های ایرانی

انواع مش و رنگ

تخصص خاصی می‌خواهد

که ما آن را به شما ارائه می‌دهیم

(514) 443-3492

انواع رنگ، مش، لایت، هایلایت و دکلره (تضمینی با مواد درجه یک) اپیلایسیون با موم

12\$

قیمت ویژه دسامبر کوتاهی مو

اصلاح صورت و ابرو با نخ
انواع کوتاهی مو
صاف کردن مو
آرایش عروس با گریم

علی پاکنژاد

مشاور بیمه و سرمایه‌گذاری
Dynamic Wealth Management
RRSP – Mutual Fund – Life Insurance

(514) 296-9071

هووووووووووووووو
اگه می‌شد الان می‌رفتم کلبه عمو جمال،
می‌خوردم یه ساندویچ با حال



6107 Sherbrooke W. (514) 484-8072
Montreal QC. H4A 1Y4



Maison de Voyages - House of Travel

آژانس مسافرتی / فرناز معتمدی

(514) 842-8000 Ext. 296

Titulaire d'un permis du Québec farnaz@hotmail.ca www.hot.ca

1170 Place du Frère André (Square Phillips), Montreal, Quebec, H3B 3C6

Jaleh Hafezi
Agent Immobilier Affilié



ژاله حافظی

مشاور املاک در مونترال
مسکونی و تجاری



(514) 207-9000

چرا هفته را می خوانم؟ چرا هفته را مشترک شدم؟



چای نخورده
هفته را مشترک
شوید!

■ شادی تهرانی

می خواست که برای مجله‌اش مشترک شوم!! فکر می کردم هر هفته باید صندوق پستم را باز کنم، آن را خوب یا بد بخوانم و از همه مهمتر تلفن بزنم اورا تشویق کنم و وعده به روزهای خوبتر و خوشتر و مجله پر و پیمانتز بدهم. بگذریم، آن روز چای صرف نشده قبض اشتراک را به امضای من رسانید. من داغ شدم و او برد. اما امروز بعد از یک سال و نیم، من معتاد هفته هستم و منتظرم که روز پنج شنبه فرا رسد تا هفته را دریافت کنم، در جریان تمام اخبار مونترال قرار بگیرم و سخنانی را هم با قلم بهترین‌ها بخوانم. از من به شما نصیحت، چای نخورده از دست خسرو هفته را مشترک شوید فقط به یک دلیل و آن که بوی وطن می دهد. اگر این کار را نکنید یا خودش می آید یا دعوت می کند و شما هم مثل من چای نخورده هفته را مشترک می شوید.

خسرو که سالهاست دوستی او را دارم، از جوانهای قدیمی است که هزار و یک پروژه در سر دارد. این هفته که در دست شماست هزار و یکمین آن است. خسرو که در صرف انرژی، کوشیدن، دویدن، رنج بردن و هزینه کردن برای هدفی که در سر دارد هرگز مضایقه نمی کند، روزی با هدیه یک شماره از هفته مرا دعوت به اشتراک کرد. من که عادت به این کار نداشتم، من که دوست او بودم، من که جلسات زیادی را برای امور فرهنگی و پذیرایی از این و آن با او داشتم و من که هرازگاهی برای مجله او می نوشتم، ابدا باور نمی کردم که برای دریافت مجله اش باید رسماً مشترک شوم! پیش از اینها عادت داشتم یک شنبه شب‌ها، رایگان به گفتار رادیویی او گوش دهم (یادش به خیر) "سنگ مفت بود و گنجشک هم مفت." او می گفت و من می شنیدم. نه درد سری، نه بحثی، نه مخالفتی و مهمتر از همه نه پرداختی. در حالی که با اصرار

کاربرد درست و غلط فرهنگ‌هاست و این که بتوانم توپ سخن را بر زمین این جمع بیندازم. «

دکتر ودیعی در تاریخ ۱۲ ژانویه ۲۰۱۰ مونترال را به قصد پاریس ترک کرد. یکی از برنامه‌ریزان این سخنرانی و نشست‌ها می‌گوید: «ودیعی به پاریس بازگشت، اما در مونترال خوراک فکری و بینشی بسیار باارزش برجای گذاشت که امیدوارم همگی از آن بهره‌مند شویم.»

روز ۹ ژانویه ۲۰۱۰ : روز جهانی همبستگی با جنبش مردم ایران

انجمن دفاع از حقوق بشر در ایران - مونترال در هماهنگی با روز جهانی علیه خشونت در ایران و برای همبستگی و پشتیبانی از حقوق مردم ایران که در ۲۷ دسامبر، روز عاشورا از طرف رژیم ایران به شدت سرکوب شدند، به اعتراض برمی‌خیزد.

این انجمن به‌طور همه جانبه درگیر فعالیت در دفاع از حقوق مردم ایران است که اولیه‌ترین حقوق‌شان از جمله آزادی بیان و اجتماعات از طرف رژیم به وحشیانه‌ترین شکل سرکوب می‌شود.

این سرکوب‌ها که بین ۸ تا پانزده کشته، صدها زخمی و دستگیری و زندان بسیاری را به دنبال داشت، از طرف مجامع بین المللی به شدت محکوم شد تا آنجا که رییس کمیسری عالی سازمان ملل برای حقوق بشر اعلام کرد:

«من در اثر کشتار وحشیانه، ضرب و جرح و دستگیری‌های خشونت‌آمیز شوکه شدم.» او همچنین گفت «طبق اطلاعات رسیده یک‌بار دیگر نیروهای انتظامی و بسیج علیه مردم دست به خشونت وحشیانه زدند.»

هفته‌ها ارائه خواهد شد. ودیعی پس از بازگشت از ایالات متحده نیز در چند جلسه سخنرانی و یک میزگرد شرکت کرد. او در نشستی که به همت شاخه جوانان «انجمن دوستداران زرتشت» برگزار شده بود «زیرسازهای فکر ایرانی» را موضوع بحث خود کرد. وی در این گفتار زیرسازهای مذکور را به ۹ محور تقسیم‌بندی کرده و درباره‌ی هر کدام توضیح داد. آخرین توقف او یک‌شنبه ۱۰ ژانویه ۲۰۱۰، به همانجایی ختم شد که وی تور آموزشی خود را آغاز کرده بود: خانه‌ی فرهنگ صبا. دکتر ودیعی در آخرین نشست خود در میزگردی با موضوع «فرهنگ» شرکت کرد. دکتر محسن حافظیان از دیگر شرکت‌کنندگان این میزگرد بود. ودیعی در این نشست به تعریف فرهنگ و نقش نظام حکومتی در ساختار فرهنگی جامعه پرداخت. وی همچنین اشاره کرد که پیش از انقلاب وزارت فرهنگ داشتیم که وی معتقد است این یک نام‌گذاری غلط بود. به گزارش برگزار کننده او همچنین گفت: «فرهنگ ما کم آمیخته با باورهای خرافی نیست. به عنوان مثال تعارف‌های کاذب، چاپلوسی، عدم تحمل افکار و آرای دیگران و کبر کاذب بخشی از رفتارهای ناهنجار فرهنگی ما ایرانی‌هاست که برای از بین بردن آن‌ها گاه، چه بسا نیاز به خانه‌تکانی ذهنی داریم. مراکز فرهنگی به عنوان نهاد مقاومت نقش به‌سزایی در بازشناسی فرهنگ و دنبال کردن این سره‌ها دارند.

«کویرزایی یکی مقدسات فرهنگی تاریخ ما بوده و به نظر من ترویج این‌گونه ارزش‌های فرهنگی مقدم‌تر از فرهنگ بیگانه‌ستیزی است.

◀◀ ادامه در صفحه ۱۰

من هدفم تلنگر زدن به مفهوم و

TRAVEL AMRO VOYAGES
سفر به ایران با قیمت‌های استثنایی با
آژانس مسافرتی
KLM bmi
Tel: 514-421-0244
1 866-421-2676
Fax: 514-421-0326
www.amrotravel.com
narges@amrotravel.com
11809, Pierrefonds Blvd. Peirrefonds, Quebec H9A 1A1
IATA

شیرینی و کیترینگ رز
سفارش انواع شیرینی‌های سنتی، زولبیا و بامیه، شیرینی تر و کیک برای مناسبت‌های مختلف پذیرفته می‌شود
903-1159 (514)

فیروز همتیان
Agent Immobilier Affilié
Cell: (514) 827-6364
Bur: (514) 364-3315
Fax: (514) 364-3649
مشاور املاک و مستغلات
در مونترال و South Shore
مسکونی و تجاری
ارزیابی رایگان - تهیه وام مسکن
9515 Lasalle boul. Lasalle Qc.
Sutton

فعالین حقوق بشر در اکثر شهرهای جهان دست به اعتراض علیه نقض وحشیانه‌ی حقوق مردم در ایران زده‌اند و خواهان احترام به حقوق مردم ایرانند و نهادهای حقوق بشری مانند «دیدبان حقوق بشر»، «گزارشگران بدون مرز» و «عفو بین الملل» پشتیبانی کامل خود را از مردم ایران ابراز داشته‌اند.

در همین راستا و در همبستگی با این روز، انجمن دفاع از حقوق بشر مونت‌رال به‌طور قاطعانه خشونت‌های رژیم ایران را علیه مردم بی‌دفاع که به‌طور مسالمت‌آمیز اعتراض کردند، محکوم کرده و از تمامی شهروندان جامعه‌ی جهانی و نهادهای حقوق بشری می‌خواهد که همصدا با ما همبستگی‌شان را با مردم ایران اعلام نموده و در پشتیبانی از آنان برای به‌دست آوردن حقوق اولیه‌شان تلاش نمایند.

انجمن خواستار:

۱. آزادی فوری و بدون قید و شرط کلیه‌ی دستگیر شدگان و تضمین کامل سلامت جسمی و روانی آنها از طرف رژیم ایران است.

۲. پایان دادن به خشونت و سرکوب از طرف نیروهای پلیس، سپاه و بسیج علیه تظاهرات آرام مردم است.

۳. از دولت کانادا و جامعه بین‌المللی می‌خواهیم که با هرچه در توان دارند رژیم ایران را تحت فشار قرار داده تا به مفاد و قطعنامه‌های بین‌المللی مانند منشور جهانی حقوق بشر و میثاق‌های الصاقی آن که این رژیم از امضاکنندگان آنهاست، پایبند شود و آزادی بیان، اجتماعات و مطبوعات را رعایت کند.

۴. از دبیر کل سازمان ملل می‌خواهیم که هرچه زودتر گروهی را برای تحقیق در اوضاع کنونی ایران، شرایط زندانیان سیاسی، مفقود شدگان، شکنجه و اعدام‌ها اعزام داشته تا این شرایط را مورد بررسی قرار دهند.

انجمن دفاع از حقوق بشر در ایران - مونت‌رال

**وه! چه شبی بود!
آن شب آنها چه کردند!**

یک شرکت‌کننده در باره کنسرت تلفیقی ایرانی - آذربایجانی با گروه داستان

■ لیلی خاقانی

از شب رویایی کنسرت می‌گویم. یک‌شنبه ۱۱ ژانویه ۲۰۱۰. از حمید متبسم، از امامیار حسن آف و از پژمان حدادی که برابر چشمان صدها مشتاق منتظر، پنجره زیبایی به سوی آفتاب عشق گشودند و هنرمندانه دنیای پر از دوستی عجیبی را خلق کردند.

از ایران تا آذربایجان؛ از دو دیار متفاوت و با دو زبان غریب، چگونه سازه‌ها به زبان دل مهربانانه با هم به گفتگو نشستند! کمانچه‌ی امامیار، سه تار حمید و ساز پر ابهت پژمان چه دردهایی را با هم شریک شدند و چه رازهای مگویی از دل خویش پیش هم باز کردند. از چه حسرت‌ها و از چه امید‌ها و آرزوهائی سخن گفتند.

گاهی کمانچه‌ی امامیار هم‌نوا شد با سه تار حمید تا "نیشابورک" ساخته‌ی وی را همراهی کرده باشد و زمانی دیگر سفره دل خویش پیش روی دوست باز کرد و از داستان عشق و دلدادگی خود چنین گفت:

کوچه لره سو سپیمیشم، یار گلنده

توز الماسن

ایله گلسین ایله گتسین، آزامزدا

سوز الماسن

سماوارا اُت سالمشام، ایسته کانا

قَت سالمشام

یارم گندیپ تک قالمشام، نه

شیرین دی یارن جانی، نه عزیزدی

یارن جانی

و ازهمنوی ایرانی خود در قالب

ملودی ارمنی خبر از گل سرخ آفتاب

شنید که:

سر اومد زمستون، شکفته بهارون

گل سرخ خورشید باز اومد و شب

شد گریزون

کوهها لاله زارن، لاله‌ها بیدارن

تو کوهها دارن گل، گل، گل آفتابو

می‌کارن

محبت‌هایشان هستیم. اکنون به میمنت تأسیس فرهنگسرای سینا دور هم جمع می‌شویم که با هم باشیم، همدیگر را ببینیم و خوب ببینیم. همدیگر را بشنویم و خوب بشنویم ما همه به محبت نیاز داریم و در این وانفسا و زندگی خشک تکنولوژی و پر از خودبینی و ربا می‌خواهیم اجتماعی سالم، زیبا و پر از مهر عطوفت را به تجربه بشینیم، این آرزوی ماست. با هم بودن و برای هم بودن را و با هم خوب بودن را به آرزو می‌نشینیم و چشم به راه مهربانی‌های همگانی هستیم.

فرهنگ‌سرای سینا: دعوت از پیش‌کسوتان میهن‌مان برای دور هم بودن

■ دکتر محمد ملک

پدر مادرهای خوب، محبت‌ها و مهرورزی‌های بی‌پایان و بی‌شائبه‌ی شما را پاس می‌داریم و به شما عشق می‌ورزیم. شما به ما آموختید که به خوبی‌ها و راستی‌ها، به پاکی و درستی و نیز به همگان عشق بورزیم. به ما آموختید که با کشتن برگ درون از خودبینی‌ها دور بمانیم و به ایثار و گذشت نزدیک‌تر شویم و روز به روز انسانی‌تر زندگی کنیم و خصلت‌های نیاکان خود، مردم ایران عزیز را پاس بداریم. ما همیشه مدیون آموزش‌های متعالی و عشق مقدس شما خواهیم بود. اکنون می‌خواهیم به همه‌ی پیش‌کسوتان میهن عزیزمان ایران، با حرمت فراوان و عشقی لطیف پیامی بدهیم. می‌خواهیم از عزیزانمان که در خاک غربت به هر دلیلی به گوشه‌ی عزلت خزیده‌اند، یا در تنهایی مانده و از مهر و محبت هم‌وطنان و عزیزان خود به دور مانده‌اند دعوت کنیم بیایید با هم باشیم، نه تنها پدر و مادرها، بلکه حتی جوانان، به‌ویژه جوانانی که در خارج از کشور متولد شده و به دور از فرهنگ همه‌گیر ایرانمان بزرگ شده‌اند و بیشتر با فرهنگ کشور میزبان خو گرفته‌اند.

می‌خواهیم به خویش‌خویش برگردیم و با هم زندگی‌ای انسانی با خصلت‌های زیبای ایرانی را تجربه کنیم. در این دنیای دون پر از خشونت می‌خواهیم عشق را به تجربه بشینیم و مهرورزی و گذشت را تمرین کنیم. پیش‌کسوتان را احترام می‌گذاریم و قدردان آموزش‌ها و

پدر مادرهای خوب، محبت‌ها و مهرورزی‌های بی‌پایان و بی‌شائبه‌ی شما را پاس می‌داریم و به شما عشق می‌ورزیم. شما به ما آموختید که به خوبی‌ها و راستی‌ها، به پاکی و درستی و نیز به همگان عشق بورزیم. به ما آموختید که با کشتن برگ درون از خودبینی‌ها دور بمانیم و به ایثار و گذشت نزدیک‌تر شویم و روز به روز انسانی‌تر زندگی کنیم و خصلت‌های نیاکان خود، مردم ایران عزیز را پاس بداریم. ما همیشه مدیون آموزش‌های متعالی و عشق مقدس شما خواهیم بود. اکنون می‌خواهیم به همه‌ی پیش‌کسوتان میهن عزیزمان ایران، با حرمت فراوان و عشقی لطیف پیامی بدهیم. می‌خواهیم از عزیزانمان که در خاک غربت به هر دلیلی به گوشه‌ی عزلت خزیده‌اند، یا در تنهایی مانده و از مهر و محبت هم‌وطنان و عزیزان خود به دور مانده‌اند دعوت کنیم بیایید با هم باشیم، نه تنها پدر و مادرها، بلکه حتی جوانان، به‌ویژه جوانانی که در خارج از کشور متولد شده و به دور از فرهنگ همه‌گیر ایرانمان بزرگ شده‌اند و بیشتر با فرهنگ کشور میزبان خو گرفته‌اند.

بلی عزیزان جایی که برادر، به خاطر تملک برادرکشی می‌کند باید مهر را عبادت کرد. اکنون قصد ما این است که حداقل یک بار در ماه دور هم جمع شویم، با هم آشنا یا آشناتر شویم، با هم مهربانی را تمرین کنیم، با هم سرگرم باشیم، و با هم متحد باشیم. به عبارتی یکی برای همه و همه برای یکی با هم متحد شویم. اتحاد در مقابل هر گونه مشکلی، درد یکدیگر را فریاد کنیم، درد مشترک را فریاد کنیم در غم و شادی هم سهیم باشیم و تنهایی را به گوشه‌ای برانیم و با سربلندی فریاد بزیم ما تنها نیستیم، از همه‌ی عزیزان هم‌میهن دعوت کنیم در این تجمع‌ها شرکت کنند و ما را در این راه معنوی و عاطفی یاری و همدلی کنند. آغوش ما مؤسسين فرهنگسرای سینا به روی همه‌ی هموطنان باز است. ایران سربلند، ایران شکوفا، ایران آباد، ایران آزاد باد

"هم آن زمان که

دستان قابیل، به خون هابیل

به سرخی گرایید

بر سر تملک

دانستم

که انسان را

با انسان دشمن‌هاست

و مهربانی را

در غربت و تنهایی

با آغوش گشوده

با گریه‌ای سهمگین

به عبادت ایستادم."

اعتصاب عمومی و مشکلات پیش پای آن

■ عطا هودشتیان hoodasht@yahoo.com

ماجرای شورش عاشورا در روز ۶ دی ماه ۱۳۸۸ چنان بود که گویی مردم ایران از مرحله سفارت خود گذر کرده اند، و گام به گام نشان میدهند که برای کسب شرافت و آزادی خویش، حاضر به از خود گذشتگی هستند. پس آیا دیگر برای آنان راه بازگشتی مانده است.

با اینحال نباید بکارگیری و اعمال خشونت را به مردم توصیه نمود، بلکه بکارگیری درایت مند روشهای مقاومت منفی کارکرد موثرتری خواهد داشت. عاشورا یک مرحله جدید در بلوغ سیاسی جنبش بود. شاید صرفاً تظاهرات خیابانی بخودی خود و بطور مداوم جواب ندهد، و شاید وقت آن رسیده است که همزمان و یا با تفاوت زمانی اعتصاب عمومی اعلام شود. لیکن این دعوت تنها از سوی رهبران جنبش و شبکه های زیر زمینی و فعال در داخل کشور باید مطالعه، طراحی و متحقق گردد.

مشکلات در مسیر سازماندهی یک اعتصاب سراسری کم نیستند: هدف از یک اعتصاب عمومی غالباً فلج کردن تئیه تولیدی و اقتصادی ارگانهای دولت است. پس این تاکتیک مبارزاتی، کارگران، تجار میان حال بازار و گروههای اقتصادی و اجتماعی از این دست و نیز محصلین و دانشجویان را در نظر خواهد گرفت. از میان کارگران مهمترین گروه، کارگران صنعت نفت است. اعتصاب آنها کمر رژیم را به میزان زیادی خواهد شکست. اما، آیا جنبش سبز در میان بازار و در میان سندیکاهای کارگری نفوذی دارد؟ آیا قادر است آنها را در مسیر یک حرکت همگانی اعتراضی بسیج کند؟ این مسئله ایست که جنبش سبز باید بروی آن تامل بیشتری کرده و در مسیر آن سازماندهی نماید.

بنابراین، طرح اعتصاب عمومی در واقع پیشنهادی به رهبران و فعالان فعلی جنبش در ایران است، و به سادگی و به سرعت نه عملی است و نه در ابتدای کار بتوسط همه مردم قابل قبول خواهد بود. اما میدانیم که این طرح یکی از کارآمدترین روشهای عمل در شرایط حاضر است. پروژه ایست که نیاز به تامل، برنامه ریزی، سازماندهی و تبلیغات دارد. پس اگر امکانات عملی آن بتمامی هم اکنون در دست نیست، اما، آن امکانات را باید ایجاد نمود و برای آن گام به گام و بطور سنجیده سازماندهی کرد.

اعتصاب عمومی یک ابزار مقاومت منفی است. سه ویژگی آن به این قرار است: (۱) از این طریق روشهای مسالمت آمیز در صحنه جنبش گسترش بیشتری می یابد؛ (۲) بدلیل ویژگیهای خاص این تاکتیک، افشار وسیع تری از مردم قادر خواهند بود به صفوف جنبش بپیوندند؛ (۳) و بلاخره آنکه ضربات جنبش بر رژیم با بکارگیری این روش کارآمد تر و موثر تر خواهد بود، زیرا بدنه تولیدی کشور در بخشهای اقتصادی مورد تهاجم جدی قرار میگیرد، یعنی درست حوزه ایکه جنبش سبز تاکنون شاید تاکید زیادی بر آن نداشته است.

پس از طرح برپایی اعتصاب سراسری و عمومی در ایران پشتیبانی کنیم. لیکن میدانیم که آن طرح تنها بتوسط رهبران جنبش و یارانشان و فعالین شبکه های اعتراضی در داخل کشور باید اعلام شود. پس از آنها میخواستیم که طرح اعتصاب عمومی را در نظر گیرند، کم و کیف آنرا مورد سنجش قرار دهند، و برای سازماندهی و تحقق آتی آن از هم اکنون برنامه ریزی کنند.

پر واضح است که شرکت در اعتصاب عمومی برای همه افشاری که وابسته به نیروی کار خود برای کسب درآمد روزانه شان هستند، نتایج سختی بدنبال خواهد داشت. پس فعالین و طراحان داخل کشور بهتر قادر خواهند بود تا از طریق بکارگیری تاکتیک های کارآمد تر، میزان ضربات را در این ماجرا، بروی گروه های زحمتکش کشورمان کمتر کنند. با اینحال، مردمی که جانشان از ظلمات این رژیم به لب رسیده است، و آنرا در اعتراضات دلیرانه خود نشان میدهند، اگر این مردم آماده تغییر اجتماعی هستند، همانگونه که موج فشارهای نظام را پس میزنند، پس چه بسا حاضر خواهند شد تا مصائب درد آور اعتصاب سراسری را نیز پس زنند، زیرا در یافته اند که راه جنبش در مسیر آزادی، راهی پر مشقت است.

مطمئن باشیم که هرگاه سازماندهی لازم در زمان لازم در جهت تحقق اعتصاب سراسری فرا رسد، شیرازه اقتصادی و بنیه حیاتی رژیم فلج خواهد شد، و امکانات یک چرخش مهم برای جنبش مدنی در مسیر آزادی فراهم میگردد.

ده دی ماه ۱۳۸۸

نقض حقوق بشر در کشور ما داستان دردآوریست که نقل آن در سراسر جهان به گوش می رسد. گروه های مختلف مردم این سرزمین گرفتار نقض ابتدایی ترین حقوق خود هستند؛ اما شاید هیچ گروهی همچون بهائیان گرفتار بی حقوقی نهادینه شده در نظام سیاسی و اجتماعی ایران نباشد. این گروه از هموطنان ایرانی تنها به دلیل باورهای دینی خود از ساده ترین حقوق خود همچون تحصیل، کار و اشتغال محروم هستند. کسب و کار آزاد آنها مورد تعرض قرار می گیرد. آزادی و حتی گاهی حق حیات نیز بی هیچ دلیل محکمه پسندی از آن ها سلب می شود.

تاکنون ده ها تن از رهبران این جامعه دینی اعدام شده اند و هم اکنون پس از «محاکمه ای» غیرقانونی و غیراستاندارد، گروه هفت نفره «یاران ایران» که رتق و فتق امور بهائیان ایران را به عهده دارند، بیم آن می رود که چه بلایی بر سر این گروه خواهد آمد.

مطلب زیر چکیده ای از نوشته ای مفصل آقای رضا فانی یزدی است که به چرایی این موضوع پرداخته و به عنوان یک دیدگاه در اینجا ارائه می شود.

خ.ش

چرا بهائی ها؟

■ رضا فانی یزدی rezafani@yahoo.com

بیش از یک سال و نیم از دستگیری گروه هفت نفره رهبران اداری جامعه بهائی ایران، «یاران ایران»، می گذرد.

«یاران ایران» از سال ۱۳۶۳ تا زمان دستگیری خود در ماه اردیبهشت ۱۳۸۷ مسئولیت اداره امور داخلی جامعه بهائیت ایران را بر عهده داشته اند. در تمام طول این دوران، مسئولین نظامی اسلامی ایران از فعالیت و مسئولیت های این گروه در اداره ی امور اجرایی جامعه بهائیت اطلاع کامل داشته اند. [...]



چرا بهائی ها:

همیشه سرکوب از گروه هایی آغاز شده است که به دلایل گوناگون تاریخی، مذهبی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی کمترین حساسیت و همدردی عمومی را برمی انگیزد.

همانطور که در تاریخ معاصر کشور خودمان شاهد بوده ایم، این سرکوب روز به روز به دیگر بخش های جامعه سرایت یافته و عملاً آثار مخرب آن در سطح بسیار وسیع تری در جامعه گسترش می یابد.

دادگاه بهائی ها در این روزهای بحرانی که احتمال می رود در پی آن احکام سنگینی در مورد برخی از آنها صادر شود، شاید سرآغاز موج جدیدی از خشونت و سرکوب در کشور باشد.

پس از انقلاب، بهائیان جزو اولین قربانیان خشونت بر اساس اتهام های واهی جاسوسی بودند که متأسفانه اعدام آنان هیچگونه بازتابی حتی در محافل روشنفکری نیافت. پیش از تشکیل گروه یاران ایران، رهبری جامعه بهائی ایران بر عهده محفل روحانی ملی بود که اولین گروه نه نفره محفل روحانی در ۳۰ مرداد ۱۳۵۹ توسط سپاه پاسداران دستگیر شده و ناپدید شدند. جامعه ی بهائی بر این باور است که همه ی این افراد اعدام شده اند.

اندکی پس از آن، در آذر ماه ۱۳۶۰، اعضای دومین محفل روحانی دستگیر شده و در دی ماه ۱۳۶۰، هشت نفر از نه عضو دومین محفل روحانی ملی ایران بدون محاکمه اعدام شدند. حکومت ابتدا اعدام آنان را انکار کرد، اما سرانجام آیت الله اردبیلی، رئیس قوه قضائیه، اعلام کرد که این هشت تن به جرم جاسوسی برای قدرت های خارجی اعدام شده اند.

در شهریور ۱۳۶۲، دادستان کل انقلاب، سید حسین موسوی تبریزی، تمام فعالیتهای جمعی و تشکیلاتی بهائیت در ایران را ممنوع اعلام نمود. ایشان بیان داشت که بهائی ها جاسوسی می کنند و از این رو اعلام می کنیم که تمام فعالیت های جمعی و تشکیلاتی بهائیت در ایران ممنوع است.

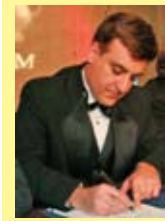
پس از چندی، هفت عضو سومین محفل روحانی ملی دستگیر و آنان نیز اعدام شدند. در نبود محفل روحانی ملی، یک مجمع موقت با عنوان «یاران ایران» با اطلاع کامل حکومت تشکیل شد که به امور اولیه جامعه سید هزار نفره بهائیان ایران رسیدگی کند. یاران ایران که اکنون در زندان بسر می برند و قرار است فردا محاکمه شوند - فریبا کمال آبادی، جمال الدین خانجانی، عقیف نعیمی، بهروز توکلی، وحید تیزفهم، و مهوش ثابت - شهروندان ایرانی و هموطنان ما هستند که دفاع از حقوق آنان در حقیقت دفاع از حقوق همه ی شهروندان ایرانی است.

ناید اجازه داد که اعدام بهائی ها اینبار نیز چون دهه ی اول انقلاب راهگشای خشونت و سرکوب باشد. ۲۱ دی ۱۳۸۸

دکتر کاوه فرخ در گفت‌وگو با هفته:

«اسواران ساسانی»، پاسخی به تفکر اروپامحوران

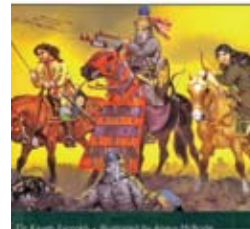
بخش دوم و پایانی



■ یوسف امیری

یکی از زمینه‌های فعالیت شما مقابله با جعل و بازنویسی تاریخ است. برای مقابله با آن وظیفه چیست؟
خب موضوع صندوق و برپا کردن کرسی ایران‌شناسی را که گفتیم. الان سرمایه‌گذاری شدیدی هست که وارد بخش ایران‌شناسی

Sassanian Elite Cavalry
AD 224-642



شوند. دولت باکو را که می‌دانیم، اروپای غربی را که می‌دانیم، چندین لایه هم در خود ایران هستند. یکی از تاکتیک‌های آنها این است که کتاب‌هایی به ضرر ایران درست می‌کنند، کتاب‌هایی علیه آذربایجان ایران و علیه خلیج فارس هست. جالب این است که الان به سمت چاپ کتاب‌هایی علیه کوروش کبیر رفته‌اند. پاسخ من به روزنامه‌ی اشپیکل پارسال آذر سال ۱۳۸۷ خ/۲۰۰۸ م، خب چون هرچه باشد من ایرانی هستم، این به ضررشان بود. بعد از آن، پاسخ‌هایی به دست من رسیده که شاید شوک‌آور باشد. عده‌ای که اتفاقاً برخی‌شان خیلی هم خوش‌نام هستند و من نامشان را نمی‌برم، در بخش‌های ایران‌شناسی پشت سر خیلی علیه کوروش عمل می‌کنند اما وقتی روبروی ایرانیان می‌آیند چهره‌ی دیگری نشان می‌دهند. اینها الان می‌خواهند از یک خانمی استفاده کنند که هیچ تخصصی در زمینه‌ی ایران‌شناسی و اکتشاف در تاریخ ایران ندارد و در واقع حرف‌های خودشان را زیر چاپ ببرند. اگر این کتاب به چاپ برسد همه چیز کوروش را زیر سوال می‌برد. چون تمام حرف‌هایی که در اشپیکل بود وارد این کتاب می‌شود ولی با یک لحن شکاک تر و مرددتر تا این که حمله‌ی مستقیم باشد.

این افراد خیلی فعالیت می‌کنند که در زمینه‌ی ایران‌شناسی قوی شوند. الان سه ناحیه وجود دارد که اینها در حالت مخالفت با ایران هستند: یکی کوروش کبیر است، یکی میراث هندواروپایی ایران است که خیلی با آن مخالف هستند و مخصوصاً سوم این میراث ایران و تأثیرهایش بر فرهنگ جهان به‌خصوص اروپا، اسلام، اعراب و ترکان. جالب آن‌که خیلی از حمله‌هایی که به ایران باستان می‌شود به دست افرادی است که در آشورشناسی (Assyrology) فعالیت می‌کنند. خیلی از این افراد به اشتباه به عنوان خبره و کارشناس ایران‌شناسی شناخته می‌شوند و جالب این‌که خیلی از کسانی که مرتکب این اشتباه می‌شوند، خود ایرانیانی هستند که خیلی هم منظور و نیت خوبی دارند. خیلی از ما ایرانیان تصویری هستیم یعنی خیلی از حکاک‌های آشوری را که می‌بینیم به اشتباه فکر می‌کنیم اینها ایرانی است. واژه‌ای که من ساختم این است که اینها «آشور-محور» (Assyro-centric) یا «بابل-محور» (Babyl-centric) هستند. اینها بر این باورند که تاریخ ایران باستان در واقع مشتق و جداشده‌ای از فرهنگ بین‌النهرین است یا حتی کبی آن است. در وقت آن‌جا را مرکز اصلی می‌بینند. اینها پارسال نیروی اصلی پشت اشپیکل در حمله به کوروش بودند. اشپیکل یک نقاب بود برایشان. اینها سعی دارند تاریخی ایران به نفع دیدگاه آشور-محور یا بابل-محور خودشان پاک شود. این یکی از همان نکته‌هایی است که پرفسور رودلف متی به آن اشاره کرده بود. جالب است که این افراد سبک‌شان نفی است. یعنی مثلاً اول یک مقاله درباره‌ی رومن گیرشمن می‌دهند.

بعد چند مقاله می‌دهند که شاید چندان معتبر نباشد اما با قلم مخصوصی همه چیز را زیر سوال می‌برند. خیلی از این افراد روی اینترنت هستند. خیلی از کسانی که شما در ویکی‌پدیا می‌بینید شاید همین پرفسورهای آشورشناسی و بابل‌شناسی باشند و خیلی از وقت‌شان را صرف حمله به تاریخ ایران - چه پیش از اسلام چه پس از اسلام - می‌کنند. دنیای امروز دنیای تجارت است و موفقیت کسانی که ضدايران هستند هم از همین راه است. هر کنفرانسی که ببینید پشتیبان مالی دارد. ما هم باید تاکتیک به خرج بدهیم تا تاریخ ایران را نجات بدهیم. جالب این‌که برجسی که همیشه به تاریخ ایران می‌زند «تاریخ زمان شاه» است و این عنوان مستحرامی است و همان طور که خودتان بهتر از همه می‌دانید همد سیاستی دارد.

چندی پیش برای کاوش‌های باستان‌شناختی به گرجستان رفتید. درباره‌ی آن سفر و دستاوردهای آن برایمان بگویید.
بله. دو مسافرت بود: یک بار یک ماهه و یک بار پنج هفته‌ای. منطقه‌ای که ما رفتیم در غرب گرجستان است. به طور خیلی خلاصه این کاوش مربوط می‌شود به میراث ایران در گرجستان. شما قفقاز را که نگاه کنید یعنی شمال آترپاتن

فردا رونمایی «اسواران ساسانی»

کتاب «اسواران ساسانی» نوشته‌ی دکتر کاوه فرخ و ترجمه یوسف امیری عصر روز شنبه ۱۶ ژانویه ۲۰۱۰ رونمایی می‌شود. موضوع اصلی این کتاب اسواران - سواره‌نظام حرفه‌ای - ساسانیان است.

شنبه ۱۶ ژانویه ۲۰۱۰ در اتاق ۲۶۰ طبقه ۶ ساختمان جان مولسون (ام.بی) دانشگاه کنکوردیا

با آذربایجان امروزی، دو ناحیه بود که با هم متحد نبودند. جاده‌هایی که در دوران ساسانیان و زمان خسرو یکم انوشیروان کشیده می‌شود قسمت ایبریا (Iberia) - که شرق گرجستان امروزی است - و کولشیس (Colchis) - که شمال غربی آن است - با هم متحد می‌شوند. اینها پیشتر با هم دشمن بودند. در سال ۲۰۰۰ م/ ۱۳۷۹ خ. پرفسور سیسیانیا اولادزه از «موسسه‌ی دست‌نویس‌ها» وابسته به «فرهنگستان علوم گرجستان» یک مقاله‌ی سه صفحه‌ای منتشر کرد یکی به انگلیسی و یکی به گرجی درباره یک شیر بال‌دار طلایی است که ۱۴ اگوست ۲۰۰۰ به دست یک کشاورز گرجی و پسرش در منطقه‌ای به نام مسختی (Meskheti) پیدا می‌شود. زیربنای این مجسمه نقره است و بخش زرانود آن از جنس مغز و طلا است. قد مجسمه نیم متر است. دو بال دارد که انگار می‌خواهد پرواز کند. به پشت بلند شده و روی دست‌هایش ایستاده است. جالب این‌جا است که این مجسمه به زمان شاه عباس صفوی برمی‌گردد؛ سال ۱۶۲۲ یا ۱۶۲۳ م. ولی فرم آن‌را که می‌بینید کاملاً به فرم هخامنشی و پیش از اسلام است و باز جالب اینجاست که این شیر هیچ شباهتی با هیچ فرم دیگری در دوران اسلامی ندارد و شمایلش پارسی یا مادی و یا حتی سکایی است. وقتی مقایسه می‌کنید شکل آن شبیه

یکی از شیرهای پارسه [تخت جمشید] است. شیر پارسه قرن ۵ پیش از میلاد است و شیر بال‌دار مسختی قرن ۱۷ میلادی است. یعنی یک فاصله‌ی زمانی ۲۲ قرنه، خیلی جالب است!

با توجه به این که پیشینه‌ی خانوادگی شما به استان آذربایجان و منطقه‌ی قفقاز بازمی‌گردد، می‌خواهید کمی درباره‌ی این منطقه‌های مهم در تاریخ گذشته و امروز ایران گفت‌وگو کنیم.

حتماً. همان طور که گفتیم این منطقه از زمان‌های گذشته بخش مهمی از تاریخ و جغرافیای ایران بوده و ارتباط فرهنگی و تاریخی ما با قفقاز خیلی زیاد بوده است.

بله می‌دانیم تا زمان قراردادهای ننگین گلستان و ترکمان‌چای قفقاز و ارمنستان و گرجستان بخشی از ایران بودند. در این‌باره بگویید و پیشنهاد می‌کنید مردم چه کتاب‌ها یا آثاری را بخوانند که بیشتر با موضوع آشنا شوند؟
بله. کارهای زیادی شده. مثلاً مقاله‌ای که من درباره‌ی شیر بال‌دار مسختی منتشر کردم بر این ارتباط تاریخی تأکید می‌کند. اما یک مقاله‌ی بسیار خوب از خانم فاطمه سودآور فرمانفرمایان در سال ۲۰۰۹ درآمد که اینها را خلاصه کرده است. رابطه‌ی سه هزارساله‌ی ایران و قفقاز را از زمان پیش از هخامنشیان تا زمان تسخیر این منطقه به دست روس‌ها بررسی کرده است. مقاله‌ی خانم سودآور منبع بسیار خوبی است. درجه یک! (علاقه‌مندان می‌توانند این مقاله را از یوسف امیری دریافت کنند).

مثلاً در ۲۸ اگوست ۲۰۰۷ در آران (با جمهوری آذربایجان) یک کاخ هخامنشی کشف شد. محققان این کار از باکو و گرجستان و آلمان بوده و دیدند این کاخ متعلق به ۲۵۰۰ سال پیش است یعنی زمان هخامنشیان. یکی از اتاق‌های این کاخ هزار متر مربع بود. اتاق‌های مختلفی داشت. البته شاید این‌جا یک معبد زرتشتی بوده است. ما هنوز نمی‌دانیم اما این اثبات می‌کند که فرهنگ ایران چقدر در قفقاز تأثیر و سابقه داشته است.

مثال‌های متعددی هست که می‌توانم به شما بگویم. مثلاً تم‌هایی که در آپادانا وجود دارند مخصوصاً شیری که به آهو یا گوزنی حمله می‌کند. یک گردن‌بند طلایی بزرگ متعلق به یک ملکه‌ی شمال غربی گرجستان در کولشیس پیدا شد. احتمالاً از داریای‌های یک دختر کولشیس یا یک دختر سکا بوده است. دقیقاً همان تم روی این گردن‌بند پدیدار است. این متعلق به یک ملکه بیست و هفت ساله بوده در منطقه‌ای به نام اورجوخونیدزه (Ordzhokunidze) قرن چهارم قبل از میلاد. یعنی زمان هخامنشیان. جالب، لباس این ملکه در خود گرجستان بوده است که لباس قدیمی ایرانیان است: کلاه‌های بلندی که دختران به سر می‌گذاشتند. این لباس تدریجاً به دستور تزارها و کمونیست‌ها در گرجستان از بین می‌رود.

به نظر می‌رسد از زمانی که روس‌ها آنها را از ایران جدا کردند دیگر مردم ما آنها را فراموش کرده‌اند و آنها هم رابطه‌شان با ما را. و امروز این رابطه‌ی چندهزارساله ناشناخته است. چه طور شد که به وضع کنونی رسیدیم؟

نکته‌ای که مهم است و بسیار جالب، همان کارهایی است که تزارها بعد از پیروزیشان می‌کنند بعد از عهدنامه‌های ترکمان‌چای و گلستان. پرفسور ویتو (Whittow) گفته که قدیمی‌ترین تأثیر که در قفقاز می‌بینید متعلق به ایران است.

ادامه در صفحه ۲۱



■ نویسنده: سام بیات
 وکیل متخصص حقوق بین الملل و قوانین مهاجرت
 ■ برگردان به فارسی: فرحناز حیدرپور

نگاهی به موضوع مهاجرت در جهان و در کانادا {۱۰} رفع شرط مهاجرت در زیر گروه کارآفرینان

اداره صنعت کانادا
 دفاتر محلی وزارت بازرگانی

چنانچه متقاضی شرایط لازم را دارا نباشد

اگر متقاضی اصلی نتواند شرایط لازم را کسب کند، این امر ممکن است منجر به اقدام قانونی برای خروج متقاضی و خانواده اش از کانادا شود که در این صورت متقاضی و خانواده اش اجازه ای اقامت دائم کانادا را از دست می دهند.

برنامه ای مهاجرت از طریق کارآفرینی از برنامه های قابل توجه به شمار می آیند زیرا نسبت به برنامه ای مهاجرت به شرط سرمایه گذاری شرایط ساده تری داشته و در این زمینه ضرورتی به سرمایه گذاری وجود ندارد. با اینهمه، بار سنگینی بر دوش متقاضی اصلی قرار دارد و اگر او در کسب شرایط مذکور موفق نباشد، به همراه خانواده اش جایگاه خود را در کانادا از دست خواهد داد. فرد علاقه مند به این برنامه باید شخصی با تجربه ای تجاری و دارای ایده های مفید تجاری باشد. این متقاضی باید آمادگی رها کردن کسب و کار در کشور خود باشد و بر کار تجاری خود در کانادا تمرکز نماید حتی اگر تصمیمی در موفقیت این کار نباشد. اگرچه ایجاد شغل برای خود، کمک به اقتصاد کانادا و عضو فعال از جامعه کانادا بودن، خود می تواند آغاز خوبی برای زندگی جدید در کانادا باشد!

رعایت شرایط مهاجرت ارائه نماید :
 • متقاضی باید فرم گزارش مانیتورینگ کارآفرین را پر کند. هدف از تکمیل این فرم بررسی چگونگی پیشرفت متقاضی در زمینه ای فعالیت اقتصادی در کانادا است. به همراه فرم تکمیل شده مدارکی از جمله اسناد حقوق و دستمزد، فرم T4، صورت حساب های مالی سالانه، قراردادهای به امضا رسیده، چک ها، فاکتورها، سفارش های خرید و غیره باید ارسال شود (این فهرست کامل مدارک مورد نیاز نیست). مامور اداره مهاجرت ممکن است با متقاضی مصاحبه کند.

۳. متقاضی اصلی ظرف مدت سه سال پس از ورود باید ثابت کند که شرایط ذکر شده را داراست. این شرایط می تواند هر زمانی در عرض سه سال پس از ورود حذف شود در صورتی که حداقل یک سال از فعالیت کار تجاری گذشته باشد.

• متقاضی باید فرم درخواست رفع شرط مهاجرت در زیرگروه کارآفرینان را تکمیل کند. مدارک لازم بایستی به همراه فرم ارسال شوند (لطفاً به لیست بالا مراجعه کنید). با متقاضی اصلی مصاحبه خواهد شد و ممکن است از محل کسب و کار بازدید شود.

برنامه ها و خدمات در دسترس برای متقاضی شروع کار تجاری سازمان های زیر راهنمایی و مشاوره ای لازم را در اختیار متقاضیان قرار می دهند:

مراکز تماس استانی مهاجرین کارآفرین بانک توسعه تجارت کانادا

از ۲۵۰۰۰۰ دلار باشد حاصل ضرب درصد سهام کنترل شده توسط متقاضی اصلی و همسر او در میزان درآمد خالص سالانه برابر یا بیشتر از ۲۵۰۰۰۰ دلار باشد حاصل ضرب درصد سهام کنترل شده توسط متقاضی اصلی و همسر او در دارایی خالص در پایان سال برابر یا بیشتر از ۱۲۵۰۰۰ دلار باشد

متقاضی اصلی باید نشان دهد که کنترل موثر واحد تجاری مورد نظر را به عهده داشته است. او باید در بیشتر ساعات روز در محل کار حضور فیزیکی داشته باشد. این حضور فعال در محل کسب و کار ضروری است و چنانچه متقاضی اصلی نتواند ثابت کند که شخصاً مدیریت کار تجاری را به عهده داشته، شرط مهاجرت رعایت نشده است.

گزارش روند کار تجارت به اداره ی مهاجرت کانادا

اداره مهاجرت و شهروندی (CIC)، در سراسر کانادا دارای دفاتر مختلفی است.

۱. ظرف شش ماه پس از اقامت دائم، متقاضی اصلی باید آدرس مسکونی و شماره تلفن خود را در اختیار اداره ی مهاجرت و شهروندی قرار دهد.

• متقاضی باید کارت خود را از طریق پست به نزدیکترین مرکز CIC ارسال نماید.

۲. متقاضی اصلی باید ۱۸ تا ۲۴ ماه پس از ورود با ویزای اقامت دائم، مدرکی دال بر آغاز فعالیت به منظور

متقاضی مهاجرت در این زیرگروه بایستی شرایطی را در نظر بگیرد که در این مقاله به تفصیل بررسی می شوند. شرایط اعمال شده توسط قوانین مهاجرت پس از ورود به کانادا: متقاضی باید به مدت یک سال در طول سه سال پس از ورود به کانادا با ویزای اقامت دائم :

مالکیت حداقل یک سوم از سهام یک واحد تجاری قابل قبول کانادایی را دارا باشد (تعریف تجارت قابل قبول کانادایی در زیر توضیح داده خواهد شد) به طور فعال و مستمر مدیریت واحد تجاری قابل قبول کانادایی را عهده دار باشد

حداقل یک کار تمام وقت، در یک تجارت قابل قبول کانادایی، برای یک شهروند یا مقیم دائم کانادا به غیر از خود و اعضای خانواده ی خود ایجاد کرده باشد

تعریف تجارت قابل قبول کانادایی

تجارت قابل قبول کانادایی که توسط متقاضی اداره می گردد باید با هدف ایجاد درآمد از طریق فعالیت اقتصادی بوده و در طول حداقل یک سال در عرض سه سال، دو معیار از چهار معیار لازم از فرز زیر را رعایت کند:

حاصل ضرب درصد سهام کنترل شده توسط متقاضی اصلی و همسر او در میزان کار تمام وقت ایجاد شده از طریق این تجارت (۱۹۵۰ ساعت در سال) معادل و یا بیشتر از دو باشد

حاصل ضرب درصد سهام کنترل شده توسط متقاضی اصلی و همسر او در میزان کل فروش سالانه برابر و یا بیشتر

همدان در سال ۱۳۱۰ کنسرت داد و ترانه هایی از عارف خواند. وقتی نیرالدوله چند گلدان نقره به از هدیه کرد آن را به عارف پیشکش نمود. با این که عارف مورد غضب بود. در سال ۱۳۰۸ به نفع شیر خورشید سرخ کنسرت داد و عواید آن به بچه های یتیم اختصاص داده شد. به گفته دکتر خرمی ۴۲۶ صفحه و به گفته دکتر سپنتا ۲۰۰ صفحه از قمر ضبط شده است.

گشایش رادیو ایران در سال ۱۳۱۹ صدای قمر را به عموم مردم رساند. عارف قزوینی و ایرج میرزا و تیمورتاش وزیر دربار، شیفته او شده بودند. با این همه قمر از گردآوری زر و سیم پرهیز می کرد و درآمدهای بزرگ و هدایای گران را به فقرا و محتاجان می داد.

قمرالملوک وزیری در تاریخ ۱۴ مرداد ۱۳۳۸ در شمیران، در فقر و تنگدستی مطلق به سکنه مغزی درگذشت. وی در گورستان ظهیرالدوله بین امامزاده قاسم و تجریش شمیران به خاک سپرده شده است.

برگرفته از روزنه آن لاین

وجود مخالفتها این کار را بکنم و پیه کشته شدن را هم به تن خود بمالم. شب نمایش فرا رسید و بدون حجاب ظاهر شدم و هیچ حادثه ای هم رخ نداد، و حتی مورد استقبال هم واقع شدم و این موضوع به من قوت قلبی بخشید و از آن به بعد گاه و بیگاه بی حجاب در نمایش ها شرکت می جستم و حدس می زدم از همان موقع فکر برداشتن حجاب در شرف تکوین بود... او نخستین زنی بود که بعد از قره العین بدون حجاب در جمع مردان ظاهر شد. او را شاید بتوان اولین فمینیست ایرانی نامید. او می گفت:

مرمرا هیچ گنه نیست به جز آن که زخم زین گناه است که تا زنده ام اندر کفتم

قمر نخستین کنسرت خود را در سال ۱۳۰۳ برگزار کرد. روز بعد کلانتری از او تعهد گرفت که بی حجاب کنسرت ندهد. قمر عواید کنسرت را به امور خیریه اختصاص داد. قمر در سفر خراسان در مشهد کنسرت داد و عواید آن را صرف آرامگاه فردوسی نمود. در

مردی که به موسیقی می پرداخت گرفتار طعن و لعن می شد ولی مجازات زن موسیقی پرداز " سنگسار شدن " بود. زن برده در پرده بود، پرده ای به ضخامت قرن ها. قمر به هنگام نخستین کنسرت خود که در آن " بی حجاب " ظاهر شده بود، سر و کارش به نظمی افتاد. این ماجرا اگر چه برای او خوشایند نبود، ولی بهرحال سر و صدایی کرد که در نهایت به سود موسیقی و جامعه زنان بود. قمر خود درباره نخستین کنسرتش می گوید: "... آن روزها، هر کس بدون چادر بود به کلانتری جلب می شد. رژیم مملکت تغییر کرده و پس از یک بحران بزرگ دوره آرامش فرا رسیده بود مردم هم کم کم به موسیقی علاقه نشان می دادند. به من پیشنهاد شد که بی چادر در نمایش موزیکال گراند هتل حاضر شوم و این یک تهور و جسارت بزرگی لازم داشت. یک زن ضعیف بدون داشتن پشتیبان، میبایست برخلاف معتقدات مردم عرض اندام کند و بی حجاب در صحنه ظاهر شود... تصمیم گرفتم با

صلابت و همدردی

با اندوهی وصف ناپذیر درگذشت

مادر بسیار بسیار عزیز و مهربان، سرکار خانم اسدی

را به خانواده های عدل، مذهبی، بیرجندی

و تمام دوستان و بازماندگان این عزیز تسلیت گفته

و برای همگی آنان شکیبایی و آرامش از خداوند متعال خواستاریم.

منصوره و سعید پرهیزگار

SHARIF EXCHANGE

موسسه مالی شریف

تبدیل ارز - ارسال ارز به ایران و برعکس
خریدار سکه، شمش و زیور آلات طلا

Tel: (514) 561-6408 259 Côte-Vertu Ville Saint-Laurent, QC

آموزشگاه رانندگی آریا

- با ۲۰ سال سابقه کار
- ۱۲ ساعت تمرین رانندگی و اتومبیل برای امتحان ۳۰۰ دلار
- گرفتن وقت برای امتحان رانندگی در ظرف یک هفته

(514) 621-3456

فروشگاه مواد پروتئینی سن لوران

هر روز به جز دوشنبه ها مرغوب ترین گوشت و مرغ و ماهی انواع برنج، چای، عرقی ها، سبزی خشک و

(514) 369-3474

Marché de poisson et viande
5780 Sherbrooke West, Montreal QC, H4A 1X1

دفتر حقوقی علی غلامپور

وکیل دادگستری، بویژه در زمینه های

حقوق خانواده، دعاوی مالی، حقوق پزشکی و مهاجرت از طریق سرمایه گذاری در خدمت هموطنان گرامی است

Tel: (514) 395-0522
Fax: (514) 395-0524
180 Boul. Rene-Levesque Est, Bureau 109, Montreal, QC H2X 1N6
aligholampour@lawyer.com

بنی صدر: جنگ سپاه با ملت ایران است گفت‌وگو با اولین رئیس‌جمهور اسلامی در باره سپاه پاسداران و جنبش مردم ایران

و همچنین شجاعت لازم را برای تضمین امنیت کشور داشته‌باشند. اما در سیستم‌های استبدادی اصل بر فرمانبرداری و اطاعت بدون چون و چراست. هر کسی بتواند سرکوب کند. او بهتر است. تغییرات آقای خامنه ای نیز از این نوع است. مثلاً آقای صفوی را برداشت و جعفری را گذاشت. برای این که آقای رحیم صفوی در اداره کشور با مشی خامنه‌ای و همچنین با مشی احمدی نژاد همخوانی کامل نداشت و اطاعتش کمتر بود. آنها که برداشته شدند غالباً آدمهایی بودند که در جنگ شرکت کرده بودند و برای خود حقوق و منزلتهایی قائل بودند. بعد گفتند مسئولیت سپاه داخلی است و بسیج را به سپاه متصل کردند. تقسیم بندی سی‌گانه سپاه را پیشاپیش برای مقابله با جنبش مردم ایران، اجرا کرده بودند. حالا که این جنبش راه افتاد معلوم شد که این تغییرات برای چه بود.

به نظر می‌آید قراردادهای بزرگ و کوچک میلیارد دلاری که فرماندهان آن را هر روز فربه‌تر می‌کند ربطی به شیوهی فرماندهان سپاه در زمان جنگ ندارد. اخیراً سایت وابسته به آقای محسن رضائی ارتش سعودی را به دلیل عدم کارایی آن در جنگ داخلی

در اولین بخش این سلسله مطالب، گفت‌وگوی همکارمان آقای سعید سلطانیپور با دکتر ابوالحسن بنی‌صدر اولین رئیس‌جمهور اسلامی ایران منتشر می‌شود.
تحریریه هفته

■ سعید سلطانیپور
pr@glassceiling.ca

آقای دکتر ابوالحسن بنی‌صدر، در سال گذشته ما شاهد تغییرات زیادی در کادر فرماندهی سپاه و ارتش توسط آقای خامنه ای بودیم. شما این تغییرات را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

◆ فرماندهی کل قوا در کشورهای آزاد اساساً با فرماندهی کل قوا در کشورهایی مانند ایران متفاوت است. در کشورهای آزاد، وظیفه نیروی مسلح دفاع از کشور است. بنابراین کسانی در رده های فرماندهی قرار می‌گیرند که بیشترین دانش و تجربه

توضیح از این شماره، هفته تلاش می‌کند در حد توان، نظرگاههای مختلف در باره وضعیت کنونی ایران و جنبش اعتراضی مردم کشورمان را منعکس کند. انعکاس نظرات ارائه شده به معنی تایید آنها نیست. صفحات محدود هفته این امکان را از ما سلب می‌کند تا در یک شماره به نظرگاههای بخش‌های گسترده‌تری از طیف سیاسی بپردازیم. از این رو در هر شماره بخشی از طیف گسترده سیاسی و یا فقط یک تفکر پوشش داده می‌شود. همچنین برای انتشار نظرات هیچ ترتیب خاصی در نظر گرفته نشده و بسته به توانایی در تهیه مطلب، آنچه تهیه شده است ارائه می‌شود. اگر شما عزیزان خواننده حس می‌کنید ما به بخشی از طیف سیاسی نپرداخته‌ایم لطفاً کمک کنید تا این کمبود را برطرف کنیم. علاوه بر این ما با آغوش باز از انتشار نظرات شما عزیزان که در رد یا تایید و یا توضیح نظرات منتشره در هفته تدوین شده باشند استقبال می‌کنیم.

علیه شیعیان یمن با عنوان «ارتش خپل ها» مورد تمسخر قرار داد. آیا این فرماندهان فربه شده‌ی سپاه می توانند در برابر یک حمله خارجی از ایران دفاع کنند؟

وقتی صحبت از مقابله با یک ارتش متجاوز می‌شود تنها توان تسلیحاتی عامل دفاعی نیست بلکه پشتیبانی مردم لازم است. روحیه متناسب با مقابله و دانش و فن و نوع سازماندهی متناسب با دفاع نیازهای بعدی هستند. به عنوان مثال وقتی که عراق به ایران حمله کرد ملاتاریا ارتش ایران را متلاشی کرده بود، به طوری که عراق فکر می‌کرد در چندروز کار ایران تمام می‌شود. صدام حسین ۱۰۰۰ خبرنگار به بغداد دعوت کرده بود تا فتح خوزستان را جشن بگیرد.

در همان روزهای اول جنگ، اسلحه بسیار کم داشتیم برای این که استعدادهای انسانی آزاد شود، من از اختیارات فرماندهی کل قوا به هر رده‌ای نسبت به حوزه‌ی عمل آن، اختیاراتی را تفویض کردم. این روند تا سربازی که تفنگ به دست جلوی سرباز دشمن می‌ایستاد امتداد داشت. به همین دلیل در ۶ ماه اول جنگ ابتکار عمل به دست ارتش ایران افتاد. اما در مورد سپاه پاسداران باید بگویم این نیروی مسلحی است که دولت را تصرف کرده و کارش شده سرکوب روزانه‌ی مردم. این تشکیلات نمی‌تواند از کشور دفاع کند زیرا مهمترین قابلیت یعنی حمایت مردم را ندارد و از آنجا که اقتصاد کشور را کنترل می‌کند و به بیانی ۷۰ درصد اقتصاد کشور را در دست گرفته، روحیه فداکاری و جانبازی در آن وجود ندارد. علاوه بر این سپاه سازماندهی مناسبی برای دفاع از کشور هم ندارد. زیرا در سامانه استبدادی ابتکار عمل ممنوع است هر زیردستی باید از مافوق اطاعت کامل بکند تا به خامنه‌ای برسد. از سوی دیگر به دلیل وجود مافیای سیاسی - نظامی دستورات خامنه‌ای به عنوان فرمانده کل قوا نمی‌تواند به تمامی رده‌های سپاه برسد و به اجرا در بیاید. نمونه جدی آنرا می‌توان در ناکامی سپاه در برخورد با مردم تهران در عاشورای ۸۸ دید. طبیعتاً در یک جنگ وضع به مراتب بدتر خواهد بود.

البته طبیعی است که از نظر تسلیحاتی وضع سپاه مانند اوایل جنگ نیست و بهتر شده است. موشک‌هایی هم تولید شده است ولی نکته اینجاست که طرف جنگ احتمالی کشوری همچون عراق نیست. ارتش مهاجم احتمالی آمریکا و یا اسرائیل است که قدرت نظامی تسلیحاتی آنها چندین برابر ایران است. تناسب خیلی نابرابر از جنگ ایران و عراق است. در پایان تاکید کنم که به گمان من یک نیروی سرکوبگر هرگز نمی‌تواند نفس دفاع از کشور را به عهده بگیرد.

رخدادها بر این دلالت دارند که از ابتدای انقلاب جناح غالب در جمهوری اسلامی سعی می‌کرد جناح دیگر را و همچنین صاحبان عقاید مخالف را حذف کند. زمان ریاست جمهوری و عزل شما در سال ۱۳۶۰ حذف جناح مقابل اوج مشخصی گرفت و حذف سیاسی رقیب تا تلاش برای حذف فیزیکی پیش رفت. به نظر می‌آید که امروز مردم با گزیدن شیوه‌ی عدم خشونت مانعی در برابر تمایل سرکوب افسارگسیخته ایجاد کرده‌اند. فکر می‌کنید جنبش تا کی می‌تواند به سیاست عدم خشونت وفادار بماند؟

سوال بسیار جالبی است. اما باید توجه داشته باشیم که مقایسه‌ی صوری جایز نیست. سال ۱۳۶۰ آقای خمینی بود الان آقای خامنه‌ای در مصدر قدرت است. آن زمان جنگ بود و به دلیل ترس از دست دادن وطن ما نمی‌توانستیم جبهه جدید داخلی برای مقابله با کودتای آقای خمینی بوجود بیاوریم. آن زمان تجربه ولایت مطلقه فقیه نبود حالا این در کار است. آن زمان بخشی‌هایی از جامعه‌ای که در انقلاب شرکت کرده بودند، در سپاه و کمیته‌ها و در نهادها دست به کار شده بودند که بیشتر نقش وارثان را داشتند تا قبضه کننده قدرت. در حال حاضر آنها هم نیستند.

در مورد خشونت در سال ۱۳۶۰ باید بگویم که مجاهدین به خمینی نامه دادند که اسلحه را بدهیم و در مقابل، حکومت تضمین آزادی فعالیت سیاسی بکند. اما استبداد، بدون خشونت نمی‌تواند ادامه حیات بدهد. علاوه

بر مجاهدین نیروهای مسلح کرد نیز حاضر بودند اسلحه‌هایشان را بدهند. من خودم به خمینی نامه نوشتم که تامین بده تا کشور از خشونت بیرون بیاید ولی ایشان امتناع کرد. آقای خمینی قبول نکرد به مجاهدین و گروه‌های مسلح کرد که حاضر بودند سلاح‌هایشان را تحویل بدهند تضمین بدهد در حالی که بنابر قانون اساسی ایشان باید این تضمین را می‌داد. البته این که بعد سازمان مجاهدین اشتباه کرد و مقابله مسلحانه را به روش مبارزه‌ی بی‌فراجم تبدیل کرد بحث دیگری است.

واقعیت این است که قدرت سلطه‌گر کار خودش را می‌کند، مگر اینها که دستگیر شده‌اند عمل خشونت‌آمیز داشتند.

به نظر می‌آید تمامی بیش از ۱۰۰۰ نفری که پس از عاشورا توسط وزارت اطلاعات دستگیر شده اند، از روزنامه‌نگاران و فعالین سیاسی تا سران نهضت آزادی مانند آقایان یزدی و توسلی و دیگران همه معتقد به عدم خشونت بوده‌اند. آیا این درست است؟

درست است. واقعیت این است که قدرت براساس نیاز خود عمل می‌کند. قدرت نیاز به ایجاد رعب و وحشت و یاس دارد. آنها می‌خواهند چنین القا کنند که جنبش بی‌فراجم است و بین مردم اختلاف بیندازند. مکانیزم قدرت، تقسیم کردن و حذف است. از اول انقلاب کار اینها همین بوده است که تا امروز هم ادامه داده اند. این که حذف شده کار سیاسی می‌کرده یا نمی‌کرده، در عملکرد استبداد نقشی ندارد. کسانی هستند که در دولت آقای خاتمی بودند اما حتی مخالفت سیاسی هم نکرده‌اند. با این وجود برخورد اینها را با آنها می‌بینید. به نظرم اگر اینها این مکانیزم را کنار بگذارند، از قدرت ساقط می‌شوند.

الان باید به مردم ایران گفت که اگر می‌خواهید سرنوشت خود را در دست داشته باشید، باید خود مسئول حاکمیت و جمهورییت بشوید، به ترتیبی که دولت، خدمتگزار و کارگزار شما بشود. اگر مردم توجه نکنند که پرهیز از خشونت دقیقاً برای به عهده گرفتن

این مسئولیت است، ره به جایی برده نمی‌شود.

اخیراً آقای نجار (وزیر کشور) گفته است با توجه به فتوای علما، با شرکت کنندگان در تظاهرات به عنوان محارب برخورد می‌شود. آیا در چارچوب قانون اساسی ایران علما می‌توانند چنین احکامی صادر کنند؟

آن علمائی که آقای نجار گفته است نه تنها عالم نیستند که جاهل هم هستند زیرا وقتی نص قرآن وجود دارد عالم دینی نمی‌تواند اجتهاد داشته باشد. براساس تعریف قرآنی برای این که عملی علیه دولت محاربه شمرده شود نیاز به پیش شرط‌هایی است: اول این که دولت باید حقوق مدار باشد و به حقوق مردم تجاوز نکند. دوم باید منتخب مردم باشد در آن صورت است

که اگر کسی قیام مسلحانه علیه دولت منتخب مردم بکند، محارب است. براساس نص قرآن اگر دولتی حقوق انسانها و جامعه را رعایت نکرد بلکه روزانه به این حقوق تجاوز کرد، قیام بر چنین رژیم‌ی نه تنها محاربه نیست بلکه واجب هم می‌شود. آن عالم دینی که این دستورات صریح قرآن را منکر می‌شود و خلاف آنها حکم می‌دهد نه تنها عالم دینی نیست بلکه همکار این حاکمیت تبهکار است. این از وجه قرآنی محارب. علاوه بر این، وجه قانونی و یا به قول شما قانون اساسی وجود دارد که اختیاراتی برای دولت قائل شده است. در قانون اساسی نه داشتن عقیده مخالف جرم است و نه مخالفت با این رژیم را می‌توان محاربه نامید. پس حتی بنابر قانون اساسی که خودشان قبول کرده‌اند، هم علما خلاف گفته‌اند و هم وزیر کشور. شما از این وزیر سپاهی که دولت را تصرف کرده است چه توقعی دارید.

جنگ سپاه با ملت ایران است. من به سپاه می‌گویم حواستان را جمع کنید. شما از بین می‌روید اما ملت از بین نمی‌رود. در واقع کسانی که با ملت درگیر می‌شوند از بین می‌روند.

در روزهای گذشته وزارت اطلاعات همکاری و حتی مصاحبه با ۶۰ بنگاه خبری، از جمله رادیوها و سایت‌های خبری جهانی را ممنوع کرد. آیا چنین ممنوعیتی نباید

توسط مجلس به تصویب برسد؟

واقعیت این است که حتی مجلس هم نمی تواند قانونی بر خلاف قانون اساسی وضع کند و به گروهی از شهروندان بگوید که مجاز هستند و به گروهی دیگر بگوید که نیستند.

نکته اینجاست که اطلاع داشتن حقی از حقوق انسان هست که در قرآن به آن خیلی تاکید شده است اگر رژیم این حق را دریغ کند مجرم است. بنا بر نص قرآنی و حق انسانی. به سهم خودم در دوران ریاست جمهوری روزانه به مردم گزارش می دادم. آقای خمینی و ملاتاریا مخالف بودند به من می گفتند چرا این کارها را می کنید. دولت باید اسرار داشته باشد. من می گفتم این حق مردم هست که از دولت و کارهای آن اطلاع داشته باشند. در قانون اساسی آمریکا این حق شناخته شده است و کلا در کشورهای غربی دسترسی به اطلاعات مجاز است. گرچه به طور کامل این حق به جا آورده نمی شود و برخی اطلاعات هم بعد از مدتی آزاد می شوند. و لی اصل حق دسترسی به اطلاعات پذیرفته شده است

علاوه بر این قرآن می گوید اگر ندانی و در جهل بمانی مقصر هستی. انسانی که نداند، مقصر است. پس شما که مجاری اطلاع رسانی را می بندی یک رژیم ضد اسلامی و ضد ایرانی هستی. وقتی وزیر و معاون وزیر و امام جمعه ای حکم محارب صادر می کند و مردم مخالف دولت را بزغاله و گوساله می خواند، یعنی تحقیر روزانه مردم. به این ترتیب مردم بداند که اگر جنبش را رها کنند با آنها به عنوان بزغاله و گوساله و خار و خاشاک رفتار خواهند کرد.

آیا بزغاله خواندن مردم برخاسته از همان دیدگاه رایج حوزوی یعنی «عوام کل الانعام» (مردم مانند چهار پایاند) نیست؟

چرا همان است. با این تفاوت که عوام کل الانعام مانند گوسفند سر بزیر و مطیع باید باشد ولی اگر چموشی کرد می شود بزغاله و خس و خاشاک

و باید سرش را برید. اینها که می گویند ۶۰ سازمان ممنوع است و هر کس جنبش کند محارب است، با اتکا به همین دیدگاه حرف می زنند. پس محارب واقعی همینها هستند که به کشور تحمیل شده اند.

شما پیشتر گفته بودید که استقامت آقای موسوی و کربوبی باعث شد که جنبش به موقعیت بزرگی برسد و شناخت قدرت واقعی مردم دست بیاید. برخی تحلیلگران بیانیه شماره ۱۷ آقای موسوی را یک عقب نشینی تحلیل کرده اند. تجربه ۱۸ تیر ۱۳۷۸ و عقب نشینی آقای خاتمی تداعی نمی شود؟ نظر شما چیست؟

روز ۱۸ تیر که یادآور شدیدی. تجربه بسیار مهم این رخداد این است که اگر ول کردی رژیم تو را رها نمی کند. یعنی خاتمی را بر می دارد و احمدی نژاد را بجای وی می گذارد و سرکوب را ادامه می دهد پس باید جنبش راه خود را ادامه بدهد. در مورد بیانیه آقای موسوی برخی گفته اند این بیانیه، بیان حداقل هاست. در حقیقت اتمام حجت است و رژیم را در برابر یک انتخابی قرار می دهد که اگر عمل نکنند باید از آن عبور کرد.

به عقیده من این توجیه برای ترمیم است. بیانیه اسمش در خودش هست یعنی باید شفاف باشد یعنی محتاج به تعبیر بعدی نباشد که بخواهد آنرا توجیه کند. اگر نیاز به تعبیر باشد یعنی ضعفی دارد که تعبیر بعدی باید آنرا جبران کند و پوشش دهد. اگر این بیانیه اتمام حجت بود، شرط اول بی معنی می شد. قبل از آن آقای موسوی انتخابات را قبول نداشت و می گفت رئیس جمهور غیر قانونی است زیرا تقلب شده است. اگر کسی بگوید من حکومت را قبول دارم به شرطی که در برابر مجلس پاسخگو باشد صحیح است ولی پاسخگو در برابر قوه قضاییه بودن خیلی خطرناک است زیرا قوه قضاییه وقتی می تواند و باید وارد عمل شود که جرمی اتفاق افتاده باشد. این به قوه قضاییه قدرتی داده که می تواند یک رئیس جمهور را به زندان بیندازد که مثلا رئیس جمهوری

چون جواب سوالات ما را نداده است باید به زندان برود. این خیلی مسخره است. بند اول بیانیه نه تنها حداقل خواست نیست بلکه حداکثر باج است. این امتیاز دادن هست. چهاربند دیگر خواسته ها هستند.

بعد از اینکه وزارت اطلاعات از نهضت آزادی خواسته که فعالیتش را تعطیل کند، امیر خادم می گوید: «به وزارت اطلاعات گفتم ما در نهضت آزادی مانند خندقی هستیم دور قلعه جمهوری اسلامی که اجازه نمی دهیم نیروهای جدانشده به سمت نیروهای برانداز بروند.» اما مهندس بازرگان پیش از آخرین سفر خود به سوییس، نقل به مضمون، گفت که هیچ امیدی به این سیستم نیست چون مشکل، ولایت فقیه است. چرا برخی سعی می کنند از بیان اینکه ولایت مطلقه فقیه یک استبداد است، فرار کنند؟

اولا کار صحیحی نکردند فعالیتشان را متوقف کردند زیرا زیر فشار حکومت سرکوبگر، کسی نباید حق خودش را تعطیل کند. زمانی که در کرمانشاه بودم (در روزهای قبل از کودتای ۱۳۶۰) آقای خمینی نامه ای به من نوشت و در آن خواست که من ۸ سازمان سیاسی را محکوم و آنها را سرکوب کنم. یکی از گروهها همین نهضت آزادی بود. من نپذیرفتم. پاسخ نوشتم وظیفه رئیس جمهور حمایت از حقوق آنان و فعالیت های آنان است. با اینکه همه این گروهها با من مخالف بودند. خوب من کودتا علیه خودم را ترجیح دادم به تجاوز به حقوق سازمانهای سیاسی. از سوی دیگر اینکه شما می گوید که نمی گذارید مردم به براندازان بپیوندند، این موضعی است که در ۳۰ سال گذشته نه تنها سودی نرسانده است بلکه به شما ضرر رسانده است. یعنی ضعیف شده اید، به لحاظ اینکه قدرت را ترجیح داده اید به آزادی. شما قول مرحوم بازرگان را آوردید، من از قول آقای یزدی خواندم که ایشان گفته بود باید به دوران پیش نویس قانون اساسی که ولایت جمهور مردم بود برگردیم. همین طور دیداری با مرحوم آقای منتظری داشته است

و آقای منتظری گفته بود که ولایت مطلقه فقیه از مصادیق شرک است. اگر نهضت آزادی بر مبنای جمهور مردم بود الان وضع بهتری داشت اما همیشه رژیم را به مردم ترجیح داده است. در اصول اگر کسی یک ضعف نشان بدهد، قدرت به این قانع نمی شود، دنبال ضعف های بیشتری هست. به آنها می گویم از موضع خودتان تجربه بگیرید و خط خود را تصحیح کنید. اگر موضع ثابتی داشتند که آقای بازرگان گرفت رژیم نمی توانست آنها را در فشار قرار بدهد.

نهر می نویسد تظاهرات می کردیم ماموران سلطه گر انگلیس شروع به زدن با باتوم ها ی بزرگشان کردند. من با خودم گفتم از جلوی این باتومها یا باید فرار کرد و یا باید ایستاد و باتوم خورد. آیا باید در مقابل این وحشی گری ایستاد؟ نهر می گوید استقلال هند بنظم آمد و گفتم اگر ایستادیم هند مستقل خواهد شد. در جلوی صف ایستادیم. در نهایت انگلیسی ها، سرکوبگری را رها کردند چون خسته شدند. در آن زمان استقلال هند برای من مسجل شد. دوستان نهضت آزادی و دیگر گروهها، من همه شما را دوست دارم چه شما مرا دوست داشته باشید چه نداشته باشید. بود و نبود رژیم را شما تعیین می کنید. بایستید. ما ایستادیم. وقتی از ایران مهاجرت کردم افکار عمومی دنیا را در مورد ارتباط ریگان و خمینی روشن کردم. همان زمان به حاکمان گفتم: ما می رویم که بمانیم و شما می مانید که بروید. چون ما ایستاده ایم شما محکوم به رفتن هستید. ما نه خواهان سروری هستیم نه رئیس جمهوری، نه مقامی در دولت آینده، آنچه که ما می خواهیم آزادی مردم ایران است. حریف مردم ایران نخواهید شد.

آقای دکتر ابوالحسن بنی صدر سیاستگزارم و خسته نباشید.

مشروح این گفت و گو در سایت شخصی آقای سعید سلطانیور در دسترس است

دکتر یونس پارساباناب در تاریخ ۱۹ دسامبر ۲۰۰۹ در یکی از سالن‌های دانشگاه کنکور دیا به سخنرانی درباره جنبش جاری در ایران پرداخت. او که به همت «کمیته یادمان قربانیان کشتار دهه ۱۳۶۰» به مونترال دعوت شده بود به مدت ۴ ساعت به سخنرانی و گفت‌وگو با حاضران پرداخت. نکته‌ی قابل توجه این‌که دکتر پارساباناب با وجود سال‌ها تدریس و تحقیق در عالی‌ترین سطوح با فروتنی دلنشینی اعلام کرد پیش از آنکه یاد بدهد یاد می‌گیرد، و از آموخته‌های خود در چنین نشست‌هایی بهره فراوان می‌برد. او که نوشته‌های تاریخی‌اش به عنوان کتاب‌های مرجع مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند به کرات از عبارت «من نمی‌دانم» و «در تخصص من نیست» استفاده کرد.

دکتر پارساباناب همین سخنرانی را در تورنتو نیز ارائه داد و خانم فرح طاهری همکار نشریه شهروند گزارشی از آن برنامه تهیه کرده که در شهروند نیز منتشر شده است. آن بخش از گزارش مذکور که خلاصه‌ای از مضامین مطرح شده توسط سخنران است در اینجا ارائه می‌شود.

خ.ش

جنبش فعلی ایران از نظر من یک جنبش به تمام معنی مترقی و دموکراتیک است.

نکته‌ی دوم، در خصوص پدیده‌ی بنیادگرایی است. به اعتقاد من تمام بنیادگرایی‌ها از درون نظام جهانی بیرون آمده‌اند نه از درون جوامع خود. منظور هر نوع بنیادگرایی است چه بنیادگرایی دینی (مثل سلفیسم یا هندوتوا) و چه بنیادگرایی مذهبی مثل ولایت فقیه. ولایت فقیه از متون کلاسیک علمای شیعه‌ی ایران و از جامعه‌ی مسلمانان ایران درنیامده، این بنیادگرایی منبعث از فاز فعلی عصر سرمایه داری در فاز فعلی گلوبالیزاسیون است و به این نظام تعلق دارند.

نکته سوم: ما همیشه در جوامع مختلف تضادهای مختلف داریم تضاد بین فرهنگ‌ها چه مذهبی و چه دینی، این تضادها کاذبند. تضاد بین شیعه و سنی کاذب است. نظام جهانی وقتی در منطقه‌ای نمیتواند تضادها را تشخیص بدهد و بین توده‌ها ببرد تحقیق میکند و بالاخره یک تضادی در آن جامعه پیدا میکند که توده‌ها به تضاد اصلی در آن جامعه توجه نکنند و به آن تضاد کاذب بپردازند. تضاد بین مسیحیان و مسلمانان در نیجریه، تضاد بین یهودیان و مسلمانان در اسرائیل تضادهای کاذب‌اند و واقعی نیستند. تضادهای واقعی به خاطر تشدید جهانی شدن سرمایه، تضادی است بین واقعیت‌های سرمایه داری واقعا موجود و مبارزات قربانیان این نظام بویژه مبارزاتی که دارای چشم انداز سوسیالیستی هستند. این تضاد واقعی است در حالی که منکر وجود تضادهای دیگر نیستیم. وظیفه‌ی روشنفکران این است که

به نظر من و بخشی از نیروهای مارکسیست جهانی هیچ جنبشی بدون رهبری نمیتواند پیروز شود. جنبش امروز ایران بی رهبر است. قبول دارم که بخش‌هایی درون این جنبش دارای رهبری هستند، ولی این جنبش در مقایسه با جنبش ملی شدن صنعت نفت ستاد رهبری ندارد. جنبش خیابانی در تبریز در سال ۱۳۰۰-۱۲۹۹ دارای یک رهبری بود. جنبش مشروطیت دارای رهبری بود ولی نه از اول. جنبش مشروطه را مردم به جلو بردند و فرمان مشروطیت و تاسیس مجلس را از مظفرالدین شاه گرفتند ولی هنوز جنبش رهبری نداشت و بعد از به توپ بسته شدن مجلس جنبش دارای رهبری کلی شد. جنبش فعلی بدون رهبری است. به این خاطر است که تمام رگه‌های سیاسی چه در داخل ایران و چه در خارج به غیر از رگه‌ی مافیای نظامی خامنه‌ای- احمدی نژاد خود را بخشی از این جنبش می‌دانند. از سلطنت طلبان، نیروهای چپ مارکسیستی و غیر مارکسیستی و بخشی از جناح‌های درون حاکمیت این جنبش را می‌پذیرند دقیقاً به خاطر اینکه این جنبش رهبری و ستاد رهبری ندارد. مشخصاً خرده رهبرها در میان این خرده جنبش‌ها وجود دارند.

من کلیت این نیروها را به سه طیف تقسیم می‌کنم: طیف اول طیف کار از درون نظام افرادی که به یک نحله‌ی فکری مشخص تعلق ندارند. اصلاح طلبان یا فرمیست‌ها در ایران، سترئیست‌ها (طرفداران رفسنجانی)، بعضی از چپ‌های مارکسیست هم در داخل و هم خارج ایران، بخشی از سلطنت طلبان تمام اینها معتقدند که میشود از درون نظام اوضاع را عوض کرد. اگر به تاریخ ایران مراجعه کنید می‌بینید که این امر جدیدی نیست. در زمان سلطنت پهلوی‌ها چندین بار این واقعه اتفاق افتاد. در سال ۱۹۶۱ میلادی (۱۳۴۰ خورشیدی) دکتر امینی نخست وزیر ایران شد. یک عده افرادی که تا دیروز علیه رژیم مبارزه می‌کردند آمدند و گفتند اوضاع عوض شده و میشود از درون اوضاع را عوض کرد. به عنوان مثال رهبر جامعه معلمان آن زمان محمد درخشش که بهترین دوستش دکتر خانعلی را در تظاهرات بزرگ معلمان در همان سال از دست داده بود، آمد و وزیر فرهنگ امینی شد. در همان زمان ما در کنفدراسیون دانشجویان خارج کشور در واشنگتن با همین مسئله روبرو شدیم و عده‌ای از افراد تعیین کننده در داخل کنفدراسیون تزی آوردند به نام تز "بازگشت به میهن" که معتقد بود اوضاع ایران عوض شده و کنفدراسیون علت وجودی خودش را از دست داده و میتوانیم به ایران برویم و در آنجا از درون اوضاع را عوض کنیم. خلیل ملکی، شاهین فاطمی که دایی اش دکتر حسین فاطمی معروف بود و یکی از پایه گذاران کنفدراسیون آمریکا بود این نظرگاه را آوردند و خیلی‌ها مثل دکتر مجید تهرانیان به ایران رفتند. نتیجه‌ی آن رفتن‌ها، استحاله شدن در رژیم بود تا جایی که بعضی هاشان همراه ساواک به مقابله با کنفدراسیون برخاستند. از کنفدراسیون کمونیست و ملی‌گرا رفتند و سلطنت طلب به خارج بازگشتند. پس آنهایی که فکر میکنند از درون نظام می‌شود کاری کرد در توهم هستند. این تنها در ایران نبوده در اتحاد جماهیر شوروی در زمان خروشچف هم نظرگاهی درون حزب به وجود آمد که گورباچف و شوارنادزه به آن اعتقاد داشتند و آن اصلاح از درون رژیم بود. که هر دوی اینها قربانی همان توهم شدند. آنها موفق به تغییر رژیم نشدند و باعث شدند که یک ملت - دولت بزرگ با نام اتحاد جماهیر شوروی از هم پاشیده شود و امروز چنین کشوری دیگر وجود ندارد و تبدیل به ۱۶ کشور شد و خود روسیه هم با مسئله جدایی بخش‌هایی دیگری از خودش روبروست.



دکتر یونس پارساباناب در مونترال و تورنتو: جنبش مردم ایران و وظائف ما

فشرده‌ای از سخنرانی دکتر یونس پارساباناب

نکته‌ی اول: یکی از درس‌هایی که مطالعات میدانی درس جنبش‌شناسی به ما میدهد این است که اکثر مردم تصور می‌کنند که هر جنبشی مترقی و دموکراتیک است که واقعیت ندارد. جنبش‌ها هم مثل هر پدیده‌ای در دوران معاصر و سرمایه داری به وجود آمده‌اند می‌توانند یا مترقی و دموکراتیک باشند یا بسیار ارتجاعی و عقب افتاده. مثلا جنبش فاشیسم در ایتالیا سال‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ جنبش وسیعی بود که توانست رم پایتخت ایتالیا را با یک راهپیمایی بزرگ و بدون خونریزی تسخیر کند در حالی که یک جنبش عقب افتاده بود. جنبش صهیونیسم هم که اکثر توده‌های یهودی را بویژه در اروپا به جانب خودش کشاند، یک جنبش ارتجاعی بود.

تضادهای کاذب را بشناسیم و در زندان توهمات توده‌ها را باز کنیم و توده‌های وسیع در سراسر خاورمیانه و هند و پاکستان را از زندان این تضادها نجات دهیم.

به نظر من آن چیزی که در ایران در این ششماه اتفاق افتاده نتیجه‌ی یکی از جنبش‌های تاریخ معاصر ایران است. این جنبش مثل هر جنبشی ویژگی‌های مشخص خودش را دارد.

اول اینکه به هیچ وجه نباید گفت که ۲۲ خرداد آغاز این جنبش است. پیشینه‌ی این جنبش برمیگردد به سال‌ها قبل و به خرده جنبش‌هایی همچون جنبش دانشجویی، جنبش زنان، جنبش کارگری ولی بر جنبش زنان بیشتر تأکید می‌کنم چون این جنبش را از جنبش‌های صدسال اخیر ایران و همچنین جنبش‌های کشورهای همسایه متمایز می‌کند. دوم اینکه این جنبش بخشی از جنبش‌های بزرگ و کوچک تاریخ صد و بیست و پنج ساله‌ی گذشته‌ی ایران است. این جنبش یک جنبش خودانگیخته و خودجوش است. جنبشی همگانی، فراگیر، دموکراتیک ولی بی رهبر.



درباره‌ی قمرالملوک وزیری

ایستاده است، بند دلم پاره شد. هنوز دنبال کلمات می‌گشتم که گفت: آمده ام موسیقی یاد بگیرم. از همان روز شروع کردیم، خیلی با استعداد بود، هنوز من نگفته تحویل می‌داد و وقتی ردیف‌های موسیقی را یاد گرفت، صدایش دلنشین تر شد... و کنسرت پشت کنسرت است که در گرند هتل لاله زار، آوازه قمر را تا به عرش می‌گسترد.

اولین کنسرت قمر با همراهی ابراهیم خان منصوری و مصطفی نوربایی (ویولن)، شکرالله قهرمانی و مرتضی نی داوود (تار)، حسین خان اسماعیل زاده (کمانچه) و ضیاء مختاری (پیانو)، پسر عموی استاد علی تجویدی برگزار شده است. یک شب در گراند هتل تهران کنسرت می‌داد. تصنیفی را می‌خواند که آهنگش را من ساخته بودم و بعدها در هر محفل سرزبانها بود. تصنیف را بهار سروده بود و من رویش آهنگ گذاشته بودم، حتماً شما شنیده‌اید: مرغ سحر را می‌گویم!

آنشب در کنسرت گراند هتل وقتی این تصنیف را می‌خواند آه از نهاد مردم بلند شده بود. در اوج تحریر آوازی که در پایان تصنیف می‌خواند، ناگهان فریاد کشید "جانم، مرتضی خان" و این نهایت سپاس و محبت او نسبت به کسی بود که آنچه را از موسیقی ایران می‌دانست، برایش در طبق اخلاص گذاشته بود.

بله داستانی که در بالا خواندید بخشی از گفتگوی یک خبرنگار است که سالها پیش با نی داوود انجام داده است و در آن از عشق پنهان وی به قمر سخن رفته است!

نی داوود تصنیفی دارد به نام آتش جاویدان که آن را بهترین ساخته خودش - حتی بهتر از مرغ سحر - می‌داند، که البته با دانستن مطلب بالا علت آن روشن است. این تصنیف بسیار زیبا تاکنون بارها توسط خوانندگان گوناگون اجرا شده است ولی یک بار هم در برنامه گلهای رنگارنگ اجرا شده است.

قمرالملوک وزیری پس از شیدا و عارف در موسیقی نوین ایران رخ نمود ولی بی تردید نقشی دشوارتر و دلیرانه تر از آن دو ایفا کرده است؛ زیرا اگر

تا حالا چنین سبکی را نشنیده بودم. صدایش زنگ مخصوصی داشت. باور کنید پاهایم سست شده بود. تازه بعد از آنکه بیت اول غزل را تمام کرد، متوجه شدم از ردیف عقب افتاده‌ام: معاشران گره از زلف یار باز کنید شبی خوش است بدین قصه‌اش دراز کنید میان عاشق و معشوق فرق بسیار است چو یار ناز نماید شما نیاز کنید

بقیه ساز زنها هم، مثل من، گیج و مهوت شده بودند. جا برای هیچ سوالی و حرفی نبود. تار را روی زانوهایم جابجا کردم و آنرا محکم در بغل فشردم. هر گوشه‌ای را که مایه می‌گرفتم می‌خواند. خنده‌های مستانه مردان قطع شده بود. یکی یکی از زیر درختان بیرون آمده بودند. از اندرونی هیچ پیچ و پچی به گوش نمی‌رسید، نفس همه بند آمده بود. هیچ پاسخی نداشتم که شایسته‌اش باشد.

گفتم: اگر تا صبح هم بخوانی می‌زنم! و در دلم اضافه کردم: تا پایان عمر برایت می‌زنم!

آنشب باز هم خواند، هم آواز هم تصنیف، وقتی خواست به اندرونی باز گردد.

گفتم: می‌توانی بیایی خانه من تا ردیف‌ها را کامل کنی؟

گفت: باید بیرسم.

وقتی صدلی‌ها را جمع و جور می‌کردند و ما آماده رفتن بودیم، با شتاب آمد و گفت: آدرس خانه را برابم بنویسید.

و تکه کاغذی را با یک قلم مقابلم گذاشت، اسمش قمر بود.

بعد از آنکه از قمر جدا شدم، تمام شب را به یاد او بودم دیگر دلم نمی‌آمد برای کسی تار بزنم. در خانه ام که انتهای خیابان فردوسی بود، چند اتاق را به کلاس موسیقی اختصاص داده بودم و تعدادی شاگرد داشتم اما دیگر هیچ صدایی برایم دلنشین نبود و با علاقه سر کلاس نمی‌رفتم. دو ماه به همین روال گذشت. بعد از ظهر یکی از روزها، توی حیاط قالیچه انداخته بودم و در سینه کش آفتاب با ساز ور می‌رفتم که یک مرتبه در حیاط باز شد. دیدم قمر مقابلم

بارها برای عروسی و میهمانی بزرگان به باغ عشرت‌آباد دعوت شده بودم، برای عروسی، مولودی و ... اما هرگز حال آن شب را نداشتم. پائیز غم‌انگیزی بود و من به جوانی و عشق فکر می‌کردم، از مجلسی که قدر ساز را نمی‌شناختند خوشم نمی‌آمد اما چاره چه بود، باید گذران زندگی می‌کردیم. چنان ساز را در بغل می‌فشردم که گوئی زانوی غم بغل کرده‌ام. نمی‌دانستم چرا آن کسی که قرار است در اندرونی بخواند، صدایش در نمی‌آید. در همین حال و انتظار بودم که دختر ۱۳-۱۴ ساله‌ای از اندرونی بیرون آمد. حتی در این سن و سال هم رسم نبود که دختران و زنان اینطور بی پروا در جمع مردان ظاهر شوند. آمد کنار من ایستاد. نمی‌دانستم برای چه کاری نزد ما آمده است و کدام پیغام را دارد.

چشم به دهانش دوختم و پرسیدم: چه کار داری دختر خانم؟

گفت: می‌خواهم بخوانم.

گفتم: اینجا یا اندرونی؟

گفت: همینجا!

نمی‌دانستم چه بگویم. دور بر را نگاه کردم، هیچکس اعتراضی نداشت. به در ورودی اندرونی نگاه کردم.

چند زنی که سرشان را بیرون آورده بودند، گفتند: بزنید، می‌خواهد بخواند!

گفتم: کدام تصنیف را می‌خوانی؟

بلافاصله گفت: تصنیف نمی‌خوانم، آواز می‌خوانم!

به بقیه ساز زنها نگاه کردم که زیر لب پوزخند می‌زدند. رسم ادب در میهمانی‌ها، آنهم میهمانی بزرگان، رضایت میهمان بود.

پرسیدم: اول من بزنم و یا اول شما می‌خوانید؟

گفت: ساز شما برای کدام دستگاه کوک است؟

پنجه‌ای به تار کشیدم و پاسخ دادم: همایون.

گفت: شما اول بزنید!

با تردید، رنگ و درآمد کوتاهی گرفتم. دلم می‌خواست زودتر بدانم این مدعی چقدر تواناست. بعد از مضراب آخر درآمد، هنوز سرم را به علامت شروع بلند نکرده بودم که از چپ غزلی از حافظ را شروع کرد. تار و میهمانی را فراموش کردم، چپ را با تحریر مقطع اما ریز و بهم پیوسته شروع کرده بود.

غلامحسین ساعدی، یک نفر برای تمام ایران

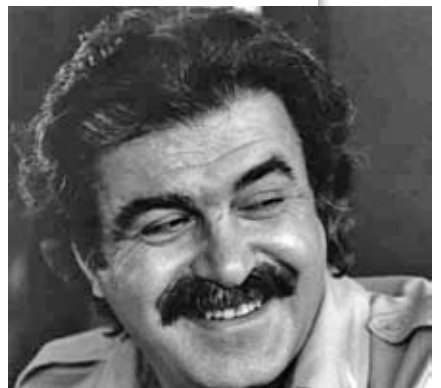
به بهانه سالروز تولد یک اندیشمند روشنگر

صفا



بیست و چهارم دی ماه سالروز تولد غلامحسین ساعدی نویسنده، نمایشنامه‌نویس، منتقد، پزشک و روان‌کاو ایرانی‌ست. وی در سال ۱۳۱۴ در تبریز به دنیا آمده و از هفده سالگی همکاری خود را با نشریات گوناگون آغاز کرد. او از ابتدای دهه‌ی سی به داستان‌نویسی پرداخت و تا پایان زندگی از نوشتن دست برداشت. حاصل سی و اندی سال نوشتن وی بیش از ۶۰ داستان کوتاه و بلند است که بعضی از آن‌ها منتشر شده و از این میان می‌توان به ۱۲ لال‌بازی (پانتومیم)، چندین سفرنامه، تک‌نگاری، مقالات بسیار در زمینه‌های سیاسی و ادبی، ۷ رمان که فقط سه رمان کامل و منتشر شده، ۱۹ مجموعه نمایشنامه به صورت کتاب و بیش از ۱۰ نمایشنامه تک‌پرده‌ای چاپ نشده و بیش از ۳۴ قطعه شعر اشاره کرد.

ساعدی نویسنده‌ای بود که مایه‌ی کارهایش را بی‌واسطه از جامعه‌ای که با آن درگیر بود، می‌گرفت و بی‌پیرایه، حسی و سریع آن را در بازتاب واقعیات به صورت قصه،



که از هزارتوی خیال پرتلاطم او می‌گذشت، منعکس می‌کرد.

در پربارترین سال‌های عمرش (دهه‌ی چهل) برای نوشتن تک‌نگاری‌ها به حوالی تبریز، جنوب بوشهر و جزایر خلیج فارس سفر کرد. ذهن خلاق ساعدی از مردم رها شده در فقر و خرافه و درماندگی، تبعید شده به هیروت لامکانی و بی‌پناهی در شرایطی که به هیچ‌روی انسانی نیست، نمایش‌نامه‌ها و داستان‌های بی‌شماری چون عافیتگاه، خانه روشنی، آی باکلاه آی بی کلاه و پروار بندان را ساخت. عزاداران بئیل هم ۸ داستان پیوسته است که او پس از سفرش به ایلخچی و قزداغ و گشت و گذار در روستاهای آذربایجان نوشته است. قصه‌های واهمه‌های بی نام و نشان (۴ داستان) و ترس و لرز (۶ داستان) هم از سفرهای او به جنوب که به منظور پژوهش و تک‌نگاری انجام شده، مایه گرفته است. گور و گهواره شامل شش داستان درباره‌ی مردم جنوب شهر

تهران است. در خلال این نوشته‌ها نویسنده با پایی در واقعیات و سری در کابوس‌های نهانی در مقام یک نگران پُرواهمه و یک روح مضطرب، دلهره‌های عصر خود را و روی زندگی هر روزه فریاد می‌کند. استفاده از زبان روزمره و ساده، سری بودن داستان‌های کوتاهش در دوره‌ای خاص، شناختی و طنز از جمله ویژگی‌های نوشته‌های او است. گروهی او را در نوشته‌هایش کابوس زده، تلخ و مرگ‌اندیش یافته‌اند و گروهی دیگر او را شیرین‌کار و طنز و پوچ‌گرا دیده‌اند. دیدگاه روان‌پزشکی او در بسیاری از آثارش از جمله لال‌بازی، دیکته و زاویه و بهترین بابای دنیا مشهود است. ساعدی برای عینیت بخشیدن به خیالات خود در قصه‌نویسی به همان اندازه چیره‌دست است که در نمایش‌نامه‌نویسی. او به لحاظ کاربرد آثار نمایشی‌اش به بزرگ‌ترین توفیق اجتماعی و عام که نصیب کم‌تر نویسندگانی شده، دست یافته است. از آن‌جا که گوهر مراد (نام مستعار ساعدی به عنوان نمایش‌نامه‌نویس) گروه‌های تئاتر آماتور و حرفه‌ای ایران را تغذیه کرده، به‌جاست که چند کلمه‌ای درباره‌ی اهمیت ظهور او در نمایش ایران بگوییم.

زمانی که (دهه چهل) ساعدی به کار نمایش پرداخت، تئاتر ایران که از زمان نوشتین و همکارانش شروع شده بود در غیبت این پیش‌کسوت‌ها به فترت دچار بود. نمایش رایج آن زمان (تئاتر سیاسی) که وظیفه‌ی خود را آگاهی بخشی به توده و اعتراض علیه نابرابری‌ها، جهل و ستم می‌دانست، به دلیل عدم وجود متن‌های قابل و شیوه‌های ضروری برای این نوع بیان دچار رکود شده بود. همین مسئله در مورد تئاتر آماتور نیز صادق بود. مثلاً تا قبل از ساعدی اگر قرار بود محصلان یک مدرسه، نمایشی به روی صحنه بیاورند، این نمایش یا کارهای مولیر و شکسپیر بود که به علت گذشت زمان، زبان نمایشی دشواری داشت یا آثاری که به علت نقص تکنیک، ضعف تدارکات (دکور) یا هنرپیشه‌ی زن اجرای‌اش غیرممکن به نظر می‌آمد.

ساعدی در این فضا به عنوان نمایش‌نامه‌نویسی که با لحن کنایی و معترض به طرح مسائل اجتماعی و واقعیات‌های موجود می‌پردازد، وارد گود شد. نمایش‌نامه‌های وی خیلی سریع درخشید. این درخشش مدیون زبان ساده، شکل‌های طبیعی و واقع‌گرا، لحن معترض و کنایی و ادامه‌ی سنت تئاتر سیاسی که نیازش احساس می‌شد، بود. انبوه نمایش‌نامه‌هایی که وی در این دو دهه نوشت، توسط دانشجویان، محصلین و آماتورها در شهرستان‌های دورافتاده نیز اجرا شد. نقش ساعدی در ادبیات

نمایشی ایران بی‌شابهت به نقش تنسی ویلیامز در ادبیات نمایشی آمریکا نیست.

او در سال ۱۳۶۱ به ناچار وطن را ترک کرد و به پاریس رفت و از ابتدای ورود از رفتن پشیمان شد. علی‌رغم فضای ملالت بار غربت، به کار ادامه داد و اقدام به انتشار مجله‌ی الفبا (چاپ پاریس) کرد. چند نمایش‌نامه به نام‌های اتللو در سرزمین عجایب، پرده داران آینه افروز و داستان‌هایی چون آشفته حالان و شب‌به‌شروع شد و البته چند فیلمنامه و مقالاتی در باب مهاجران و آوارگان از جمله کارهای او در دوره‌ی مهاجرت هستند.

داستان‌های وی در این دوره به وضوح از زندگی در خارج تأثیر پذیرفته‌اند؛ هم از جهت خاستگاه و چهره‌های قهرمانان و هم از نظر حضور راوی در آن‌ها این آثار را به تجربیات تازه‌ی نویسنده و زندگی‌اش پیوند می‌دهند. ساعدی که در عمر کوتاه ولی پر بار خود فراز و نشیب‌های بسیار را پشت سر نهاده بود، سرانجام در غربت توان استقامت و مبارزه را در خود نمی‌بیند.

طنز گزنده‌اش که معمولاً هیچ‌کس را بی‌نصیب نمی‌گذاشت، شاید این بار در نمایشنامه‌ی مولوس کوپولوس که براساس داستان خانه باید تمیز باشد نوشته شد، بیش‌تر متوجه خودش بود. در این نمایش برای مقابله با خطری که در عمارت کمین کرده و جانوران از هر سو در آن تاخت و تاز می‌کنند، ساعدی عمو ریچارد (ریشارد شیردل) را که اکنون به لاف‌زنی می‌خواهد و پهلوانی یاهو تبدیل شده، به میان می‌آورد که البته از مقابله با جانورخانه عاجز است.

در اواخر این دوره در دفترش نوشته بود: «اگر نه معنی اندک، که در زبان قولان آمده است، رقصیدن و گریه کردن به وقت بد حالی، بسیار تمیز می‌بود، اگر وطن نمی‌سوخت و آن‌چه بر جا می‌ماند، تپه‌ها و گردنه‌ها بود و از بالای قلعه‌ها آهویی گردن می‌کشید و ... من به خواب راحتی فرو می‌رفتم.»

او در دوم آذر ۱۳۶۴ به خوابی که چندی پیش آرزوی‌اش را می‌کرد، فرو رفت. پیکر او در آرامگاه پرلاش پاریس به خاک سپرده شد.

درباره‌ی ساعدی و آثارش نوشته‌های بی‌شمار از منتقدان و صاحب‌نظران موجود است. غرض از این چند کلام (برگرفته از شناخت‌نامه‌ی ساعدی از جواد مجابی) بهانه‌ای بود برای لحظه‌ای تأمل و تفکر در باب مردی که حضورش در صحنه‌ی ادبیات نمایشی ایران به بهترین وجهی توسط محمود کیانوش در عبارت یک «نفر برای تمام ایران» توصیف شده است.

یادش سبز و زنده باد.

ایشان در کتابشان درباره‌ی بیزانس (The Making of Byzantium, ۶۰۰-۱۰۲۵) این را نوشته و می‌گویند قفقاز مخصوصا با فرهنگ ساسانیان خیلی ارتباط داشته است. در شمال قفقاز یعنی گرجستان امروز، زبان و فرهنگ پارسی بسیار قوی بوده است. البته تا وقتی که روس‌ها می‌آیند. بیشتر کتاب‌هایی که نوشته می‌شده به زبان فارسی بوده چه در قفقاز چه در آسیای مرکزی. زبان ترکی در این منطقه‌ها برای این نوع کارها استفاده نمی‌شده است. خیلی از افرادی که در قفقاز می‌بینید حتی اگر ترک زبان بودند همه به فارسی تکلم می‌کردند.

جالب این که وقتی در سال ۱۸۲۶ م. عباس میرزا به آران لشکرکشی می‌کند خیلی از افراد به طرف او می‌آیند و تا مدت‌ها بعد از ترکمان‌چای و گلستان، در باکو و شیروان و نخجوان خیلی از افراد به فرهنگ ایرانی‌شان افتخار می‌کردند.

و این فرهنگ به قدری قوی بوده که یکی از افراد روس در گزارش به سن پترزبورگ چنین شکایت می‌کند: «تقریبا تمام ساکنان باکو ماموران مخفی ایران هستند». جای دیگری هست که می‌بینید مقامات تزاری از علمای شیعه خیلی نفرت داشتند. مخصوصا شیعه‌ستیزی بسیار بوده به خاطر این که زنجیر ارتباطی آنان با ایران بوده است و یکی از مورخان به نام هوستلر (Hostler) درباره‌ی دوران روس کمونیست می‌گوید: «این زنجیره‌ی فرهنگی بین سرزمین‌های تازه فتح شده آران و شیروان و کشور همسایه یعنی ایران که همچنان کشوری قوی است، روس‌ها را آزرده می‌کرد. آنان کوشیدند با تقویت فرهنگ ترکی محلی این منطقه، این زنجیر ارتباطی را نابود کنند».

زنکفسکی (Zenkowski) هم می‌نویسد: «تا اصلاحات دهه‌ی ۱۸۴۰ م. در این استان‌ها اقره‌باغ، شکی، گنجه، دربند، شیروان، کوبه، باکو، تالش زبان پارسی همچنان زبان اصلی حکومت و کارهای اداری بود». البته خدا می‌داند این اصلاحات چه بوده است! در ادامه می‌نویسد «زبان دادگاهها تا دهه‌ی ۱۸۷۰ م. همچنان پارسی بود. پارسی همچنین زبان مردم طبقه بالای جامعه و زبان ادبیات بود.»

همان طور که گفتیم آریستوکرات‌ها و خیلی از خوانین فارسی صحبت می‌کردند. خیلی از

علمای شیعه هم از این زبان دفاع می‌کردند و اصرار داشتند که این زبان تدریس شود و حتی دادگاهها هم همه باید به فارسی تکلم می‌کردند. البته زبان فارسی وجه مشترکی بود که قفقاز را به ایران پیوند می‌زد.

مقامات تزاری متوجه این موضوع بوده و از این بابت بسیار ناراحت بودند. تاکتیکشان خیلی جالب بود. گفتند ما باید این زبان را له کنیم و از بین ببریم. فرهنگ ایران و زبان فارسی خیلی برایشان مسئله بود. قدم اول این بود که تدریس فارسی را در مدارس و استفاده از فارسی را در ادارات و هر نوع کار فرهنگی قلع‌و‌معقل کردند.

بعد به جایش زبان ترکی را جلو می‌آوردند. آنها روسی را اجباری نکردند. چون اگر روسی را اجباری می‌کردند همه به فارسی برمی‌گشتند. برای همین زبان ترکی محلی را جلوی فارسی علم کرده تا جایی‌که در سال ۱۹۱۰ م. / ۱۲۹۰ خ. از ۴۱ مدرسه در باکو تنها یک مدرسه به زبان فارسی درس می‌داد. کار بعدی دولت‌مردان روس این بود که شروع کردند به چاپ یک سری روزنامه و مجله علیه فرهنگ ایران. این شاید برای شما شوک‌آور باشد. یکی از این روزنامه‌ها به نام «آکینچی» بود - به معنای کشاورز - که بین سال‌های ۱۸۷۵ تا ۱۸۷۷ م. منتشر می‌شد و هدف آن بر کشاورزان ترک‌زبان منطقه‌ی آران متمرکز شده بود. آنها را علیه پارسی‌زبانان و مذهب شیعه جری می‌کرد و یک زبانی را اختراع می‌کنند؛ آذربایجانی اصیل که نصف کلمات فارسی‌ست. اما اینها آمدند این کلمات فارسی را بیرون کردند و کلمات عربی را هم همینطور. بعد کلمات جدید اختراع کردند. پس می‌بینیم این پدیده از جمهوری ترکیه نبوده بلکه یک پروژه‌ی روس بود و نزدیک ۵۰ سال بعد وارد ترکیه شد.

سردبیر آکینچی کسی بود به نام حسن مجیدی زردابی. خیلی بیخشید، ایشان می‌گوید «تمام زبان و ادبیات فارسی مساوی است با عرعر خرا» آکینچی خیلی به فرهنگ و تمدن ایران حمله می‌کرد. تبلیغاتش این بود که «ایران کشوری است عقب‌مانده و متعصب و غیرانسانی».

بعضی از ساکنان جمهوری آذربایجان را یادتان هست که در اینترنت با چه نفرتی از ایران یاد می‌کردند؟ این نتیجه‌ی همین تبلیغات است که نسل به نسل به اینها داده شد. وقتی این تاریخ را جلوی چشم‌شان می‌آوریم خیلی برایشان ترسناک است. این یکی از کارهای مخرب‌بست که روسیه در این

منطقه کرد. جالب آن‌که این زردابی آنقدر نژادپرست بود که هرچه ایرانیان این منطقه اعتراض می‌کردند روس‌ها کاری نمی‌کردند. خب البته این وضع به نفع روس‌ها بود. من نام این نوشته‌ها را «ادبیات ایران‌هراسی» (Persophobic) گذاشته‌ام.

یک مجله‌ی کاریکاتوری در این منطقه چاپ می‌شد به نام «ملانصرالدین» که کاملا ضدایرانی بود. من مقداری از این کاریکاتورها را دیده‌ام. یکیشان نشان می‌داد که افراد پارسی زبان همه خر هستند با گوش‌های دراز. جالب این که ترک‌ها را به صورت سفیدپوست و مانند هرکول نشان می‌داد اما ایرانیان را کوچولو و سیاه رنگ نشان می‌داد به شکل شیطان. خیلی به خط فارسی حمله می‌کنند.

سوچوکفسکی (Swietochowski) که طرفدار این پان‌ترک‌ها است چنین می‌گوید: «نفوذ زبان پارسی به عنوان زبان برتر ادبی در آذربایجان آران شکسته شد و زبان سنتی آذری که زبانی مصنوعی بود پر از واژه‌های زبان‌های ایرانی، طرد شد. این فرآیند «تغییر فرهنگی» از آغاز از پشتیبانی تزارها برخوردار بود. زیرا مردم آذربایجان آران همچنان خود را ایرانی می‌دانستند و تزارها مشتاق خشی کردن این وضعیت بودند.»

این سیاست کاملا موفق نبود زیرا تالش‌ها همچنان تا همین امروز خود را ایرانی می‌دانند.

این سیاست در زمان شوروی هم ادامه یافت. در بین سال‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۴۱ شوروی‌ها خیلی زور زدند، حتی بیشتر از دوران تزارها که ارتباط‌های فرهنگی ایران با قفقاز و به ویژه آسیای میانه قطع شود. یکی از واژه‌های اختراعی آنها «آذربایجان بزرگ» بود و هدفشان هم «اتحاد» آذربایجان شمالی و جنوبی. اصطلاح‌هایی که برای آذربایجان اصلی در ایران و منطقه‌ی آران در قفقاز که نامش را به جمهوری آذربایجان تغییر داده بودند، اختراع کردند.

کلارژ (Kolarz) می‌گوید: «شوروی‌ها مانند تزاری‌ها مشتاق بودند که هرگونه پیوند بین آذربایجان آران و ایران را انکار کنند.» نقش استالین این بود که کتاب‌های تاریخی را در راه اهداف سیاسی و نظامی خودشان تغییر داده و جعل کنند. آنقدر کار شور بود که لئون تروتسکی که در آغاز دوست استالین بود و بعدها در مکزیک کشته شد، نام این را گذاشت «مکتب جعل تاریخ استالینی». بعد نام آذربایجان که پان‌ترکیست‌ها به آران دادند به شوروی امکان داد که ادعاهای سرزمینی

روی خاک ایران پیدا کنند به آذربایجان واقعی که در ایران است. شخصیت‌های ایرانی را تغییر می‌دهند و به قول خودشان آنها را «آذربایجانی» می‌کنند. مثلا استالین درباره‌ی نظامی گنجوی گفت: «شاعر بزرگ برادران ما در «خلق آذربایجان» نباید به ادبیات ایران تسلیم شود».

اما نظامی گنجوی از بزرگترین شاعران ایرانی و جزو ستون‌های ادب زبان پارسی است. بزرگترین و معروف‌ترین کارهای نظامی مربوط به تاریخ ایران است مانند خسرو و شیرین یا هفت‌پیکر (که به آن بهرام‌نامه هم می‌گویند). نظامی عاشق ایران و فرهنگ ایران بود و همان شاعری است که با افتخار سروده است: «همه عالم تن است و ایران دل - نیست گوینده زین قیاس خجل»

بله. دقیقا! اما استالین می‌گفت: «نظامی مجبور شده بود که به زبان فارسی شعر بگوید. و این شاهدهی تاریخی‌ست از ظلم ایرانیان به اقلیت‌ها». حرف‌های پان‌ترکیست‌ها را که ببینید تکرار همین حرف‌هاست. مکتب تاریخ‌نگاری استالین حتی بیشتر رفت و پیشنهاد کرد که تمام ارجاع‌ها به فرهنگ ایرانی و زبان پارسی شخصیت‌های برجسته‌ی مانند نظامی گنجوی باید «پان‌ایرانسم» خوانده شود. (مانند پان‌ترکیسم خودشان)

خانم نسرین مهدیووا (Nazrin Mehdioyova) که تاریخ‌نگار جمهوری آذربایجان است می‌نویسد: «افسانه‌ی آذربایجان شمالی و جنوبی در زمان شوروی اختراع شد تا تلقین کند که یک آذربایجان واحد وجود داشته و ارتباط جمهوری آذربایجان را با ایران قطع کند. برای این که چنین جعل تاریخی پذیرفتنی‌تر شود مقامات شوروی مدرک‌های تاریخی را جعل کردند و کتاب‌های تاریخ را بازنویسی کردند. در نتیجه امروزه این افسانه در ذهن مردم جمهوری آذربایجان حک شده است.»

بحث نظامی گنجوی و افسانه‌ی آذربایجان شمالی و جنوبی بسیار جالب است. اما شوربخانه فرصت این گفت‌وگو به پایان رسید. امیدوارم بتوانیم به زودی گفت‌وگوی جداگانه‌ای درباره‌ی آن انجام دهیم. به خاطر این گفت‌وگو از شما بسیار سپاسگزارم.

بله. من هم امیدوارم. از شما هم سپاسگزارم.

جلسات مشارکت مسیحیان فارسی زبان در مونترال

برای شرکت در این جلسات لطفا با شماره
۱۷۷۱-۲۱۱-۴۳۸ تماس بگیرید

مژده

برنامه‌ی تلویزیونی «امید زنده»

هر پنجشنبه ساعت ۸ تا ۹ شب از کانال تصویر ایران پخش می‌شود.

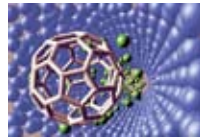
خبرهایی از دانش و فناوری

نگاهی به چشم اندازه‌های آینده بیوتکنولوژی: درآمد زیاد با الاینده‌های کم

در جهان پیشرفته، یکی از وظایف تکنولوژی آن است که با قابلیت‌های خود به مبارزه با مشکلات برخاسته و رفاه و آسایش را برای نوع بشر به ارمغان بیاورد. بیوتکنولوژی با همان فناوری زیستی نیز از این قاعده مستثنی نیست و از این رو انسان‌ها سعی دارند پتانسیل‌های این فناوری را بیش از پیش به عرصه‌ی ظهور برسانند. قبلاً که قیمت نفت با سرعت صعودی خود در حال ترقی بود، سیاستگذاران به این امید بودند که با کمک بیوتکنولوژی، جایگزین‌هایی را برای نفت و مشتقات آن یافته و از فشار وارد بر اجتماع بکاهند ولی حال که قیمت نفت کاهش یافته و رکود بر جهان حاکم شده است، گروهی به این فناوری به عنوان وسیله‌ای برای ایجاد اشتغال و برون‌رفت از رکود می‌نگرند. البته مفهوم بیوتکنولوژی در کشورهای پیشرفته و کشورهای در حال توسعه نیز متفاوت است چون در کشورهای پیشرفته این فناوری سطوح اولیه خود را طی کرده و بیشتر به دنبال داروهای جدید و سامانه‌های ژنتیکی هستند در حالی که در کشورهای در حال توسعه هنوز این فناوری توسعه اولیه خود را طی نکرده ولی در هر صورت کشورها در هر سطحی از این فناوری، می‌توانند از این ابزار برای افزایش رفاه شهروندان خود به نحو مناسبی بهره برداری کنند. به طور مثال کشورهای چین و هند از این فناوری برای تولید سوخت‌های بیواتانول و بیودیزل استفاده کرده اند.

به تازگی در ناحیه‌ای کارگری در شمال شرقی شهر شارلوت که یک کارخانه نساجی تمام اقتصاد شهر را به حرکت درمی آورد، یک مجتمع جدید با سنگ‌های ایتالیایی، ساختمان‌های بسیار زیبا و تجهیزات آزمایشگاهی چندمیلیون دلاری برپا شده است. در این مجتمع سه ساختمان مدرن قرار دارد که در بالای یکی از آنها، گنبد بزرگی به چشم می‌خورد. این مجتمع متعلق به شرکت Biopolis است که کمپ اختصاصی برای تحقیقات در زمینه بیوتکنولوژیست. شرکت بیوپولیس این مرکز را به نام «مجتمع تحقیقاتی کارولینای شمالی» نام‌گذاری و بیش از ۵۰۰ میلیون دلار برای آن هزینه

کرده است. ساخت این مجتمع نشان دهنده رقابت صنایع بیوتکنولوژی است. در حال حاضر چندین شهر آمریکا سعی دارند به نوعی قمار دست بزنند یعنی با صرف میلیون‌ها دلار از مالیات مردم، زیرساخت‌هایی را به صورت پارک‌های تحقیقاتی و آزمایشگاه برپا کنند تا باعث جذب صنایع مرتبط با بیوتکنولوژی شود. این صنایع از آن جهت مورد توجه قرار می‌گیرند که دارای آلودگی کم و درآمدهای زیاد هستند.



اخیراً در همایش جهانی بیوتک در آتلانتا، ۲۷ ایالت از جمله هاوایی و اکلاهما هر یک حدود صد هزار دلار برای جلب شرکت‌های فعال در این عرصه هزینه کردند. تمام این تلاش‌ها

برای یک صنعت با ریسک زیاد است که در چهار دهه‌ی گذشته فقط یک سال سودده بوده است. افراد دلبین دو مشکل اصلی برای رقابت در عرصه بیوتکنولوژی را این گونه شرح می‌دهند: اول آن که در آمریکا پایه‌های این صنعت در شهرهایی مثل بوستون، سن دی‌گو و سانفرانسیسکو قرار دارد یعنی این صنعت نه تنها نیازمند دانشمند است بلکه به افراد مجرب اجرایی نیز جهت هدایت صنعت و اخذ مجوزهای سخت برای داروها نیاز دارد. پیسانو استاد دانشکده تجارت هاروارد و نویسنده کتاب «تجارت علم: انتظارات، واقعیت و آینده تکنولوژی» معتقد است «اکثر این ایالت‌ها احتمالاً نخواهند توانست از شانس توسعه‌ی یک صنعت بیوتکنولوژی پویا در خود بهره مند شوند.» او می‌افزاید شما همیشه می‌توانید تعدادی از انسان‌های فرهیخته را به خدمت بگیرید ولی نیاز است مسائل بحرانی را نیز حل کنید. مشکل دوم آن است که بیوتکنولوژی یک صنعت نسبتاً باریک است که فرآیند توسعه‌ی محصول آن طولانیست و حتی در این گروه طویل نیز فقط دسته‌ای خاص از فرصت‌های شغلی را ایجاد می‌کنند مثلاً در آمریکا فقط ۴۳ شرکت با پرسنلی بیش از هزار نفر وجود دارد که در زمینه بیوتکنولوژی فعالیت دارد. البته باید توجه داشت هیچ تضمینی وجود ندارد تا روای تولید یک داروی جدید دقیقاً در همان محلی جامه عمل بپوشد که قبلاً تحقیقات و بازاریابی آن انجام شده است. کارترایت اقتصاددانی است که خوشه‌های صنعت بیوتکنولوژی را مورد مطالعه قرار داده است. او

به داروهای ضدلوکمیا اشاره می‌کند که در دانشگاه علوم بهداشتی اورگون در پورتلند روی آن کار شده است. او می‌گوید: «تأثیر اقتصادی این تحقیقات در ایالت پورتلند نزدیک به صفر بوده است چون حقوق مربوط به ساخت و بازاریابی این دارو قبلاً توسط شرکت Novartis خریداری شده بود.» درباره تلاش ایالت‌ها برای جلب نظر صاحبان صنایع بیوتکنولوژی می‌توان به ایالت فلوریدا و ناحیه‌ی پالم‌بیچ اشاره کرد که حدود ۵۱۰ میلیون دلار را در اختیار موسسات تحقیقاتی قرار داده تا بتوانند ۵۴۵ نفر را استخدام کنند. البته تعدادی از مقامات اقتصادی معتقدند ارزش خوشه‌های صنعت بیوتکنولوژی را تنها با دلار نمی‌توان بیان داشت. به عنوان مثال پلتن که رئیس شورای توسعه اقتصادی در ایالت فلوریدا است، متذکر شد میلیون‌ها دلاری که دولت صرف ترغیب موسسه‌ی تحقیقاتی اسکرپیس به ناحیه پالم‌بیچ کرد، باعث ایجاد یک سری عکس‌العمل‌های زنجیره‌ای شد. این موسسه کمک‌های ایالتی و محلی به ارزش ۳۲ میلیون دلار به همراه یک ساختمان و مقداری زمین دریافت داشت. همه‌ی اینها باعث شد این ناحیه سریع‌تر رشد کرده و به تخت‌های بیمارستانی بیشتر نیاز داشته باشد که ساخت یک بیمارستان ۳۰۰ تختخوابه را در پی داشت. موسسات تحقیقاتی موجود در این ناحیه باعث بهبود آموزش علوم و ریاضیات شدند که ساخت یک مدرسه نیز از تبعات بعدی آن است. جهت راه اندازی یک شاخه‌ی پویا از بیوتکنولوژی بعضی از زمینه‌ها به فراتر از ژنتیک رفته و زمینه‌هایی مثل سوخت زیستی، کشاورزی، تجهیزات پزشکی و حتی تحقیقات در زمینه تروریسم زیستی (بیوتروریسم) را نیز شامل شده‌اند. در شهر کاناپولیس تمرکز صنعت بیوتکنولوژی بر غذا و تغذیه است که این نه به خاطر تخصص‌های موجود در این شهر بلکه به دلیل وجود شخص پولداری به نام دیوید مرداک است که سلامتی و بهداشت از دغدغه‌های اوست و نیز اولین کسی‌ست که ایده‌ی تاسیس شرکت بیوپولیس را مطرح ساخت که امروز از جمله مراکز پیشرو در این زمینه و ازانامداران در حیطه محیط زیست و فناوریست.

این مقاله بر گرفته از مجله‌ی نیویورک تایمز (۲۰۰۹) بوده و مشروح ترجمه‌ی آن در روزنامه‌ی اعتماد به چاپ رسیده است.



POINTE CLAIRE DENTAL HEALTH CENTER

دکتر رامین میرموجی

دندانپزشک در کلینیک مجهز وست آیلند
از دوشنبه تا شنبه برای هموطنان

Tel: (514) 695-8641
6600 Trans Canada Hwy., Suite 806
Pointe Claire, QC H9R 4S2

www.WestIslandDental.com

Aut-40

Holiday

Hymus

St-Jean



خانواده‌های محترم مهاجر!

خانه فرهنگ صبا و شرکت مولتی سائر کلاسهای آموزش زبان فرانسه را در زمینه های زیر، با همکاری گروهی از باتجربه ترین دانشگاهیان، برگزار می کند:

1. زبان فرانسه در سه سطح پایه، میانه و پیشرفته (نوشتار و گفتار)
2. آزمونهای ورودی دبیرستانهای خصوصی و بین المللی
3. آزمونهای دولتی (پزشکان، مهندسان، ...)
4. کمک به انجام تکالیف درسی دانش آموزان دبیرستان وکالج.

با توجه به شرایط مهاجران جوان و نوجوان عزیز، کلاسها با مناسب ترین بهای پرداخت و در فضایی آرام برگزار می شوند.

✓ تخفیف و امکانات ویژه برای مهاجرین تازه وارد

Tel: (514) 481- 14 33

روزهای نام نویسی: نوشته تا شنبه از 12-6:30 بعدظهر

Email: sabaahome@gmail.com
Multissage@gmail.com

5124-A Sherbrooke west Cor ner Vendome Av.Metro Vendome

روز چهارشنبه، ششمین روز از سال ۲۰۱۰، حوالی ساعت ۷، فرهنگسرای تازه تاسیس سینا، میزبان امامیار حسن‌ف، هنرمند آذربایجانی و همچنین هنرمندان گروه داستان حمید متبسم و پژمان حدادی بود. قریب به ۸۰ شرکت کننده از این برنامه بهره بردند. حمید متبسم، آهنگساز، نوازنده تار و سه تارو، سرپرست گروه داستان، طی سفرش به مونترال جهت کنسرت پنجره‌ای به سوی آفتاب، به معرفی پروژه عظیم سیمرغ پرداخت. جلسه با پذیرایی از حضار با غذای سرد و نوشیدنی آغاز شد. در ابتدا خانم آیدا شاه قاسمی، مترجم انگلیسی پروژه، به معرفی داستان سیمرغ به زبان انگلیسی پرداخت. وی سیمرغ را که داستان زادن و بالیدن زال و همچنین دل‌باختگی او بر رودابه دختر مهرباب شاه کابلی است، یکی از زیباترین و از نظر ساختاری پیچیده‌ترین بخش‌های شاهنامه معرفی کرد و افزود که فردوسی در این داستان دغدغه‌های انسانی همچون بخت و سرنوشت و آرزو و ترس و بدنامی، و همچنین نیازهای انسان چون نام‌آوری و دلداگی و عشق را در زیر سقف یک داستان حماسی گردهم آورده است. وی خاطر نشان ساخت که سیمرغ گذشته از برجستگی‌های زیبایی شناختی ادبی خود از یک موسیقی درونی نیز برخوردار است، عاملی که شاید حمید متبسم را به خلق این اثر ترغیب کرده باشد.

سپس بخشی از تمرین پروژه سیمرغ در تهران به نمایش گذارده شد. ارکستری عظیم به آهنگسازی حمید متبسم و رهبری محمد رضا درویشی با بیش از ۴۰ نوازنده و تک خوانی همایون شجریان، از این داستان عمیق شاهنامه، «اپرایی» ایرانی آفریده که ضمن رعایت اصول موسیقایی و هارمونیک غربی، کاملاً شرقی شده بود. پختگی قطعه پخش شده که حاصل تمرینی کوتاه مدت بود نشان از آن داشت که نسخه نهایی، شاهکاری به یاد ماندنی در موسیقی ایرانی خواهد شد. متبسم، که کارهایش تا کنون نیز به دلیل توانایی‌های ویژه او در خلق آثار چند صدایی برای سازها و دستگاه‌های موسیقی ایرانی ویژه و متمایز بوده‌اند، این بار با برگزیدن داستان سیمرغ و نوشتن یک اثر چندآوایی برای ارکستر سازهای ملی دست به کاری بزرگ زده است، کاری که دشواری‌های خلق اثر موسیقایی بر مبنای شاهنامه، و دشواری کمبود امکانات موسیقی سنتی ما در زمینه موسیقی چند صدایی را یک‌جا در خود دارد.

سپس خانم شاه‌قاسمی به معرفی سایت سیمرغ پرداخت و مشکلات پیش رو را بیشتر توضیح داد. او

پروژه موسیقی سیمرغ را تلاشی گسترده و عمیق در جهت بازسازی بخشی از فرهنگ ایرانزمین، و معرفی آن در سرتاسر جهان دانست. وی افزود: این پروژه که نزدیک به سه سال پیش آغاز شد، اکنون پس از گذر از مراحل پژوهش بر روی شاهنامه، گزینش اشعار، روایت موسیقایی آنها و نت نویسی، گام بگام به مرحله اجرا نزدیکتر می‌شود. اجرایی درخور نیازمند امکانات فراوان انسانی، مادی و فرهنگی است و مواجه با مشکلاتی فراوان. مشکلاتی که تنها با همدلی و یاری هموطنانمان در سرتاسر دنیا مرتفع شده و خواهد شد. وی همچنین به مشکل مالی و تأمین هزینه‌های سفر ارکستر اشاره کرد و بودجه‌ای که تنها توسط اسپانسرهای شخصی تأمین می‌شود.

«سیمرغ» باری است بسیار بزرگ، و حمل آن نیازمند شانه‌های همه کسانی است که دل در گرو کار خلاقه

که موسیقی‌دان دقیقاً برای آفریدن یک اثر بر مبنای متنی چون شاهنامه است که احتیاجی مبرم به یک رنگین کمان بزرگ آوایی دارد، تا بتواند با استفاده از رنگ‌های گوناگون و آمیختن آنها با یکدیگر، اثری بیافریند که خواننده بتواند به هنگام شنیدن آن هم در احساسات گوناگون قهرمانان سهیم شود و هم تک تک صحنه‌های داستان را در عالم خیال تصور کند. دشواری این کار تا کنون موسیقی‌دانان را از پرداختن به شاهنامه بازداشته است. وی سپس از تجربه شخصی‌اش در نوشتن قطعه یاد کرد و اینکه این سه سال چگونه تحت تأثیر فردوسی، شب و روز را به خلق موسیقی سیمرغ گذرانده. آقای متبسم سپس در جواب این سوال که آینده موسیقی ایران را چگونه می‌بینید گفت، در زمان تمرین با جوانان ارکستر سیمرغ، که اغلب داوطلبانه و با عشق کار می‌کردند، نگاهی به چندین کامچه روی

سیمرغ در سینا



فرهنگی دارند و در صد آند، با سهیم شدن در این پروژه و حمایت مالی از آن، دین خود را به فرهنگ و هنر ادا کنند. «سیمرغ» یک

پروژه باز است و همه اشخاص - چه حقیقی و چه حقوقی - می‌توانند در به ثمر رساندن

آن همراه شوند. سپس از آقای متبسم دعوت شد تا ضمن معرفی بیشتر پروژه بخشهایی از شعر سیمرغ را برای جمع بخواند. آقای متبسم به فقدان یک سنت جدی و طولانی ارکستراسیون و موسیقی چند صدایی در موسیقی ایرانی اشاره کرد و افزود گذشته از اینکه ساز ایرانی بنا بر طبیعتش ساز تکنوازی است، باید با افسوس گفت که علم موسیقی در کشور ما عمری کمتر از صد سال دارد، که آن نیز با فراز و نشیب‌های فراوان همراه بوده است. از همین رو است که خلق آثار موسیقایی بر پایه منظومه‌های زبان پارسی تا کنون بیشتر در بستر ارکستر سمفونیک و فیلارمونیک انجام گرفته است، که بیژن و منیژه امیرحسین دهلوی و رستم و سهراب لوریس چکنوازیان از نمونه‌های برجسته‌اند. ارکستراسیون، یا هم‌نوازی ارکسترال سازهای ایرانی از تاریخ چندانی برخوردار نیست و شمار آثار خلق شده در این زمینه از انگلستان یک دست تجاوز نمی‌کند. سرپرست گروه داستان اضافه کرد که این در حالی است

زمین انداختم و به نوازندگانش گفتم: در دوره ما، این تعداد کامنچه در بازار نبود چه برسد به نوازندگانش. وی اضافه کرد که هر گوشه و سبک موسیقی در ایران اندک اندک و علیرغم مشکلات فراوان، جایگاه خودش را پیدا کرده و رو به رشد است. وی با اشاره به جوانانی که با وی همکاری می‌کنند، آینده موسیقی در ایران را مثبت ارزیابی کرد.

در پایان، قطعه‌ای از کنسرت پنجره‌ای رو به آفتاب، توسط حمید متبسم (سه‌تار)، پژمان حدادی (تمبک) و امامیار حسن‌ف (کمانچه آذری) اجرا شد. در پایان علیرغم تمامی به به و چه چه‌ها از تلاشها و حفظ فرهنگ ایران‌زمین و شاهنامه و ...، بجز یک مورد، کمکی به گروه نشد. او اسن شب‌ها را ایجاد کرد که حفظ و اشاعه فرهنگ ایرانی تا آنجایی برای ایرن دوستان شهر ما خوب است و خواستنی که در حد حرف باشد و بی زحمت.

Minoo Eslami

Cell : 514-967-5743

Agent immobilier affilié
Minoo.eslami@century 21.ca

مینو اسلامی

مشاور املاک در مونترال
مسکونی و تجاری
تهیه وام مسکن



هفته

را مشترک شوید!



تیم قطبی به باخت عادت کرده؟ نه! اولی اتفاق بود، بقیه را هم حساب نکنید

افشین قطبی هفته‌ی گذشته در جلسه‌ی کمیته‌ی فنی تیم‌های ملی شرکت کرد تا از دستاوردهایش در تورنمنت قطر و بازی با سنگاپور همچنین برنامه‌های آتی تیم ملی بگوید. بعد از این جلسه وی در مصاحبه‌ای با روزنامه‌ی ورزشی خبر در ایران چنین آغاز کرد: «نمی‌دانم برخی منتظر بودند که چه اتفاقی در این جلسه رخ دهد اما صحبت‌های مطرح شده در این نشست برخلاف آن چیزی بود که عده‌ای دنبالش بودند و افراد حاضر نظرات مختلفی درخصوص تیم ملی داشتند که می‌تواند به سود تیم باشد.» بعد از این جمله سوال هایی از سوی خبرنگار روزنامه‌ی خبر ورزشی مطرح شد که مواردی از آن در زیر آمده است:

در چند روز اخیر مخصوصاً بعد از دو باخت تیم ملی مقابل قطر و مالی انتقادات زیادی از شما و تیم‌تان شد، نظری در این مورد ندارید؟

ما در بازی با قطر فقط دقائق ابتدایی را بد بازی کردیم و بعد خیلی خوب توانستیم به بازی برگشته و گل‌های خورده را جبران کنیم. گلی که در ثانیه‌های پایانی این مسابقه دریافت کردیم روی یک اتفاق بود اما کمتر کسی درخصوص آن صحبت کرد. باور کنید فردای این بازی روزنامه‌های قطری بازی تیم ملی را با یک تیم جوان و بدون لژیونرهایش تحسین کردند و اعتقاد داشتند تیم ملی کشورشان باید بهتر از اینها بازی می‌کرد.

بازیکنان تیم قطر پنج سال است که در کنار یکدیگر بازی می‌کنند و هدف بزرگی در جام ملت‌ها که خودشان میزبان آن هستند، دارند.

چرا در بازی با مالی با یک ترکیب کاملاً متفاوت به میدان رفتید در حالی که

معتقدید در بازی اول خوب بازی کردید؟

بازی ما با قطر باید یک روز زودتر برگزار می‌شد اما به خاطر روز عاشورا، جلو افتاد و به این خاطر مجبور شدیم ۴۸ ساعت بعد از بازی اول به میدان برویم و فرصت بسیار کمی برای استراحت داشته باشیم. در ثانی امکانش نبود در هشت روز و در سه بازی با یک ترکیب بازی کنیم. طبیعی بود که در بازی با مالی با ترکیبی متفاوت با بازی اول به میدان برویم که اتفاقاً بازی را خیلی خوب شروع کردیم اما گل آفساید مالی شیرازه‌ی تیم ما را برهم زد. متأسفانه هیچ‌کس ننوشت و نگفت این گل آفساید بود و مالی با ۹ لژیونرش مقابل تیم ایران قرار گرفت و در کل جریان بازی آنها برتری‌ای نسبت به ما نداشتند. فراموش نکنید قطر هم مثل ما مجبور شد در دیدار بعدی با ترکیبی متفاوت به میدان برود و آنها هم مقابل کره‌شمالی شکست خوردند.

بعد از بازی با کره‌شمالی گفته می‌شود این تیم به خاطر صدرنشینی در تورنمنت انگیزه‌ای برای بازی با ایران نداشت. متأسفانه همین است و نقدها و صحبت‌ها عادلانه نیست. کره‌شمالی خودش را برای جام جهانی آماده می‌کند و مقابل ایران یک آزمون سخت داشت که شکست خورد. اگر آنها انگیزه برای این بازی نداشتند با نفرت اصلی به میدان نیامده و آنقدر در زمین دوندگی و تلاش نمی‌کردند.

منتقدان شما معتقدند تیم قطبی به باخت عادت کرده است، در این باره چه نظری دارید؟

تیم ملی با سرمربیگری من در شش بازی رسمی به میدان رفته که چهار بازی آن در خانه ی حریفان برگزار شده است. در این شش مسابقه مقابل اردن و در زمین این تیم بدون لژیونرها باختیم که آن هم یک اتفاق بود، بقیه شکست‌ها در دیدارهای تدارکاتی بود که نمی‌تواند به حساب بیاید چون هدف یک تیم در یک بازی دوستانه چیز دیگری است. ما بازی دوستانه انجام می‌دهیم که ترکیب تیم را بهتر شناخته و به هماهنگی برسیم و برای نتیجه گرفتن در این مسابقات به میدان نمی‌رویم. البته قبول دارم

که تیم ملی نباید به باختن عادت کند و در هر مسابقه‌ای باید برای پیروز شدن بجنگد.

این روزها صحبت می‌شود از اینکه برخی بازیکنان تیم ملی برای تفریح به اردوی تیم ملی آمده بودند. البته این حرف را معدنچی زده، شما هم قبول دارید؟

در شرایط فعلی دوست ندارم به این سوالات حاشیه‌ای جواب بدهم و سعی می‌کنم کمتر این مطالب را در روزنامه‌ها بخوانم. ما اردوی خوبی در قطر داشتیم و صحبت‌هایی که درخصوص تیم ملی می‌شد واقعیت نداشت. به طور مثال بحث بازوبند کاپیتانی که نوشته بودند بین من و کمی مشکل به وجود آمده، اصلاً اینطور نبود. رفتار کمی در این قضیه مانند یک بازیکن حرفه‌ای بود و تعجب کردم که چرا آن شایعات به



وجود آمد. ضمن این‌که هیچ بازیکنی برای تفریح به قطر نیامده بود و همه‌ی بازیکنان حرفه‌ای رفتار کردند.

از نحوه‌ی خوشحالی شما بعد از گل به سنگاپور خیلی ایراد گرفته می‌شود، دفاعی در این زمینه از خود دارید؟

من همیشه از گل‌زنی تیم خوشحال شده‌ام و زمانی هم که در پرسپولیس بودم به شکلی که گفتید خوشحالی می‌کردم. در حال حاضر آمادگی بدنم نسبت به آن زمان افزایش یافته و برای همین خوشحالی‌ام چشمگیرتر بود. می‌خواهم طوری بدنم را آماده کنم که از این پس مثل یک ژیمناست پشتک هم بزنم (خنده)، من عاشق مملکت هستم

و بابت پیروزی تیم ملی باید هم خوشحال شوم، انتقاداتی که در این زمینه از من می‌شود دور از انصاف بوده و بهتر است منتقدین درخصوص مسائل فنی صحبت کرده و ایراد تاکتیکی بگیرند. من از انتقاد فنی ناراحت نمی‌شوم اما این صحبت‌ها آزارم می‌دهد.

تیموریان گفته است تیم ملی جاسوس دارد، همین‌طور است؟

برای این سؤال‌ها جوابی ندارم چرا که همه‌ی ما تلاش خود را به کار گرفته‌ایم تا یک تیم ایده‌آل و حرفه‌ای داشته باشیم. برای ساختن چنین تیمی نیاز به زمان است، مثل زندگی که برای رسیدن به موفقیت باید وقت گذاشت و تلاش کرد، با هوش و تلاش و یکدل بودن خیلی از مسائل حل می‌شود. اگر قبل از حرف زدن فکر کنیم، می‌توانیم موفق‌تر باشیم.

راست است که شما گفته بودید دوپینگ در ورزش ایران وجود دارد؟

به این سؤال، آقای هاشمیان که مسئول کمیته‌ی ضد دوپینگ است، باید جواب بدهد.

برخی کارشناسان ادعا کرده‌اند که میانگین سنی تیم ملی ۲۷ تا ۳۰ سال است، واقعاً این‌طور است؟

اتفاقاً این صحبت‌ها را از قول یکی از کارشناسان در تلویزیون شنیدم و حساسی تعجب کردم. من میانگین تیم را بعد از بررسی‌های انجام شده، ۲۵ سال می‌دانم. برخی نفرت هم شاید قبلاً سابقه‌ی دعوت شدن به تیم ملی را داشته باشند اما واقعیت این است که آنها الان به بازیکنان فیکس تیم ملی تبدیل شده‌اند.

هنوز هم اصرار دارید که تیم ملی باید هوایم‌ای اختصاصی داشته باشد؟

در بازگشت تیم ملی به ایران پرواز ما ۱۸ ساعت تأخیر داشت و این مسئله نشان می‌دهد که حرف من درخصوص داشتن هوایم‌ای اختصاصی برای تیم ملی منطقی بوده است. تیم ملی باید بهترین امکانات و شرایط را داشته باشد تا بازیکنان به موقع در تیم‌های باشگاهی خود حضور پیدا کنند، این نوع سرمایه‌گذاری به نفع تیم ملی خواهد بود.

لیگ برتر فوتبال ایران ۸۸-۸۹ هفته بیست و دوم										
رتبه	تیم ها	بازی	برد	مساوی	باخت	زده	خورده	+/-	امتیاز	
۱	سپاهان	۲۱	۱۳	۵	۳	۴۱	۱۷	۲۴	۴۴	
۲	ذوب آهن اصفهان	۲۲	۱۱	۸	۳	۳۵	۲۲	۱۳	۴۱	
۳	پرسپولیس	۲۲	۸	۱۰	۴	۳۲	۲۵	۷	۳۴	
۴	استقلال تهران	۲۲	۸	۹	۵	۳۱	۲۴	۷	۳۳	
۵	استیل آذین	۲۲	۸	۹	۵	۳۸	۳۴	۴	۳۳	
۶	پیکان	۲۲	۸	۹	۵	۲۵	۲۱	۴	۳۳	
۷	تراکتورسازی	۲۲	۸	۸	۶	۲۹	۲۶	۳	۳۲	
۸	ملوان	۲۲	۸	۸	۶	۲۱	۲۶	-۵	۳۲	
۹	مقاومت شیراز	۲۱	۷	۹	۵	۲۶	۲۱	۵	۳۰	
۱۰	صبا قم	۲۲	۷	۴	۱۰	۳۲	۲۲	۰	۲۸	
۱۱	سایپا	۲۲	۷	۷	۸	۲۸	۳۴	-۶	۲۸	
۱۲	استقلال اهواز	۲۲	۷	۶	۹	۲۷	۳۶	-۹	۲۷	
۱۳	پاس همدان	۲۲	۶	۶	۱۰	۲۳	۲۹	-۶	۲۴	
۱۴	شاهین	۲۲	۴	۱۱	۷	۲۶	۲۸	-۲	۲۳	
۱۵	مس کرمان	۲۲	۶	۵	۱۱	۳۱	۳۹	-۱۰	۲۳	
۱۶	فولاد خوزستان	۲۲	۳	۱۱	۸	۱۷	۲۱	-۴	۲۰	
۱۷	راه آهن	۲۲	۴	۸	۱۰	۲۴	۳۴	-۱۰	۲۰	
۱۸	ابومسلم	۲۲	۲	۹	۱۱	۱۸	۳۵	-۱۸	۱۵	

Clinique Dentaire Pearl

دکتر علی شفیعی
دندانپزشک

■ دندانپزشکی زیبایی ■ ارتدنتی برای کودکان زیر ده سال

■ سفید کردن دندان ها ■ پرتز های ثابت و متحرک

دوشنبه و سه شنبه تا ۵ غروب
پنج شنبه و جمعه تا ۸ شب - شنبه ۸ صبح تا ۵ غروب

Tel : (514) 685 - 6222
4531 Boul Des Sources Suite 201. Roxboro QC, H8Y 3C4

رایاتک

متخصص تبلیغات و بهینه سازی روی گوگل (Google)

- پشتیبانی وب
- طراحی وب سایت
- تبلیغات روی اینترنت
- بهینه سازی روی جستجوگر ها (SEO)

tel. 514.975.2111
info@Rayatec.net
www.RayaTec.net

ساخت خانه نو با گارانتی APCHQ

تعمیر و توسعه فضاهای مسکونی و تجاری

CONSTRUCTION MKD INC. Résidentiel et commercial
R.B.Q. 8356-5994-35

ALI KHAGHANI
Entrepreneur général

mkd

TÉL. 514.574.5743
FAX. 514.365.8951
mkd.inc@gmail.com

اخبار ورزشی

مشاهده می شود. پرسپولیس که به دلیل صعود از مرحله ی گروهی لیگ قهرمانان آسیا در فصل پیش، همچنان در میان دیگر تیم های ایرانی وضعیت بهتری دارد، با کسب ۵۷۶ امتیاز در رده ی ۲۴۷ قرار گرفته است. سپاهان با ۵۷۰ امتیازی که کسب کرده در جایگاه ۲۸۴ ایستاده و ذوب آهن هم با ۵۶۶ امتیاز در رده ی ۳۲۰ قرار گرفته است. استقلال هم با ۶۳۰ امتیاز در جایگاه ۳۳۰ قرار دارد. در رده بندی ۱۰ تیم برتر جهان در سال ۲۰۰۹، بارسلونا اسپانیا با ۳۴۱ امتیاز صدر نشین است.



فرید زرینه پزشک تیم فوتبال پرسپولیس در مورد آخرین وضعیت بازیکنان این تیم در آستانه ی دیدار با شاهین بوشهر اظهار کرد: «وضعیت بازیکنان رضایت بخش است ولی شیت رضایی که در دیدار با ذوب آهن از ناحیه ی عضله دو قلوبی پا دچار کشیدگی شده، تا یک ماه نمی تواند بازی کند ولی در هر صورت تلاش می شود تا هر چه سریع تر مشکلس برطرف شود.»

کمد داور بین المللی فوتبال ایران که برای قضاوت جام ملت های آفریقا به انگولا رفته است، در تست آمادگی بدنی موفق ظاهر شده و به همراه تیم داوریش دیدار مصر و نیجریه را قضاوت خواهند کرد.

مهدی مهدوی کیا بازیکن ایرانی تیم فوتبال «اینترراخت فرانکفورت» آلمان گفت: علاقه مندم که حداقل تا ۲ سال دیگر به بازی در لیگ فوتبال آلمان (بوندسلیگا) ادامه دهم.

بعد از ظهر دوشنبه طی جلسه ای، اعضای هیات مدیره ی باشگاه استقلال موفقیت در دو مسابقه ی آینده ی تیم استقلال را ملاک ارزیابی و تصمیم درباره ی سرمربی این تیم قرار دادند.

بهزاد غلامپور مربی دروازه بانان تیم فوتبال استقلال تهران تاکید کرد که در صورت اصرار فدراسیون فوتبال بر اردوهای بی ارزش تیم ملی دیگر بازیکنی را در اختیار افشین قطبی نخواهند گذاشت.

یک روز پس از توقف استقلال تهران برابر سایپا کرج، مجید نامجو مطلق به کادر فنی این تیم اضافه شد ضمن این که علی رغم همه ی شایعاتی که در زمینه ی استعفای صمد مرفاوی منتشر شد، تمرین این روزهای تیم استقلال با حضور این مربی برگزار می شود.

سایت رسمی فدراسیون جهانی تاریخ و آمار فوتبال، پس از پایان سال ۲۰۰۹، رده بندی تیم ها را در این سال اعلام کرد که در این فهرست نام تیم های پرسپولیس، استقلال، سپاهان و ذوب آهن هم



گفت یک شب ...

■ نیما دهقانی

گفت یک شب «سورمه ای» با «سبز»: هی! حرف سر بسته زدن گو تا به کی؟ تا به کی در قامت برگ و درخت طرح این ایدئولوژی های سخت رنگی ار تو... تا به کی پنهان شدن تا کی اندر دشت و در دامان شدن تا به کی در ساقه ها در برگ ها در کلروفیل و در گلبرگ ها... تا به کی تز دادن و قول سخیف تا به کی روشنگری های خفیف چند خواهی در چمن ها گم شوی تا کجا خواهی گم از مردم شوی رنگ باید توی چشم آید... زیاد نی که چون برگش رود با باد یاد.. تا به کی سبزینه بازی تا کجا؟ چشم آدم ها کجا... این ها کجا؟

سبز لبخندی زد و چیزی نگفت سورمه ای می گفت و او هم می شنفت رنگ باید رنگ بر دل ها زند دم ز رتق و فتق مشکل ها زند با فتو سنتز؟! محال است این خیال درد مردم را چشیدی تا به حال؟ من اگر جای تو بودم یک زمان می شدم زرد از خجالت بی گمان

دست آخر سبز گفتا: تو که ای؟ خود بگو آخر چه داری سورمه ای؟ سورمه ای خندید و بر منبر نشست گفت ردی دارد از من هر چه هست من همان رنگم که در شب هاستم نی فقط اینجا که من هر جاستم جملگی عالم به زیر رنگ ماست وقت شب، غالبترین رنگ هاست همدم بی خانمان هایم به شب هم نشین با بی کسان جان به لب تا سحر سقف فقیرانم سپس سرپناه بی پناهانم و بس هر کسی از ظن خود شد یار من بهر مردم داری بسیار من رنگ من از درد مردم دور نیست آنچه در من شد نهان در نور نیست من حدیث قلب مردم می کنم غصه شان را درخودم گم می کنم یاد دارد هر که آهنگ مرا می شناسد بی گمان رنگ مرا

سرخ لبخندی نمادین زد به او سورمه ای جان اصل مطلب را بگو! من شنیدم هر چه را گفتید نیک لب مطلب را نفهمیدم ولیک سبز، رنگی ساده و بی ادعاست وسعت طاق فلک دست شماسست (می شود کیف پتیمان با تو کوک تازه هستی رنگ آرم فیس بوک!) باشد اما منطقی شو یک کمی... آسمان هم سبز می گردد دمی "گنبد سبز فلک دیدم و داس ماه نو" این هم از حافظ... سخن کم کن... برو... سبز لبخندی زد و گفتش چرا می برید این بحث را تا قهقرا؟ هر چه را گفتی پذیرفتم ولی، حرف آخر را بگو بی معطلی

سورمه ای هم گفت با آن دو چنین نفرنی دارم به شدت من از این مشکلم با رنگ این سبزینه است در دلم از او هزاران کینه است آخر او که این همه هر جا کم است پس چرا بالای رنگ پرچم است؟ در حضور این همه رنگ بدیع؟ شر خود کم کن ز جمع ما سریع

چون سفید از سوی دیگر می شنید حرف های این دورا، فوراً دوید در میان رنگ ها من اصلحهم هم میانم هم سرم من هم تهم مسخره، شوخی، به جد یا واقعی هر چه گفتی را شنیدم سورمه ای عمر ما صرف نزاع گردید و بحث فکمان در بحث ها پوسید و بحث بحث اینکه من کجایم تو کجا من سرم از تو، سری از من تو یا هشتمان گیر نه و نه گیر هشت خسته ایم از آنچه که بر ما گذشت رویمان کم کم - به زودی، می رود رنگمان رو به کیودی می رود بینمان دعواست از روز ازل "او نظر کرده است یا من مبتدل؟" تفرقه در بینمان انداختند رنگ هایی از دو رنگی ساختند در میان بحث ها و جنگ ها رنگ هامان شد دروغی، شد ریا گرده هامان خم شد از باری گران بار رقت بار از ما بهتران رنگ بی رنگی نشان دادندمان ننگ شد هم رنگ و خویشاوندانمان جمله جمله هر زبان را دوختند آتشی سرد از درون افروختند بر دل ما مهر خاموشی زدند تا نیابند از وفاق ما گزند برگ های کوچک سبز درخت

جدول سودوکو

توضیح: خانه های جدول روبرو را با عددهای ۱ تا ۹ چنان پر کنید که در هر رج (سطر) و ستون و نیز در هر یک از جدول های درونی هر عدد تنها یک بار استفاده شده باشد.

	3			7		9		1
	1	7						4
4	8	2	9					
	9		5		4			6
1			2	8	7			4
	2		3		9			1
					5	6	2	3
	6					4	7	
2		3		9				5

آسان

			7			4		
				6	3		8	9
				5	4		6	
3	1	2						
	5						9	
						5	3	7
	2		8	3				1
9	7		4	2				
		5				6		

متوسط

می شود کم کم درختی سفت و سخت گر درختان نزد یکدیگر روند جنگلی خواهد شد از با هم شوند خردلی که تا کنون خوابیده بود تا به حال این بحث را نشنیده بود بی رمق ناگه زخوابش جست گفت ناشود دیگر در این هنگامه خفت از سکوت خود چنین رنگین شدم زرد بودم آن اوایل، این شدم فلسفه کردی سر هم با کلام سبز باید باشد آنجا، والسلام! من نمی دانم که منطق چیست یا هست برهانم غنی یا نیست یا رک بگویم، من چنین فهمیده ام طبق آن چیزی که زینان دیده ام گیرم او آخر بود تو اولی چیزی از اینها نمی فهمم، ولی گرچه سبز از رنگ های آخرست دست کم از قهوه ای که بهترست!

نیازمندی ها

فقط با ۱۰ دلار در ماه! نام و شماره تلفن موسسه خود را در اینجا آگهی کنید.

پیش شماره های
نوشته نشده ۵۱۴ هستند.

مشاور املاک	فارس	مولتی ساژ	اتومبیل (اجاره و فروش)
۹۶۷-۵۷۴۳ میثا اسلامی	۲۷۰-۸۴۳۷ کیاب سرا	۷۷۰-۱۷۷۱ بیمه و سرمایه گذاری	Auto Highlander ۹۹۰-۲۵۰۰
۵۷۶-۴۱۵۵ یاس انصاری	۴۸۳-۰۰۰۰ کپلی	۵۶۲-۲۳۴۰ پژمان اسدی	اتومبیل (تعمیرگاه)
۴۹۷-۲۵۶۷ فریبا جانفزا	۴۸۴-۸۰۷۲ کلبه عمو جمال	۲۹۶-۹۰۷۱ علی پاکنژاد	اتو رایدر ۶۳۴-۱۱۱۱
۲۰۷-۹۰۰۰ ژاله حافظی	۸۴۶-۱۹۴۷ نیلوفر	۹۲۷-۳۵۰۴ سهراب مهماندوست	اطلس ۴۸۴-۴۴۸۱
۹۶۹-۲۴۹۲ نادر خاکسار	روانشناس - روانکاو	پزشکی	شیشه اتومبیل ۶۲۳-۲۹۰۰
۵۳۱-۳۶۳۱ مهدی رحیمی	حمیرا قاسم نژاد ۲۲۳-۶۵۴۲	پزشکی جایگزین	اتومبیل (لوازم بدکی)
۷۹۲-۴۵۷۷ مینا صالحی	مهناز کاظمی ۸۴۹-۷۳۶۸	پروین زرسا-همیویت ۹۳۱-۸۲۷۴	لوازم بدکی آلفا ۹۳۵-۲۸۲۹
۸۰۲-۲۳۴۹ سوسن گوئل	سی، دی - ویدئو	هیپنوتیزم-علی سلیمی ۹۷۹-۲۱۲۰	آرایشگاه-زیبایی-اسپا
۸۶۵-۷۱۴۶ رضا نژاد	تپش دیجیتال ۲۲۳-۳۳۳۶	هیپنوتیزم-دکترملک ۹۹۴-۳۲۰۱	خانه زیبایی فریده ۶۲۶-۸۶۶۶
۴۵۱-۴۶۶۳ سمین ماهری	صوتی و تصویری	تایلو سازی	زهرة ۴۸۱-۶۷۶۵
۸۲۷-۶۳۶۴ فیروز همتیان	آدیو ویدئو کیک ۴۵۰(۴۵۰)۶۹۱-۴۰۸۶	پلکسی ۹۳۱-۷۷۷۹	رویا ۹۳۴-۳۳۷۴
نان و شیرینی	عینک	ترجمه و دعوتنامه رسمی	رجنسی ۹۳۳-۰۷۶۳
نخودچی ۹۸۹-۷۵۱۴	عکاسی و فیلمبرداری	محمود ایزدی ۲۴۶-۸۴۸۶	شهرزاد ۴۸۹-۶۹۰۱
شیرینی و کیتیرینگ پری ۹۹۴-۹۲۶۴	فتو شاپ ۸۴۶-۰۲۲۱	شهریار بخشی ۶۲۴-۵۶۰۹	منیژه استتیک ۹۷۵-۳۰۰۲
نان سنگک شاطر عباس ۸۹۴-۸۳۷۲	رز ۴۸۸-۷۱۲۱	چاپ و کپی	فاطمه ۴۴۳-۳۴۹۲
نو سازی و تعمیرات ساختمان	رضا بلادی ۹۶۲-۷۳۹۲	انتشارات فرهنگ ۹۳۱-۹۹۳۱	ارز
تی.ام.ان ۸۳۵-۶۲۴۳	Sarkani Photography ۸۰۲-۲۱۶۸	فتوکپی ان دی جی ۴۸۸-۵۳۳۳	ام با ام ۸۴۸-۹۵۹۹
ایرکا- فرهاد زرعی ۵۷۳-۸۱۱۸	فرش	حسابداری	پاسیفیک ۲۸۹-۹۰۱۱
انواع سنگ ۹۹۶-۲۷۲۵	بازار فرش ۳۴۲-۳۰۰۰	حسن انصاری ۷۳۵-۰۴۵۲	پنج ستاره ۸۴۶-۰۲۲۱
خدمات ساختمانی احمد ۲۹۸-۱۳۹۳	تهران ۳۸۵-۱۸۱۸	شکبک نیا ۴۸۷-۱۵۶۶	شریف ۲۲۳-۶۴۰۸
تعمیرات ساختمانی رضا ۴۷۶-۴۷۲۶	قصر فرش ۲۷۷-۸۰۰۰	حمل و نقل و اسباب کشی	مانی وایز ۴۸۵-۶۰۰۰
خرید ضایعات - حامد ۸۱۵-۶۲۳۴	فروشگاه ها	امیر ۴۱۶-۸۴۴-۶۰۶۴	ازدواج و طلاق
مشاور مهاجرت	اخوان ۶۲۰-۵۵۵۱	خشک شویی و خیاطی	شیخ صالح سبویه ۳۶۶-۱۵۰۹
ماریا کتنه ۶۵۶-۸۱۷۸	ادونیس ۳۸۲-۸۶۰۶	Excel plus ۹۳۴-۵۶۰۰	آژانس های مسافرتی
علی مختاری ۹۰۳-۴۷۲۶	راکی مونتانا ۴۸۹-۳۲۲۶	خطاطی	امیر- اسکای لان ۲۴۲-۰۴۴۸
وکیل - مهاجرت	کوه نور ۴۵۰-۶۷۶-۹۵۵۰	پذیرش سفارش ۹۹۹-۸۷۷۹	فرناز معتمدی ۸۴۲-۸۰۰۰ EXT: ۲۹۶
دیوید برگر ۹۶۱-۸۷۳۶	سن لوران ۳۶۹-۳۴۷۴	دارو خانه	Amro Travel ۴۲۱-۰۲۴۴
سام بیات ۸۴۵-۸۱۴۶	میوه و تره بار سامی ۸۵۸-۶۳۶۳	لوئیز داداش زاده ۲۸۸-۴۸۶۴	الکتریکی (تعمیرات)
نیما حجازی ۸۷۸-۲۴۰۰	نور ۹۳۲-۲۰۹۹	دکوراسیون منزل و محل کار	الکترونک ۴۲۶-۴۵۵۲
علی غلامپور ۳۹۵-۰۵۲۲	وطن ۴۵۰-۹۰۴-۴۹۰۰	میترآ معینی/طراحی داخلی ۷۸۴-۰۲۵۷	امید ۴۲۸-۰۶۵۰
ونسان والایی ۹۵۴-۹۹۹۸	مترپولیس (تعاونی رز) ۸۴۹-۴۲۴۲	دندان پزشکی	سولوسیون پلاس ۵۲۷-۸۸۱۴
وام مسکن	کامپیوتر	شهرزاد رضا نیا ۹۳۳-۳۳۳۷	آموزش
بهروز آقاباباخانی ۶۰۶-۵۶۲۶	بیژن جلالی ۲۵۸-۸۱۸۶	راضیه رضوی ۶۳۴-۷۲۸۱	انستیتو تکنیک ۷۳۹-۳۰۱۰
وب سایت و شبکه	پیمان سلیمی-طراحی وب ۹۷۵-۲۱۱۱	معصومه دولتشاهی ۶۸۴-۰۱۳۵	پروین عبائی- فارسی ۳۶۸-۹۰۱۲
Dream Media ۸۶۲-۶۶۴۲	نرم و سخت افزار ۸۴۵-۵۲۳۱	شریف نائینی ۷۳۱-۱۴۴۳	مدرسه فردوسی ۹۶۲-۳۵۶۵
کافه رستوران و Take Out	کتاب فروشی	آذین طاهری ۳۲۹-۲۳۰۳	مدرسه وست آیلند ۶۲۶-۵۵۲۰
سفارش انواع غذا و شیرینی پذیرفته می شود	صبا ۴۸۱-۱۴۳۳	علی شفیع ۶۸۵-۶۲۲۲	مدرسه دهخدا ۹۵۲-۲۱۶۵
غذاهای اصیل ایرانی با طعم و کیفیت مطلوب خانگی	مکیک ۳۷۳-۵۷۷۷	رامین میر موجی ۶۹۵-۸۶۴۱	زبان فرانسه ۹۸۹-۹۴۷۵
دوشنبه تا جمعه: ۷.۳۰ صبح تا ۷.۰۰ شب	کیتیرینگ	دندان سازی	آموزش (رانندگی)
شنبه و یکشنبه: تعطیل	شیرینی و کیتیرینگ پری ۹۹۴-۹۲۶۴	افخم هادی ۷۳۷-۶۳۶۳	آریا ۶۲۱-۳۴۵۶
شبه و یکشنبه: تعطیل	شیرینی رز ۹۰۳-۱۱۵۹	رسانه های گروهی	آموزش (موسیقی)
936 Girouard (corner of St. Jacques)	گل	بازار ۸۴۸-۹۵۹۹	موسیقی- داوری ۵۶۷-۴۷۸۹
514-489-8484	لینک فلاور-وحید ۹۸۳-۱۷۲۶	پوشه ۵۷۵-۸۴۵۱	دف و آواز ۴۸۵-۰۷۳۹
	محضر رسمی	پیوند ۹۹۶-۹۶۹۲	موسیقی-سرایی ۶۸۳-۴۴۵۷
	مونا گلابی ۳۱۸-۶۳۷۳	تلویزیون ۳۸۵-۴۷۲۶	پیانو-قرچه داغی ۴۸۴-۸۷۴۸
	مراکز مذهبی	چکاوک هفته ۷۸۷-۸۸۴۸	پیانو-منتن ۵۲۶-۱۰۴۷
	انجمن بهایی ۸۴۹-۰۷۵۳	رستوران-پیتزا - کیتیرینگ	ویلون و پیانو ۵۲۷-۵۰۰۸
	کلیسای ایرانی ۴۳۸-۲۱۱-۱۷۷۱	پرشیا ۴۸۹-۸۴۸۴	سنتور و عود ۲۶۲-۴۰۴۵
	کلیسای شاهراه مقدس ۷۷۷-۶۴۲۱	چوپان کباب ۴۵۰-۶۷۸-۹۳۲۲	سنتور - صابر جلیلزاده ۵۸۵-۶۱۷۸
	کلیسای فارسی- کشیش عادل ۹۹۹-۵۱۶۸	دابل پیتزا ۳۴۳-۰۳۴۳	آموزش (نقاشی)
	مرکز اسلامی ایرانیان ۳۶۶-۱۵۰۹	شیراز ۴۸۵-۲۹۲۹	حمیرا مرتضوی ۹۳۸-۸۰۶۶
			انتشارات

Café Restaurant
پرشیا
Persia

کافه رستوران و Take Out

سفارش انواع غذا و شیرینی پذیرفته می شود

غذاهای اصیل ایرانی با طعم و کیفیت مطلوب خانگی

دوشنبه تا جمعه: ۷.۳۰ صبح تا ۷.۰۰ شب
شنبه و یکشنبه: تعطیل

936 Girouard (corner of St. Jacques)
514-489-8484

IRANIAN
BOOKS
MUSICS
MOVIES



فیلم کتاب موسیقی

پان به کتاب‌های ویژه کودکان و نوجوانان

WWW.PANBEB.COM



قیمت
هر جلد
\$6.50

کیتی دختر آتش پاره

نویسنده: بل مونی / مترجم: داوود شعبانی داریانی
ناشر: موسسه نشر افق
زبان کتاب: فارسی / مجموعه ۱۴ جلدی
اندازه ۱۲ X ۲۰ سانتی متر / چاپ چهارم
قیمت مجموعه ۸۶ دلار (۱۰٪ تخفیف)

نه! حالا خیلی زود است، نمی‌خواهم بخوابم!

حالش را ندارم مسواک بزنم!

اناقم را مرتب نمی‌کنم.

نمی‌خواهم، نه

نه کلمه‌ی محبوب کیتی است. اما نه گفتن خیلی هم کار راحتی نیست و بعضی وقت‌ها در دسرهای بیش‌تری درست می‌کند. شاید تو هم مثل کیتی هستی که گاهی با خودش یا بزرگ‌ترها مشکل پیدا می‌کند. با این همه دلش می‌خواهد درست باشد و اوضاع را بی‌ریخت نکند.

اگر دوست داری با او و زندگی‌اش آشنا بشوی

مجموعه‌ی ۱۴ جلدی **کیتی دختر آتش پاره** را بخوان



استخدام

آژانس مسافرتی امرو ترول استخدام می‌کند:
* Experience with SABRE system
* Minimum 4 years experience
* Fluent in English & French
لطفاً رزومه‌ی خود را به آدرس زیر ارسال فرمایید:
mohamed@amrotravel.com

استخدام

پرسنل برای کافی‌شاپ
آشنایی با زبان فرانسه یا انگلیسی الزامی است

514-578-5222

آگهی‌دهندگان ما تکیه‌گاه مهم هفته هستند. با مراجعه به این شرکت‌ها و موسسه‌ها و در صورت تمایل تهیه‌ی کالاها و خدمات موردنیاز خود از آنها، یاری‌دهندگان مجله خودتان را حمایت کنید.

هفته



برای همه‌گونه تعمیرات اتومبیل در خدمت شما
رفع ایرادات الکترونیکی
اتومبیل خود را به ما بسپارید

تعمیرگاه اتو رایدر Auto Ryder

با مدیریت مسعود 514-634-1111 420 1ère Avenue, Lachine, QC H8S 2S3

<p>استخدام پرسنل برای کافی شاپ آشنایی به زبان فرانسه یا انگلیسی 514-578-5222</p>	<p>فروشی Oven پیتزا میکسر Hobart 30Q به قیمت مناسب 514-903-1159</p>	<p>استخدام به افراد ماهر در کارهای ساختمانی نیازمندیم 514-770-2309</p>	<p>همکاری با فرهنگسرای سینا فرهنگسرای سینا جهت امور کیت‌رینگ، آشپزی، خدمات مجالس (ویتر و ویترس، دی جی،...) از همکاری شما استقبال می‌کند. 488-3000</p>
<p>فروشی کرایسler اینتراپید 1999 در وضعیت خوب 160 هزار کیلومتر - 1900 دلار 514-898-4686</p>	<p>فروشی آینه، میز و صندلی آرایشگاه با قیمت مناسب 514-831-2293</p>	<p>فروشی Hot Plate - گاز سوز در دو سایز مختلف 20 و 36 اینچ و دستگاه BBQ مرغ با کنجایش 35 مرغ 514-903-1159</p>	<p>محضر رسمی - مونا گلایی اولین محضر دار ایرانی در مرکز شهر (514) 318-6373</p>
<p>اجاره آپارتمان 3 خوابه در Lachine 700 دلار (514) 639-8559</p>	<p>اجاره‌ی آپارتمان 1 1/2 Sherbrook West 7730 نزدیک تقاطع شربروک و کوندیش صد دلار زیر قیمت منطقه (توافقی) 514-549-0214</p>	<p>اجاره آپارتمان دو خوابه در نزدیکی کانال لاشین 600 دلار 514-639-8559</p>	<p>سعید کامجو آموزش کمانچه، موسیقی کلاسیک ایرانی، تئوری موسیقی و نت خوانی 514-696-1519</p>
<p>کودکستان Les petites amours در NDG سرایی گرم برای کودکان شما از دوشنبه تا جمعه ۷ صبح تا ۶ بعد از ظهر خارج از ساعات رسمی ۷ روز هفته در خدمت شما 514-842-7016</p>	<p>ترجمه رسمی و دعوت‌نامه شهریار بخشی 514-624-5609</p>	<p>سازمان انتشاراتی مولتی‌ساژ 770-1771 www.multissage.com</p>	<p>آموزش سنتور صابر جلیل‌زاده 514-585-6178</p>
<p>نان سنگ شاطر عباس Sherbrooke West 6925 Tel: 514-894-8372</p>	<p>انتشارات فرهنگ خدمات چاپ کامل مهدی میرفطروس 514-931-9931</p>	<p>آموزش مینیاتور با استاد مجرب از دانشگاه هنر دارنده‌ی مهر اصالت یونسکو 514-488-8434</p>	<p>آموزش سنتور و عود توسط سینا بطحایی (514) 262-4045</p>
<p>کودکستان cute little cubs در بروسارد در خدمت شماست! نگهداری، آموزش و تغذیه عالی دوشنبه تا جمعه از ۷ صبح تا ۵ بعد از ظهر 514-266-5335</p>	<p>مونترال - تورنتو تورنتو - مونترال هر هفته دوشنبه و جمعه هر گونه بار و وسائل شما را حمل و نقل می‌کنیم (416) 844-6064</p>	<p>راديو همصدا آتاوا را هر یکشنبه در آتاوا، از ساعت 11 صبح تا یک بعد از ظهر روی موج 97.9 FM بشنوید. تهیه‌کننده و مجری: شبنم اسدالهی Tel.: (613) 244-0979 Ext. 1576 WWW.RADIOHAMSEDA.NET</p>	<p>هر روز یک خبر، یک نوشته و یک ویدئوی تازه را در سایت پوشه بازدید کنید www.poosheh.com</p>

Table des matières 79

Profile de la semaine

- Entretien avec l'ancien président de l'Iran Dr A. Banisadr par Said Soltanpour

Sepah Pasdaran, l'armée des Gardiens de la Révolution islamique a également connu sous le corps des gardiens de la révolution (CGR) est une branche de l'armée iranienne, fondée après la révolution iranienne.

Dans cet entretien, le président iranien explicite tout d'abord sur la Garde révolutionnaire, son rôle dans le fonctionnement des bagarres pouvoir et le rôle répressif de Sepah dans le mouvement iranien.

- Parole de la semaine: Un poème sur la liberté par Esmail Vafa Yaghmaïi
- Québec et du Canada nouvelles
- Nouvelles des Iraniens à Montréal
- Pourquoi les Baha'is? / Reza Fani Yazdi
- Entretien avec Kaveh Farrokh / dernière partie / Yousef Amiri
- Migration à travers le monde, un mot sur l'immigration, 10e partie par Sam Bayat / Farahnaz Heirdarpour
- Le mouvement de l'Iran et nos tâches: Dr Parsa Bonab à Montréal et Toronto / Farah Taheri
- Ghamar, la première femme chanteuse iranienne / par Neydavoodi
- Sae'di: Un pays et un penseur / Maria Sabaye Moghadam
- Sci-Tech: Perspectives de la biotechnologie / Mostafa Modirrousta
- Musique : Simorq à Seena Centre / Pasha Javadi
- Sport: / Interview avec entraîneur nationale iranien. / Peyman Salimi
- Juste pour rire: Un poème satirique de Nima Dehghani

Index issue 79

Cover story

- Interview with former president of Iran Dr A. Banisadr by Said Soltanpour

Sepah Pasdaran, the Army of the Guardians of the Islamic Revolution also known as the Islamic Revolutionary Guard Corps (IRGC) is a branch of Iran's military, founded after the Iranian revolution.

In this interview the first Iranian president explains about the Revolutionary Guard, its roll in the running power struggle and the repressive roll of Sepah in the Iranian movement.

- Word of the week: A poem about freedom by Esmail Vafa Yaghmaïi
- Quebec and Canada news
- News of Iranians in Montreal
- Why Baha'is? / Reza Fani Yazdi
- Interview with Kaveh Farrokh / last part /Yousef Amiri
- Migration across the world, a word on immigration, 10th part by Sam Bayat / Farahnaz Heirdarpour
- The movement of Iran and our tasks: Dr Parsa Bonab in Montreal & Toronto/Farah Taheri
- Ghamar, the first Iranian singer woman / by Neydavoodi
- Sae'di: A country and a thinker / Maria Sabaye Moghadam
- Sci-Tech: Prospects of biotechnology /Mostafa Modirrousta
- Music : Simorq in Seena Centre / Pasha Javadi
- Sport: /Interview with Iranian national coach / Peyman Salimi
- Just for laugh: A satire poem by Nima Dehghani

Publication/Publisher:

HafteH Journal

Rédactrice, -teur/Editors: **Leili Khaghani**

Rédacteur en chef/Editor in chief: **Khosro Shemiranie**

Rédactrice/Editor Ottawa : **Dr. Maria Sabaye Moghadam**

Désigner/Designer: **Behrouz Zamani** (www.BehGraphics.com)

Cover / couverture: **BehGraphics.com**

Caricaturist: **Sirous Yahyaabadi**

Webmaster: **Payman Salimi – Nazanin Hazrati**

General: info@hafteh.ca

Editorial: editor@hafteh.ca

Advertising: ad@hafteh.ca

Website: www.hafteh.ca

ISSN 1918-4379 HafteH

Editorial team :

**Atousa Akhavan,
Masoud Bastani,
Mohammad Jabbari-Hagh,
Mostafa Modirrousta,
Pasha Javadi,
Payman Salimi,
Ali Sharifian,
Maryam Tajik,
N. Tehrani**

Remerciements particuliers à ceux qui ont contribué à ce numéro

Special thanks to those who contributed to this issue:
**Yousef Amiri,
Sam Bayat, Farahnaz Heydarpour**

Convention du service Poste-Publications

NO 41740020

Retourner les Articles non distribuables à ma société :

6960 Sherbrooke O Suite 15

Montréal QC, H4B 1R2

WWW.HAFTEH.CA



"میوه و تره بار سامی"

با چهار شعبه بزرگ
در خدمت ایرانیان مونترال

کیفیت: خوب
قیمت ها: غیر قابل رقابت

سامی، جایی که می توانید سبد
خرید خود را پر از میوه کنید اما
کیف پولتان را خالی نکنید

▶ **Laval**

1550 Boulevard Daniel-Johnson
Laval, QC, Canada
(450) 978-1333

▶ **Lasalle**

400 avenue Lafleur,
Lasalle, QC H8R 3H6
(514) 368-1333

▶ **Nord-est Montréal**

8200 19E Avenue,
Montréal, QC H1Z 4J8
(514) 594-1333

▶ **Head Office**

1505 rue Legendre Ouest,
Montréal, QC H4N 1H6
(514) 858-6363

SAMI



FRUITS

79 HafteH

6960 Sherbrooke W. #15 Montreal Qc H4B 1R2
Tel: (514) 787-8848

Un hebdomadaire pour la communauté iranienne de Montréal
A weekly Newsletter for the Iranian Community in Montreal
Vol.2 - No.79 - Friday January 15, 2010
Convention du service Poste-Publications NO 41740020
ISSN 1918-4379 HafteH

Sam Bayat & Associates
A Canadian and International Law Firm

CLS international

اخذ اقامت انگلستان
فقط در چند ماه
از طریق سرمایه گذاری

دفتر وکالت سام بیات، با همکاری وکلای انگلیسی

بدون محدودیت سنی
بدون نیاز به مدرک تحصیلی
بدون نیاز به سابقه تجارت و مدیریت
با امکان تبدیل به سیتی زن شیپ (UK Citizenship)

Tehran, Iran
By Appointment:
Tel: (+9821) 88614820 (5 lines)
Fax: (+ 9821) 88614819
e-mail: cls-teh@ilsgroup.com

Montreal, Canada
1470 Peel, Bureau B-915
H3A 1T1 Canada
Tel: (+1-514) 845 8146
Fax: (+ 1- 514) 845 5091
e-mail: cls-mtl@ilsgroup.com

Dubai, U.A.E.
Suite 702, Canadian Consulate Bldg.,
Khalid Ibn Waleed St., Dubai
Tel: (+ 9714) 355-4646
Fax: (+ 9714) 355-2357
e-mail: cls-dxb@ilsgroup.com

دفاتر دیگر ما در کویت و لندن و واشنگتن